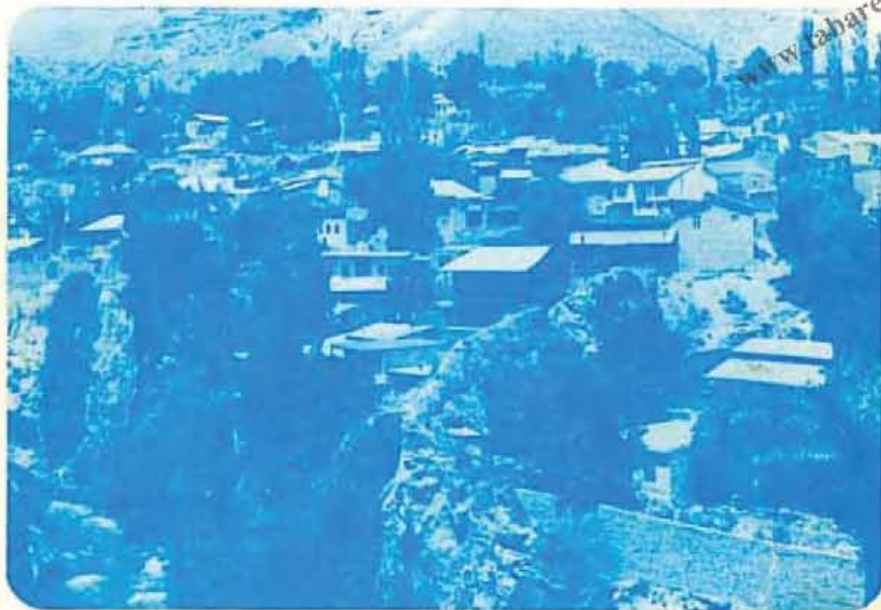


# لاریجان

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



مؤلف: دکتر مصطفی کوهی

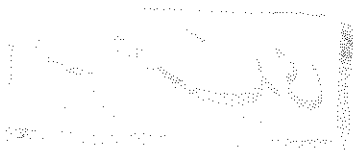
۱۳۷۱

قیمت ۱۵۰ تومان

تبرستان  
www.tabarstan.info  
لاریجان



تبرستان  
www.tabarestan.info



لاریجان

---

چاپ اول : اسفند ماه ۱۳۷۱ هـ . ش  
تیراژ :  
ناشر : مولف

شماره ۷۱۸۳۸۹

تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۱

پیوست ۱-۱



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران

باسلام

احتراماً - عطف بنامه شماره ۶/۵۲۲۲ مورخ ۲۲/۴/۲۰ مورخ ۲۰/۴/۲۰ ضمن اعاده یکجلد کتاب تحت عنوان ( لاریجان ) نوشته آقای دکتر مصطفی کوهی با اطلاع میرساند چاپ و نشر کتاب فوق الذکر از نظر این اداره کل بلا مانع میباشد . د

سید رسول موسوی

سرپرست اداره کل چاپ و نشر

رونوشت به :

آقای دکتر کوهی جهت اطلاع عطف بنامه مورخ ۲۰/۴/۹۰ ضمن عودت کتاب مذکور . ر

حسین روزبهی

سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران



جمهوری اسلامی ایران

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی

کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی

کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی  
www.tabarestan.info

کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی

کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه تخصصی طب و تجهیزات پزشکی

بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

لاریجان این کوهستان خوش آب و هوا که ستیغ دماوند را چون نگینی در بر گرفته است با کوهپای سبز و خرم و رود پر خروش هراز ، منطقه‌ای چنان زیبا و دلپذیر است که دل هر بیننده را بخود خواهد کشید .

این زیبایی ، خارجانی را که از آن بازدید نموده‌اند آنگونه تحت تاثیر قرار داده است که در سفر نامه های خود آنرا به آملی تاتری که چشم انداز قشنگی دارد همانند کرده‌اند .

لاریجان ، بخشی از شهرستان آمل است که نه تنها قدیمی ترین طرفی از تبرستان است و آبدی تبرستان از آنجا شروع گردید ، بلکه بنا به گواه تاریخ فریدون در آنجا زاده شده و فریدون آزادگی را از قله سر فراز دماوند آموخته و رو یاروی ظلم و ستم ضحاک به پا خواسته و او را دستگیر و در همان کوه بسه رنجیر کشیده است .

در مورد لاریجان تاکنون کتابی نوشته نشده ، ولی گنجینه گرانبهای بنام : (از آستارا تا استر آباد) در چهار جلد که دکتر منوچهر ستوده نوشته اند

فراوان بهره برده‌ام .

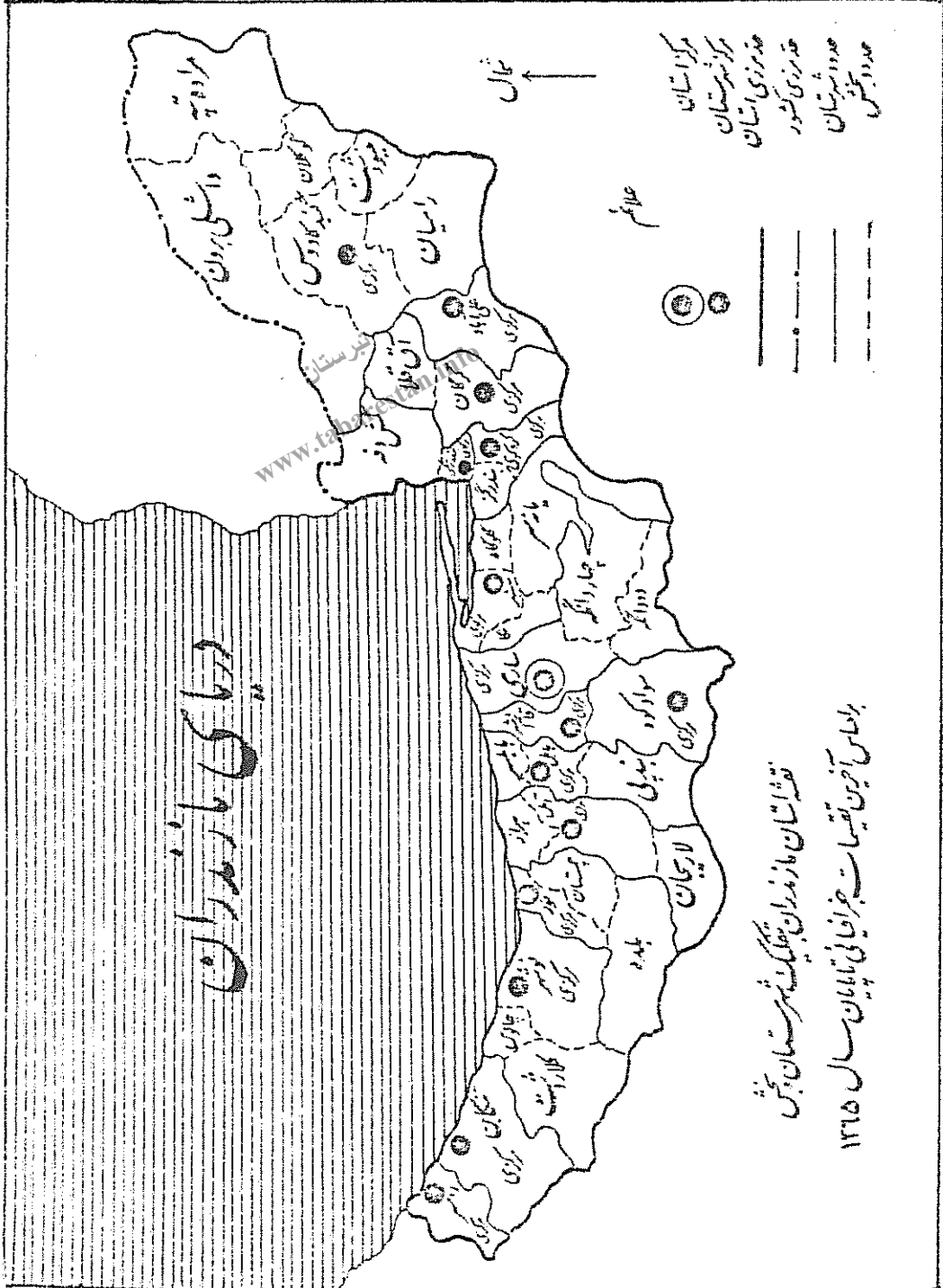
از کارمندان کتابخانه عمومی شهرستان ساری خصوصا " سرکار خانم عشرت مقصود نژاد که بمن در تهیه منابع یاری نموده‌اند و همچنین از آقای حسین سبحانی که در تدوین آن کمک نموده‌اند سپاسگزارم ، در پایان با اطلاع از کم

و کاستی کتاب حاضر از خوانندگان گرامی تقاضا دارم در هر مورد ایرادی وجود داشته باشد اینجانب را ارشاد فرمایند.%

دکتر مصطفی کوهی

سال ۱۳۷۱

# طراحی مازندران



مرکز استان  
 مرکز شهرستان  
 حد مرزی استان  
 حد مرزی کشور  
 حد مرزی شهرستان

نقشه استان مازندران به تفکیک شهرستان بخش

بر اساس آخرین تقیسات جغرافیائی تا پایان سال ۱۳۶۵





---

توضیحی از مولف

---

توضیحاتی که در متن کتاب وجود داشته توسط شماره

مشخص گردید ، خواننده محترم بایستی به پایان کتاب

مراجعه نمایند.

مولف

.....

.....

.....

تبرستان  
www.tabarestan.info

.....

مقدمه

۱	لاریجان
۳	سابقه تاریخی لاریجان
۶	سفرنامه مازندران در آستراآباد
۷	جغرافیای تاریخی لاریجان
۱۲	عجائب تبرستان
۱۴	رودخانه هراز رابینو
۱۶	سد لار
۱۷	راه آمل به ری
۲۱	قلاع لاریجان
۲۵	برج نگهبانی قلعه
۲۶	طوایف لاریجان
۲۶	دهستانهای لاریجان
۳۰	قلعه‌ای قدیمی و کاروانسرا سنگی
۵۰	امامزاده عابدین رضا
۶۲	پلور
۶۶	امامزاده محمد
۷۰	امامزاده زین العابدین
۷۷	امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر (ع)
۷۸	تکیه و مسجد نوا
۸۰	بقعه درویش تاجالدین حسنولی
۸۵	امامزاده هفت تنان
۸۸	دلارستاق

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تبرستان  
www.tabarestan.info

۸۹	مرقد سلطان احمد نریزنده
۹۴	امامزاده عباس و علی پسران اسمعیل بن موسی بن جعفر (ع)
۹۴	بقعه مظفر سلطان در میانه
۹۶	جغرافیای تاریخی لار
۹۹	بنا و آثار تاریخی لار
۱۰۰	قبر ملك سلطان
۱۰۶	گورستان قدیمی دریوردالم
۱۰۷	ملکوک گاویار میابادوسپانان
۱۱۰	بزرگان لاریجان
۱۱۵	آمدن شاه اسماعیل صفوییه لاریجان
۱۱۶	ملك بهمن و لار جان
۱۱۸	جنگ آغامحمد خان
۱۲۲	فرستاده آغامحمد خان در لارجان
۱۲۶	امیر اعظم و لاریجان
۱۳۷	سلطان طغرل در لارجان
۱۳۷	قصرهای لاریجان
۱۳۸	وضع حکومت لارجان از دوران صفویه تا پایان قاجاریه
۱۴۶	منابع



مازندران بین دریای خزر و سلسله جبال البرز واقع است و اختلاف هوا را میتوان به دو منطقه دشت و کوهستان تقسیم نمود .

لاریجان در منطقه کوهستانی و در دامنه جبال البرز واقع است . مناطق بند پیی سواد کوه ، دو دانگه ، چهار دانگه ، نور ، کجور ، کلاردشت ، فیروز کوه و بیلاقات تنکابن در این قسمت قرار دارند . ارتفاع آن از سطح دریا به ۲۵۰۰ متر میرسد .

خاک این منطقه رسوبی ، مخلوط با سنگ و شن و ریز و ماسه است هوای آن سرد و خنک و زراعت عمده آن غلات ، حبوبات و نباتات علوفه میباشد ، این منطقه بواسطه داشتن کوههای بلند ، دره های مصفا ، مراتع سبز و خرم و آبهای معدنی از نقاط بسیار زیبا و فرح بخش است که همه ساله عده زیادی از نقاط کشور خصوصا " اهالی جلگه های مازندران برای تفریح و استفاده از آب و هوا باینجا مسافرت مینمایند .

( LARIJAN )

لاریجان

نام یکی از بخشهای شهر آمل از استان مازندران است این بخش در جنوب شهرستان آمل در طول دره های کوه دماوند و ارتفاع بیش از دو هزار متر واقع و محدود است : از شمال به ( سیاه بیشه ) از جنوب به ( امام زاده هاشم ) و و مشاء دماوند از شمال شرقی به ( بند پی ) به شهرستان بابل ، و از شمال غربی به ( بلده ) ، از شرق به ( فیروز کوه ) و از مغرب به ( لواسان ) .

هوای بخش سرد سیر ، تابستان معتدل و خوش آب و هوا است . قلعه مرتفع دماوند که مرتفع ترین قله جبال البرز میباشد ، در این بخش واقع ، رودخانه هزار از دره های مختلف این قله و سلسله البرز سر چشمه میگیرد .



آبهای معدنی متعددی مانند آبگرم ، آب اسك ، آب استرآبادکوه و غیره در نقاط مختلف این بخش وجود دارد .  
 راه اسفالته تهران ، آمل بطول ۱۸۰ کیلو متر ، کوتاهترین راه بین تهران و آمل است و از طریق رودهن ، پلور ، اسك و آمل میگذرد .  
 این بخش شامل چهار دهستان و ۵۹ آبادی است که جمعیت ثابت آن ۹۸۳۱ نفرمی باشد در تابستان ، دارای جمعیت متغییری بوده و جمعیت آن چندین برابر میگردد .

نام دهستان	تعداد آبادی	خانوار	جمعیت
امیری	۱۳	۳۵۶	۱۷۰۲
بالا لاریجان	۲۲	۱۳۳۲	۵۶۶۲
بهرستاق	۱۲	۲۱۷	۱۱۸۷
دلارستاق	۱۲	۲۶۸	۱۳۸۰

مسعود کیهان در کتاب جغرافیای مفصل ایران در سال ۱۳۱۱ تعداد روستا و جمعیت بخش لاریجان را بشرح زیر نوشته

نام دهستان	تعداد قراء	مساحت به فرسنگ مربع	خانوار	جمعیت
امیری	۱۰	۴	۲۱۹	۱۰۱۰
بالا لاریجان	۱۸	۱۵	۷۴۴	۳۰۴۵
بهرستاق	۸	۶	۱۶۱	۵۹۸
دلارستاق	۱۰	۹	۳۲۵	۱۰۶۰

مرکز بخش در گذشته روستای اسك ، که مقرر حکومت خاندان امیر مکرّم بود .  
 ناصرالدین شاه در سفر نامه مازندران به قلم خود ، اسك را حاکم نشین لاریجان ذکر نمود که لب رودخانه واقع و ده معتبری است . مادام کار لاریجان فرانسه سویی

که در نوامبر ۱۸۷۷ مطابق با ۱۲۹۴ هـ ق مقارن با سی امین سال سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمد سفر نامه خود (آدمها و آئین ها در ایران) اسک را مرکز لاریجان ذکر کرده است. مرکز بخش در حال حاضر روستای گزنگ است که در مسیر جاده اسفالت تهران آمل در ۷۴ کیلو متری آمل قرار دارد. مردم لاریجان شیعه بوده و بفارسی مازندرانی گویش میکنند.

### سابقه تاریخی لاریجان

در تاریخ تبرستان بن اسفندیار در ذکر عمارت رویان چنین آمده است قدیم تر طرفی از اطراف طبرستان لاریجان است که افریدون <sup>بدیه</sup> و زک که قصبه آن ناحیه است در وجود آمد و سبب آن چون که ضحاک تازی جمشید را پاره کرد آل جمشید از او نفرت کردند تا در میان عالمیان در ذکر ایشان فتوری پدید آمد ما در افریدون فرامک با متعلقان خود به پایان کوه دنیابند بدیهی است که مذکور شد پناه گرفت و چون افریدون از مشیمه کن فیکون برون آمد به جهت آنکه جبال ذی ذرع و صحاری غیر ذی ذرع بود به حد سواد کوه به قریه شلاب نقل کردند که در آن موقع چرا خوب بود و مقیمان آنجا را تعیش از منافع باج و خراج گاو، ان حاصل میشد. چون آن طفل را سال از هفت گذشت مهار در بینی گاو ان کردی و مرکب خود ساختی و به شکار میرفتی و به حسن و جمال آن کودک چنان بود که گوئی از عکس آفتاب بر روی خاک آفتابی دیگر طلوع میکند. و چون به سن مراهق رسید جوانان آن دیار برای دفع نکبات پناه به جلادت و شهادت او میجستند و چون از سن مراهق بگذشت و به شباب رسید جمعیت او رونق گرفت و به ولایت لیور بدیهی ما و چگو آمد. غرض کسه که چون فریدون را شوکتی پدید آمد مردم امیدوار کوه که اکنون بکثرت

استعمال امیاره کوه میخوانند و مردم کوه قارن نیز بدو پیوستند و برای او گریزی به صورت سر گاو، بساختند و از جهات و اقطار طبرستان مردم نزد او میامدند تا عده او زیاده میشد آنکه آهنگ عراق کرد و در اصفهان کاوه آهنگر نیز خروج کرده بسود او نیز بدو پیوست و به اتفاق قصد ضحاک کردند و به شهر بابل که اکنون کوفه می خوانند ضحاک را مقید ساختند و به کوه دنیا بند آوردند و بدیه ورك که مسقطالراس او بود در بند کردند.

۳

نه فریدون گاو پیرو کرده کرد شیر گرسنه را پیرو کرده  
نه بیاری وسی یک دوگیسا بستند از بیور اسب ملک کیسا

### شاهنامه فردوسی

#### دیدن ضحاک فریدون را در خواب

در ایوان شاهی شبی دیر یاز چنان دید از کاخ شاهنشهان  
بخواه اندرون بود یا در نواز که جنگی پدید آمدی ناگهان  
دو مهتر یکی کهتر اندر میان بیالای هر دو بفیگر کیسان  
دماں پیش ضحاک رفتی بجنگ زدی بر سرش گرزه گاو رننگ  
یکایک همان گرد کهتر به سال کشیدی ز سر تا به پای شش دوال  
بدان زو دو دستش به بستی چوسنگ نهادی بگردن بیارش پالهننگ  
بدین خواری وزاری و گرم و درد پراکنده بر تار کش خاک و گسرد  
همی تاختی تا دما وند کوه کشان و دوان از پس اندر گروه  
یکی چاه بدانند رآن کوه پشت بچاه اندران بر دستش به بست

#### گفتار اندرزادن فریدون

شوم نا پدیدار میان گروه مر این را بمرم سوی الیبرز کوه  
بیاورد فرزند را چون نونند<sup>۵</sup> چو عزم زیان سوی کوه بلند<sup>۶</sup>

چو بگذشت بر آفریدون دو هشت ز البرز کوه اندر آمد به دشت  
 در بند کردن فریدون ضحاک را  
 بیاورد ضحاک را چون نونند بکوه دماوند کردش به بنند  
 چو بندی بر آن بند بفرزد نیز نمو دار بدبخت مانیده چیسز  
 از او نام ضحاک چون خاک شد جهان از بند او همه پاک شد  
 گسته شد از خویش پیونددای بماند بکوه اندرون بنسددای  
 بکوه اندرون جای تنگش گزیدد نکه کرد قماری بنش نا پدیدد  
 بیاورد مسمارهای کسرا ن بجائی که لغزش نبود انسدرا ن  
 فرو بست دستش بدان کوه یاز بدان تا بماند بستختسدرا ن  
 بماند او بدینگونه آویختسه وزو خون دل بر زمین ریختسه

### لارز و لاریجان

امروزه ۷

لارز را (لار) و لارجان به غلط (لاریجان) خوانند مورخان اسلامی راه میان  
 لار و لارجان را به آمل دو روز راه (دو مرحله) آورده اند. و پایان خاک لار و لاریجا  
 را آغاز خاک قصران (شمیران) و فواسانات دانسته اند.  
 بنا به نوشته شادروان پیر نیا در کتاب ایران باستان نام لار و لارجان را در  
 تقسیمات کشوری دوره ی انوشیروان ساسانی (سنجان یا شنجان) نمین شهرستان  
 کشور ایران در نیرستان میبینیم.

### لارجان ۸

لاریجان شهرکی میان ری و آمل طبرستان بفاصله هیجده فرسنگ از هر یک از این  
 دو شهر آنرا قلعتی حصین است و در اخبار آل بویه ذکر آن ابویوسف الفقیه  
 منسوب بدانجا است.

بن اسفندیار در تاریخ طبرستان شهرهای تبرستان را بدرون همیشه و بیرون همیشه تقسیم کرد. شهرهای درون همیشه را به هامون و کهستان تقسیم بندی نمود و لارجان را در قسمت کوهستان ذکر کرد.

خراج تبرستان بعهد ایام طاهریه شش هزار و یکصد و سی هزار درم بود که سهم لارجان سیصد و شصت هزار درم بود.

### سفر نامه مازندران و استرآباد (۹)

رابینو در سفر نامه خود ذکر کرده است. مازندران به سیزده ناحیه تقسیم شده است:

تنکابن ، کلارستاق ، کجور ، نور ، آمل ، بارفروش ، مشهد سر ، ساری ، فرح آباد ، اشرف ، لاریجان ، سوادکوه و هزار جریب.

و متذکر میگردد ناحیه لاریجان چنان از کوهها و گردنه های تنگ محصور است که در واقع هیچ منهای نمی تواند بیان دسترسی داشته باشد و بهمین جهت مردم آنجا اکثرا " سرکش و همیشه آماده شورش و مستعد خود داری از پرداخت مالیات بوده اند ، و این وضع شامل آن نواحی است که از رودخانه لارو قسمت های علیای هراز مشروب و به ۴ بلوک تقسیم میشود .

### امیری یا پائین لاریجان - بالا لاریجان - بهرستاق - دیلارستاق

سه چهارم از روستائیان زمستانها دهات خویش را ترک میکنند و در قشلاق های مازندران اقامت مینمایند. میگویند بین چهار تا پنج هزار خانوار در این ناحیه هستند.

رابینو دهات لاریجان را بشرح زیر ذکر نمود:

### الف - امیری

آخا ، آختری ، الزم (چراگاه) اناربن ، انجی (چراگاه) باغ چوپانان ، دنیان هفنه چال ، ایلپس ، کل پاشا ، لشلوار ، قلعه درگاه ، شاهاندشت ، شنکسلده

وانه .

### ب- بالا لاریجان

ابهی ، امراب ، انکه مار ، اسك ، ازو ، بند قرغه ، برفآب پی ، بستك ، گرماب-  
بسر ، بهمن آباد ، گرنا ، گزنه ، گزاسك ، گیلاس ، ایرا ، کند لوب ، كفار كلا  
لن ، لزورك ، ملارد ، ملك آباد ، ملهار ، مون ، نوا ، نیاك ، پائین كوه ، پلور  
قرنگم ، رینه ، سعامك ، شاسب پر ، سیاه گنو ، زیار .

### ج- بهرستاق .

افن سر ، بایجان ، بوالكلام ، دركاس ، هفت تنان ، هلبه ، كلادوش ، خاف ، كرزك  
لوشلوئی ، لوط ، محمد آباد (قهوه خانه ای است) یانلینو ، لریجان ، مه كتنان  
نوسر ، پنجاب ، پرده مه ، ساروقاپی .

### د- دیلارستاق .

دیزان ، فره حاجی دیلا ، حرمون ، جوچار ، كهروود ، کیان ، كرف ، لهپیر ، مله  
منكا ، ماندر ، میانده ، نونل (ناندل) ، سر دشت ، تینه ، وركا (۱۰) (كه فریدو  
در آنجا تولد یافته)

چراگاههای بهرستاق رافیكسره ، هجران ، ارنی ، لته پشت ، نیرین ، نوقلبان  
سوفكسر ، شیر سل ، سیاه ، كمر بند ، رزدل ، زرزمین ذكر نمود .

### ج- لار .

روزنامه خاطرات اعتمادالسطنه .

اعتماد السطنه در روزنامه خاطرات خود (۱۲۹۲) از كهروود تا امام زاده هاشم  
را خاك لاریجان ذكر نموده .

### جغرافیای تاریخی لاریجان

كلمه لاریجان كه در بیشتر كتب تاریخی مازندران (لارجان) بكسر راء ضبط شده  
است ظاهرا " از دو جزء (لارج) + (ان) ترکیب شده است كه (لارج) شكل دیگری

است از کلمه (لاریک که در فارسی دری (لاری) میگوئیم ظاهرا " پس از خراب شدن دهکده های لار قصران مردم آن به نواحی گرمتر که کنار رودخانه هراز باشد آمده اند . در دوران قارجایه و شاید پیش از آن ، لاریجان به چهار بلوک تقسیم میشده است ، ۱۱ بلوک علیا یا بالا لاریجان که اسک مرکز آن بوده و دهکده های زیر جزء آن بشمار میآید :

رینه ، ایرا ، نیاک ، کنار کام ، نوا ، زیار ، لاسم ، مون ، انه ، کندلی ، گیلان کیا ، گرنا ، لزورک (لزیرک) گرماب سر ، اهریغه ، گزانه ، گزنگ ، مزرعه پلور (۱۲)

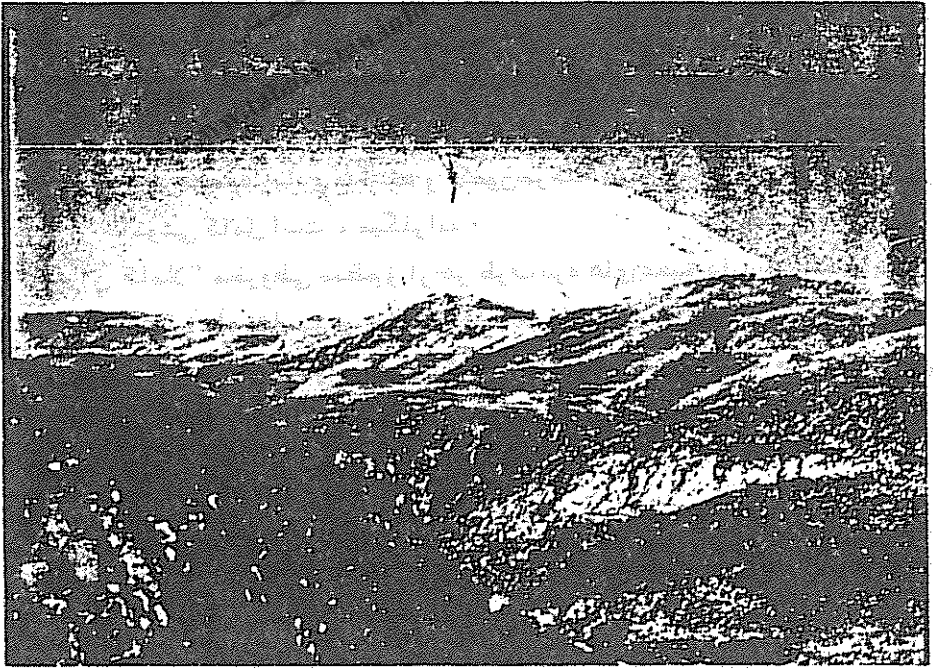
بلوک سفلی یا پائین لاریجان شامل بخش های امیری ، بهرستاق ، دلارستاق است در دوران قارجاریه ، مجموعا " هفتاد و پنج قریه جزء لاریجان بود .

محمد حسن اعتماد السلطنه روز يك شنبه اول شهر رجب المرجب سال ۱۲۹۶ هـ . ق از شمیران بسمت بیلاق لار ، در ركب ناصرالدین شاه حرکت کرد و روز چهارشنبه در مرغ سر و روز پنجشنبه پنجم و جمعه ششم و شنبه هفتم و یکشنبه هشتم رجب در سیاه پلاس لاراتراق نمود . شنبه چهاردهم به رینه رفت و از رینه به پلور و سه شنبه دهم به اسک پایتخت لاریجان رسید . چهارشنبه یازدهم و پنجشنبه دوازدهم و جمعه سیزدهم در اسک اتراق کرد . شنبه چهاردهم به رینه رفته و از رینه به پلور باز گشته اند روز یکشنبه پانزدهم در پلور اتراق روز دوشنبه شانزدهم به پلور سه لاسم و تنگه انگمار حرکت و در انگمار توقف نمود . ارتفاع انگمار از زمین شمیران ۱۴۵۰ پا است . از آنجا ظاهرا " به فیروز کوه رفتند .

### قلعه دماوند

رشته کوه های البرز رود های بزرگی که بر دامنه شمالی و جنوبی آن جریان دارد به سه واحد جداگانه ، غربی ، مرکزی ، شرقی تقسیم میشود :

در این منطقه، در حدود ۱۰ کیلومتر مربع، زمین‌های حاصلخیز و سرسبز وجود دارد که برای کشاورزی و دامپروری بسیار مناسب است. همچنین، در این منطقه، چشم‌انداز بسیار زیبایی از کوه دماوند و اطراف آن وجود دارد که برای تفریح و گردشگری بسیار مناسب است. در این منطقه، آب و هوای معتدل و مطبوعی وجود دارد که برای زندگی و سکونت بسیار مناسب است. در این منطقه، امکانات رفاهی و تفریحی بسیار خوبی وجود دارد که برای گذراندن اوقات فراغت بسیار مناسب است. در این منطقه، امنیت بسیار خوبی وجود دارد که برای زندگی و سکونت بسیار مناسب است.



در این منطقه، در حدود ۱۰ کیلومتر مربع، زمین‌های حاصلخیز و سرسبز وجود دارد که برای کشاورزی و دامپروری بسیار مناسب است. همچنین، در این منطقه، چشم‌انداز بسیار زیبایی از کوه دماوند و اطراف آن وجود دارد که برای تفریح و گردشگری بسیار مناسب است. در این منطقه، آب و هوای معتدل و مطبوعی وجود دارد که برای زندگی و سکونت بسیار مناسب است. در این منطقه، امکانات رفاهی و تفریحی بسیار خوبی وجود دارد که برای گذراندن اوقات فراغت بسیار مناسب است. در این منطقه، امنیت بسیار خوبی وجود دارد که برای زندگی و سکونت بسیار مناسب است.

قلعه دماوند



این واحد بین دره های کرج و چالوس در مغرب و در مه های در بند و بابل در مشرق شامل وسیع ترین قسمت کوهستان البرز بوده و کوه های لاریجان و نور در این قسمت قرار دارد و بلند ترین قله ایران (دماوند) را شامل است .

قله دماوند در ۷۵ کیلو متری تهران واقع است ارتفاع این کوه از دریای مازندران ۵۶۷۱ متر و از دریای محیط ۵۶۳۶ متر است . قله دماوند در میان فلات زمینیه مخروط عظیم و آتشفشانی دماوند قرار گرفته است این قله قریب چهار هزار متر از فلات رینه که در دامنه آن واقع میباشد بلند تر است .

این مخروط جوان ترین قسمت رشته البرز میباشد که آخرین انفجارات آن از - ادوار تاریخی فاصله زیادی نداشته و اکنون مرحله گوگردزادی را که آخرین دوره قبل از خاموشی کامل است ، میگذراند .

شکل آن کاملاً " مخروطی منظم و از هر طرف دره های عمیق دارد که زمستانها برف و در تابستانها در جویبار ها آب جاری است و به عقیده (مورگان) ۱۳ - نبودن یخچالهای بزرگ در این کوه بیشتر بواسطه حرارت درونی آن میباشد . در نوک قله دماوند قریب سی هزار متر زمین همواره وجود دارد که همیشه مستور از برف است .

در حدود سالهای ۲۰- ۱۳۱۹ عده ای از مهندسين برای تعیین ارتفاع کوه دماوند نسبت به تهران به قله مزبور صعود کردند و نوشته اند که در مکان باشی بند ارتفاع از سطح تهران ۵۴۶۰ متر است .

هزار قدم بالاتر از محل مذکور نیه مانندجایی است موسوم بچوکوه یا ارتفاع سیصد قدم که دود رقیقی از آن متصاعد میشود که از آن حد بیلا معدن وجود دارد . در اطراف دود کوه به فاصله صد قدم دور از یکدیگر دو زاغه وجود دارد کسه از آنها نیز بخار متصاعد میشود . بطور کلی قله دماوند از سه طرف پوشیده از برف است و جهت دیگر که معدن گوگرد در آن یافت میشود خالی از برف است .

مادام که لاسرنا فرانسوی (۱۴) در سفر نامه خود (آدمها و آئینها در اینسوزان) نوشته معمولاً "علاقمندان به کوه دماوند ماه ژوئیه را برای صعود انتخاب میکنند و بهمراهی یک بلد تا نوک کوه بالا میروند. آنجا دهانههای آتشفشان را که دیگر شعله ور نیست ولی حرارت درونی آن هنوز خاموش نشده است و حتی چند لحظه نمیشود دست روی سنگهای داغ دهانه آن گذاشت تماشا میکنند."

دکتر فوریه (۱۵) طبیب ناصرالدین شاه در خاطرات خود مینویسد "در دامنه های جنوبی دماوند برف کمتری است و تخته سنگهای آن تا نزدیک قله تقریباً "عریان" میباشد، به همین جهت کسانی که میخواهند به قله آن صعود کنند از همین طریق، یعنی از جهت شرقی آن میروند همین راه را اختیار میکنند و تا جایی که بخارات گوگردی مانع تنفس میشود پیش میروند و از آنجا گوگرد برای مصارف شخصی بسا ساختن باروت می آورند."

بخارات قله دماوند گاهی بقدری زیاد است که بشکل ابر دورادور آنرا میگیرد و این قله عظیم را در زیر خود مستور و مخفی میسازد."

به غیر از بخارات گوگردی که از منافذ زمین متصاعد میشود، چندین رشته آب معدنی از اطراف دماوند جاری است که مهمترین آنها آبگرم لاریجان، آب اسك عمارت (آمولو) میباشد. حتماً "در دهانه مخروط دریاچه ای قرار دارد که بعلاوه ارتفاع این قله همیشه پوشیده از برف است."

(مورگان از قله تا دامنه کوه را به چهار تا پنج ناحیه بشرح زیر تقسیم نمود):  
از قله تا ارتفاع ۴۸۰۰ متر کمترین اثری از گیاه دیده نمیشود. بین ۴۸۰۰-۴۴۰۰ متر بندرت بوته های خیلی کوچک و پیچیده روی سنگها دیده میشود. در ۴۰۰۰-۳۰۰۰ متری گیاههای خاردار شروع شده تا تقریباً "در ارتفاع ۳۰۰۰ متری که کمی خیار و کاجهای کوچک تا حد یکنواختی سنگهای آتشفشانی را از بین برده و در پائین آن ناحیه وسیع علفزاری است. و بالاخره در ارتفاع هزار متری جنگل درختان کاج و بلوط و چنار هست تا حدود باطلاقیهای دریای خزر که در آنجا شمشاد و

و درختان جنگلی میوه دار و گیاهان جنگلی مخلوط دیده میشوند .  
 رابینو در سفر نامه خود کوهستانات جلگه لار را عثمان کوه ، یانسر ، کمر  
 دشت ، سرخلکو سرخسر و کوههای لاریجان را که در نقشه ( S H T A L )  
 اشتال و مورگان مندرج از عبارتند از :  
 هنسان ، ماس ، بژم ، میانرود ، ترمومج ، کوه سرد ، بامسر ، بزکوه ، گیابندان  
 گمدسی ، ملخ آباد ، سباه بند ، اوزون کوه ، زرد کوه .  
 ابو دلف در سفر نامه خود مینویسد :

(( در دماوند ) کوه بسیار مرتفع و عظیمی است که زمستان و تابستان قله آن از  
 برف پوشیده شده و هیچکس نمیتواند بر فراز یا نزدیکی آن برود قله مزبور کوه  
 ( بیوراسب ) نام دارد .

برخی عقیده دارند که شاه افریدون (( بیوراسب )) را زندانی نمود .  
 از دهانه غاری در این کوه دودی بیرون می آید که عوام میگویند نفس اوسست  
 و از این رو آتشی نیز در آن غار مشاهده میکنند میگویند آتش چشمان اوست .  
 من این موضوع را مهم تلقی نمودم و خواستم شخصا " آنجا را ببینم ، لذا در آنجا  
 از کوه با لا رفتم و با سختی فراوان و خطر جانی خود را تا نیمه بلندی کوه رساندم .  
 گمان نمیکنم هیچکس از مکانی که من رسیده ام با لا تر رفته باشد در آنجا کوه را با  
 دقت ملاحظه نمودم و یک چشمه بزرگ صافی یافتم که اطراف آنرا گوگرد سنگ  
 شده فرا گرفته بود و چون خورشید به آن میتابید آنرا مشتعل میساخت و آتش  
 از آن نمایان میشد اما آن تنوره دود که مردم میگویند دیوها میباشند ، چیزی  
 جز بخار آن چشمه گوگرد نیست .

در یکی از رشته های این کوه آثاری از یک ساختمان قدیمی یافتم که در اطراف  
 آن قبرهایی وجود داشت و نشان میداد که محل بیلاقی بعضی از پادشاهان  
 ساسانی بود .

واندیرگدر کتاب باستان شناسی ایران مینویسد :

در گورستانی نزدیک شهر دماوند دو جام بدون پایه که قسمتی از آن بشکل سر کوزن است و از جنس گل قرمز میباشد پیداشده ، همراه این دو جام سکه هائی بوده که تاریخ گذاری آنها را آسان کرده و به این طریق توانسته اند تاریخ یکسانی از آن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم ( ۱۳۸ بعد از میلاد ) ، دیگری را از عهد مرداد دوم ( ۸۸-۱۲۳ پیش از میلاد ) تشخیص دهند بنا بر این جامهای مزبور از دوران اشکانیان است .

### عجایب تبرستان

در تاریخ تبرستان بن اسفندیار جزو عجایب تبرستان آورده است . ( یکی کسوه دماوند است که علی بن الکاتب در کتاب فردوس الحکمه آورده است که از نیشه اسک تا قلعه بدور روز شوند و او همچون گنبدی مخروط است و بر همه جوانسب او ایدا برف باشد الا بر سر او مساحت سی گری زمین هیچ جای برف نایستند بزمستان و تابستان و آنجا ریگ بود چنانکه چون پای بروی نهی فرو شود و چسبون بر سر کوه ایستی بر آن ریگ همه کوهها چون پشته نماید و دریای خزر در مقابل او راستار است .

سی سوراخ در سر این کوه باشد که دود کبریت از آن بیرون آید و آواز هتای عظیم با سهم از این سوراخها شنوند . از لهیب آتش که حقیقت شود که در جوف و میان کوه آتش است ) .

### گردنه

گردنه اما مزاده هاشم که تهران را به لاریجان مربوط میسازد ارتفاع آن ۲۵۰۰ متر است .

## رود هراز

هراز بزرگترین رودخانه ، مازندران و از رودهای پر آب و دائمی است که در نواریخ قدیم آنرا ( هرز ) مینامیدند .

این رود از دامنه های شمالی کوههای لار و لواسانات سر چشمه گرفته و تا پلور رود لار نامیده میشود . و از پلور به بعد نام آن به هزار تبدیل میشود .

این رود بطول ۱۵۰ کیلو متر پس از عبور از دره های تنگ و عمیق کوههای البرز به موازات جاده تهران - آمل با دریافت شعبات متعدد از میان شهر آمل گذشته این شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم نموده و سر انجام در قریه سرخ رود به دریای خزر میریزد .

سراشینی آن از سر چشمه تا دریا در حدود ( ۲۸۰۰ ) متر است یکی از شاخه های پر آب از این رودخانه ، رود نور میباشد که در منطقه ، هردو رود به هراز متصل میشود . بر روی رود هراز در قسمت بالای رود سدی بنام ( لار ) بسنه شده که سالانه ۲۴۰ میلیون متر مکعب آب جهت آبیاری کشتزارهای آمل و بابل نامیوس و مورد استفاده قرار میگیرد .

بده رود حداکثر در فروردین ماه جاری است ( بده متوسط شصت ( ۶۰ ) متر مکعب و حداکثر آن چهار صد متر مکعب ثبت گردید ) در سر چشمه در لار ، پلور و اسک ماهی قزل آلا از آن صید میشود .

## رودخانه هراز نوشته رابینو ( ۱۷ )

رودخانه لار که در لاریجان واقع شده از شمال به کوههای سرخک کپو و سرخک و پیازک و دیو سیاه و الرور ، ولرو ، دماوند از مغرب به کتم بسنه ( کلومپسته ) از جنوب هره سنگ ( خر سنگ ) و اشتر و خاتون بارگاه و کزونک و لار کوه و لواسان و فیل زمین و بستان و سیاه چال محدود میشود .

در لار درخت یا بوته هائی نیست ولی مراتع عالی دارد و سکنه آن صحرا نشینهائی هستند که تابستان را با گله و گوسفند در آنجا مانده و زمستان به کنار خزر میروند .

رودخانه لار از دو نهری که از کتله بستره و اشتر و کوههای سوتک در ارتفاع ده هزار یا سر چشمه میگیرد تشکیل میشود . این دو نهر از دو آب - ر یورت سه دره با هم ملحق بطرف جنوب شرقی جاری میشود . دره ، اولی خیلی تنگ است ولی در پائین یورت گلوردک و سبع تسر و در پائین بستک عریض و باز و در یورت خانلرخان از عرض آن کاسته میشود . بعد از ورد آب نهر دلی چای به آن از گردنه ، تنگی عبور مینماید تا آنکسکه به پلور میرسد و از آنجا رودخانه ، هراز معروف است که از دامنه ، دماوند در تنگه عمیق و باریک سنگی اسک جاری و سپس بسمت شمال شرقی منحرف میشود و دماوند در سمت چپ آن قرار میگیرد و بعد از عبور از میان تنگه ای عمیق در حدود یک فرسخی جنوب آمل به جلگه میرسد و از آنجا در جهت شمال بطرف آمل جاری و در خود آمل رودخانه عریض میشود ( ۱۸ ) که دوازده طاق دارد بر آن ساخته اند .

رودخانه مزبور بدو شاخه تقسیم میشود یکی شعبه غربی در محمودآباد و دیگری شاخه شرقی بنام سرخ رود که در قریه ای به همین نام به دریای خزر میریزد . شعبه های رودخانه لار عبارتند از :

دو شعبه مربوط به سفید آب و گیله گج و ابرم در سمت چپ و دو شاخه دیگر آب باران و سفید آب و رودخانه دلی چای در طرف راست، یا نیرو خشک رود و چهل بره و گلخانه و سیاه پلس و دو شعبه متصل امی مهاتک و تنگ آور و از پائین پلور رود زیار که از جهت جنوب شرقی میاید.

وزاغ رود و شیرش که از سمت راست به آن می ریزند. در پائین پل پلور اسم لار به هراز تبدیل میگردد.

شعبه های عمده رود هراز عبارتند از :

کهرود در سمت چپ و آنا ور در طرف راست و هردو رود در سمت چپ و کمر رود در طرف راست.

## سد لار

این سد بر روی رودخانه لار در قسمت علیای رودخانه هراز بسته شده است.

مطالعات زمین‌شناسی جهت احداث سد از سال ۱۳۴۵ شروع و پس از مدت هفت سال بطول انجامید کار ساختمانی سد ۱۳۵۳ شروع و پس از مدت هفت سال آماده بهره‌برداری گردید هدف از ساختن این سد تامین بخشی از آب آشامیدنی تهران و تامین آب زراعی جلگه‌های آمل و بابل بوده است. • که میتواند ۹۰۰۰۰ هکتار از کشتزارهای برنج را سیراب کند. • این سد از نوع خاکی بوده که بزرگترین سد خاکی خاور میانه میباشد.

از این سد علاوه بر تامین آب مصرفی فوق برای تولید برق هم میتوان استفاده نمود در این سد ماهی قزل‌آلا پرورش داده میشود. • که منبع درآمد خوبی چه از طریق صید مستقیم و چه از طریق فروش پروانه صید به اطراف عادی میباشد. •  
 بعلت ساختمان ویژه طبقات زمین در محل احداث این سد (۱۹) بین دو قریه پلور و اسکدر ۴۲ نقطه نشست میکند.

### راه آمل به ری = راه هراز

(( بن اسفندیار درباره راههای تبرستان مینویسد :

راههای و پلهای تبرستان را ابواسحق ابراهیم بن مرزبان ساخت. پیش از او به زمستان و تابستان بدین راه که اکنون میشوند گذر نبود جمله بریده و جان پوشها و رباطها او کرده و آن راه را ایمن گردانید سنه ثلث و ستین و ماتین )) •  
 راه هراز (۲۰) ظاهراً " پیش از ابراهیم بن مرزبان ساخته شده بود و آمد و رفتی داشته است هنوز در آتنگه بریده ( آثار راه سازی دوران ساسانی بر جای است و ظاهراً " پیش از ساسانیان نیز این راه آباد بوده است بدستور ناصر الدین شاه این راه تعمیر و مرمت شده است •

خود ناصر الدین شاه در سفرنامه خود درباره این راه مینویسد ، از آمل یک فرسنگ بیشتر که رفته به (هلامه سر) رسیدیم که ابتدای راه تازه است. • ایمن راه جدید را از دو سال قبل (۱۲۸۹ هـ ق) تا به حال به صرف جیب خودمان بسا





مخارج گزاف حکم کردیم بسازند. راه بسیار خوبی شده است. حسینعلی خان وزیر قوائد عامه که مباشر این راه بود چون افتتاح راه بود. طاق بصرت و موزیکانچی در سر راه حاضر کرده بود.

محمد حسن خان اعتمادالسطنه در باره تعمیر و مرمت این راه چنین نوشته است. (چون راه آمل به عراق بواسطه بعضی پرتگاهها و مضایق و باتلاقها و نیل وین پلها بر روی هراز و سایر رودخانهها و نبستن بعضی سدها مایه تعسر عبور قواقل مازندران به عراق و روندگان عراق به مازندران و اموال بسیار تلف و عرضه خسار میشد.

رای جمال آرای شاهنشاهی که مبتنی بر اشاعه عدل و افاضه خیر و تسهیل مشکلات و تحصیل ترقیات و ترفیه عباد و تعمیر بلاد است متعلق و متوجه رفع این غائله گردید در رمضان ۱۲۸۹ جناب حسینعلی خان وزیر قوائد را که از رجال آزموده کار دیده صاحب علم این دولت جاوید شوکت است به این مهم عالی مامور فرمود.

معظم البیه این راه را سطح و صوغ و صاف و هموار نموده در مدت وقتی بندها و سدها و پلهای زیاد در مواضع لازمه در کمال استحکام به قاعده علم هندسه بسته با تمام رسانند اینک از آمل تا دارالخلاقه باهره همه جا راه طوری است که دو عراده کالسکه که بخواهند از پهلوی یکدیگر عبور کنند، بدون تصادف و مزاحمت یکدیگر از هم میگذرند، و در هیچ نقطه و موضع از برای عابرین زحمتی نیست.

بعد از آمل از دارالخلاقه ناصره تقریباً " بیست و پنج فرسخ به خط مستقیم و از راه معروف منداول بیست و هفت فرسخ است.

ابن حوقل در سفر نامه خود راه ری به طبرستان چنین آورده است.

از ری به برزیان یکمنزل سبک و از آنجا تا مهند یک منزل بزرگد و از آنجا بسبک اشک (۲۱) یک منزل و از آنجا تا پلور یک منزل و از آنجا تا آمل یک منزل است.

## راه هراز در کتاب سالک و الممالک

مراحل راه بین‌ری و آمل به قرار ذیل ذکر شده :  
 بومهن ۸ فرسخ ، پلور یک منزل ، کلارل یک منزل ، قلعه الار یک منزل فرسنگ  
 ۶ فرسخ .

### سفرنامه رابینو

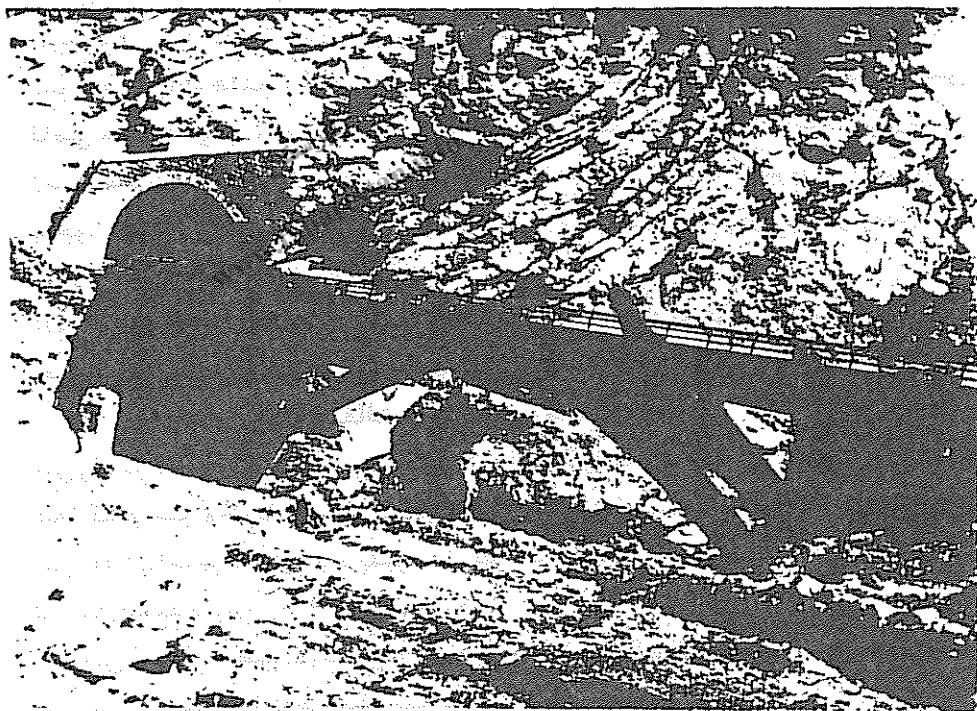
رابینو در سفرنامه خود راه معمولی بین آمل و تهران که شاهراه تجارتی پاینخت و مشهد سر است چنین ذکر کرده :  
 آمل به پرسب ۱۹ میل ( ۴ فرسخ و نیم ) رودخانه پنج آب سه میل و نیم ، که رودسه و ۱ میل ، بایجان چهار و ۱ میل ، و نه شش میل ، رینه شش میل ، اسک ۴ سیزده میل ، گردنه امامزاده هاشم بارتفاع ۸۷۰۰ پا پانزده میل ، آه شش میل کل جاجرود یازده میل ، تهران بیست و یک میل جمعا " ۱۱۰ میل و نیم است این راه در واقع از آمل تا امامزاده هاشم از کنار رودخانه هراز میگذرد .  
 راه دیگر را از آمل به گلپا - نشل ، ارجمند ، بالروز ، نوا ، آه و طهران قیسه کرده بطول ۱۴۴ میل و خیلی بندرت و شاید هیچوقت محل رفت و آمد کاروانها نبوده است . در نقاط بین راه غیر از موقع تابستان در اوقات دیگر خیلی بندرت سکنه‌ای دیده میشود .

### راه هراز جریب به لاریجان

رابینو در سفرنامه خود مینویسد راه یازیکی بین آرم در هراز جریب به پردمنه در لاریجان از طریق اسجدان و آینه کوه وجود داشته .

### راه قمیمی بالا لاریجان

از گدوک امامزاده هاشم ( بزم موشا ) تا شهر آمل  
 این راه یکی از راههای قدیمی ایران است و در بند بریده راهسازی دوران پیش



• پل وانان در راه اسفالتنه و تونل بزرگد مقابل شکل شاه

از اسلاطنا امروز بر جای است و تا جایی که میدانیم در زمان شاه عباس و ناصر الدین شاه نیز تعمیر و مرمت گردید.

این راه از محل ها و آبادی های زیر در مسیر خود می گذرد:

كدوك امام زاده هاشم ، گمبوج ، سیدك ، یائین قلعه دختر ، رباط پیر علی ، پلور قاضی مزره ، لومر ، رینه ، مون ، گرمابیر ، گزنگ ، شنكلده ، وانه ، شكل شاه (درنگدیریده) ، قلابن ، بیجون ، (بایجان) آهیون ، کیلو ، کاهرود ، (کهرود) پنجو ، سیاوشه ، شاه زید ، عمارت ، گلرد ، کرسنگ ، سلهار ، لاغر زمین ، آمل میرزا حسن اعتماد السطنه مینویسد:

(( راهی که به آمل می رود از دامنه جنوبی اسک است که به قرینه نیاک می رسند بعد به مون که داخل راهی است که در عهد ناصر الدین شاه قاجار ساخته شد. ))

### راه اسفالتنه تهران آمل

این راه در سال ۱۳۴۲ مورد بهره برداری قرار گرفت و فاصله آن از تهران تا آمل ۱۸۵ کیلو متر و کوتاهترین راه بین تهران و شمال است.

این راه از امامزاده هاشم ، پلور ، اسک ، گزنگ ، وانه ، بایجان و از کنار رود هراز تا آمل ادامه دارد.

این راه در منطقه لاریجان از امامزاده هاشم تا کهرود ۸ تونل دارد که ۴ تونل بین پلور و اسک و ۴ تونل دیگر بین وانا ، کهرود قرار دارد.

طولتترین تونل این جاده نونل وانا است که بعد از روستای وانا و در مقابل شکل شاه قرار دارد.

### قلاع لاریجان

#### قلعه با حرب ، قلعه کهرود ، قلعه کارو

منوچهر مرزبان لاریجان ، قلعه کهرود را که بعد ها به کارو معروف شد ، چنان آباد کرده بود که افرادی از هر ضنف ، از هندوستان و مصر ، و سوریه به آنجا آمده ، اقامت می گزیدند.

بشرح مندرج در تاریخ تبرستان سید ظهیرالدین مرعشی این قلعه از بزرگترین قلاع محکم سر حدی بین مازندران و لاریجان بوده است .  
 کهرود در قدیم از نقاط بسیار آباد و پر جمعیت و محل داد و ستد و بازرگانی بشمار می آمد .

بعد از قتل ملك فخرالدوله حسن آخرین پادشاه سلسله باوند کیخواریه ملوک رستمدر این ولایت و قلعه را متصرف شدند . تا شهید فخرالدین مرعشی پسر میر بزرگ در سال ۷۸۵ پس از شکست دادن عضدالدوله قباد و تسلط بر رستمدر ، این قلعه را خراب کرد .

در عصر ملك کیومرث دوباره این قلعه تعمیر شد تا طلوع سلسله صفویـــــــــــــــــه و بر انداختن ملوک الطوائفی این قلعه نیز مانند سایر قلاع مازندران خراب و ویران گردید .

خرابه های این دژ بر تیغه کوه جنوب شرقی آبادی کهرود که یکی از بازوهای شمالی دماوند کوه میباشد ، و به پل رباط (۲۲) در کنار هراز ختم میشود که تا امروز باقی است .

مصالح ساختمانی این قلعه سنگد و گچ و خشت خام و چوب و ساروج بود . چون تیغه ای که این قلعه بر آن بنا شده خاکی است ، بر اثر زلزله های متوالــــــــــــــــی دره لاریجان قسمتی از کوه که بنیاد بناهای قلعه بر آن بوده ، فرو ریخته و روز به روز خرابتر گردید ، بطوریکه راه ورود به خرابه های قلعه از روی تیغه بسیار باریکی که دو طرف آن پرتگاهی است . آنچه از این قلعه بجا مانده باز مانده دیوارهای بناست که پهنای آنها به یک متر میرسد . چهار آب انبار در امتداد تیغه کوه است که یکی پس از دیگری قرار میگیرد . ابعاد آب انبارها تقریباً " دو متر در چهار متر میباشد . در داخل آب انبارها برای جلوگیری از نفوذ آب ، ساروجی سفید رنگ بر روی دیوار کشیده اند که نظیـــــــــــــــــر آن در دژهای دیگر دیده (۲۳) نشد . معروف است که آب این قلعه ، از چشمـــــــــــــــــه

کوهستانی (سوم لیبی) که یکی از مراتع دهکده دلا است با گنگه (تنبوشه) به قلع می آمده است .

زیر ساختمانهای قلعه ، بطرف شرق ، مسلط بدره هراز ، در حدود دوازده زاغه است که یکی از آنها پس از زلزله سال ۱۳۳۶ خراب شده ، در یکی تعدادی گردو

و در دیگری شفتوک فراوانی پیدا شد که مغز نداشت .

**ملك قلا = قلع شونا دشنت** .

در جنوب دهکده شوادشت (شاهانشت) از دهکده های امیری لاریجان ، عظیم ترین و عجیب ترین بنای تاریخی لاریجان (ملك قلا) است که به معنی (ملك قلع) میباشد . ظاهراً " این قلع بنام ملك بهمن آخرین سلطان سلسله استندار لاریجان (ملك قلا) نامیده شد . این قلع در سال ۱۰۰۵ هجری بعد از مغلوب شدن ملك بهمن در جنگ با فرهاد خان فرستاده شاه عباس صفوی و انقراض سلسله بادوسپان خراب و ویران گردید .

**وضع کنونی قلع :**

بنای قلع بر سر کوهی منفرد و نوک تیز است که يك طرف آن دره ای است که آب - بستر سنگی آن را به مرور ایام خورده و تنگه باریک بوجود آورده که منتهی بسـ آبخاری در حدود ۲۵ متر میشود .

آب این دره که بسیار صاف و گوارا میباشد ، از چشمه های شونا و دجمار شروع میشود و پس از گذشتن از آس تنگه و تنگه آبشار و بورشون دشت ، از طرف راست به آب هراز می پیوندد .

جنوب قلع به رشته سنگی دیوار مانند بنام (مازیارگر) منتهی میشود . دامنه شمالی مازیار گر قطعه زمینی صاف است که با دیوارهای قطور از سنگهای عظیم خشک چین ، آنرا محصور کرده اند . ظاهراً " این قطعه زمین صاف که امروز

باغ سیب مبدل گردید ، گردشگاه و نفرجگاه اهالی قلع بوده است .

این دیوارها منتهی به دروازه ای میشد که معروف به دروازه سنگی بوده است و بیرون

این دروازه که امروز نامی از آن باقی است برجی مدور بنا کرده بودند از بنا های قلعه دیوارهایی به ارتفاع ، هشت الی نه متر بر جای است که تمام از سنگ و گچ چیده شده اند .

در قسمت تنگه آبشار ، بناهایی از خشت قالب بزرگ دیده شد که ظاهرا " درازمنه مناخر ساخته اند . چون بامهای ساختمانهای قلعه خراب گردید و بالای قلعه را گنبد مانند کرده است دسترسی به دیوارها و اندازه گیری آنها فعلا " غیرمقدور میباشد . اطاقها و سایر ساختمانهای قلعه در سطوح مختلف بنا شده اند ، هر جائیکه میتوانستند قطعه زمین سطحی بوجود بیاورند ، اطاقی و پناهگاهی ساخته اند . برای ساختن بنیاد دیوارها و برجهای قلعه بی شك استادان بنا را در زنبیل گذاشته و آویخته اند و مصالح بنا را نیز با زنبیل به بنا رسانده اند . تا سنگهای اولیه پی را در دل پرتگاههای مخوف کار گذارند .

یا اینکه نگارنده (۲۴) قلاع کوهستانی البرز را مورد مطالعه قرار داده ، اما قلعه ای به این عظمت کمتر به یاد دارد .

دمرگان در نهم دسامبر ۱۸۸۹ (۱۳۰۷ ه . ق ) از خرابه های این قلعه مستحکم دیدن کرده و درباره آن چنین نوشته است :

" بلندی کوهی که ملك قلعه بر آن بنا شد ، ۱۶۳۰ متر است و ارتفاع ده شونه دشت به ۱۴۱۰ متر از سطح دریا میرسد . " این قلعه قرنهای حافظ دروازه های دماوند بود و بررسی صخره ای عظیم که مامن مستحکمی بوده بنا گردید . صخره ای که این دژ بر آن بنا شد ۲۲۰ متر از سطح اراضی دهکده شونددشت بلندتر است و از سوئی که این دژ پشت به کوه داده ، بندی است که بلندی آن ۶۳ متر میرسد . تمام سطح این صخره تقریبا " سیصد متر در صد متر است ، میتواند از آب تنگه شونا بحد کافی مشروب شود ساختمانهای این قلعه یکی بر روی دیگری و طبقه طبقه است همچون آشیانه های عقاب به این صخره سنگی است .

پلکانی پیچ در پیچ در سراشیبی است این صخره در دل سنگ کنده اند که دست یافت به



دژ با گذشتن از آنها بسیار مشکل بوده است .  
چنانکه از بناهای قلعه پیداست این قلعه در يك زمان ساخته نشده بلکه مجموعه -  
هائی از استحکامات است که آنها را به یکدیگر مرتبط نموده اند .

هیچ فضائی بنی مصرف و بهبوده نمانده است . بر کوچکترین زوایا برجی و دیواری  
ساخته اند . SIROUX معمار فرانسوی عقیده دارد که طرز گذاشتن سنگهای  
عظیم بدون ملاحظه باید بدوران قبل از اسلام باشد ولی وضع کنونی قلعه از روی تیله هائی  
که پیدا شد از دوره مغول میدانند . دفاع این قلعه از چهار جهت مورد مطالعه و  
بررسی قرار گرفته و بدقت زیاد ثدارك آنرا دیده اند . ضخامت دیوارها در جهه  
جنوبی بدو متر و سه متر میرسد و در زیر آنها پرتگاههای ترسناکی بوجود آمده  
است ، قطر دیوارهای طرف کوه بیش از يك متر نیست . طبقات مختلف این بنا  
بوسیله پلکانها و راهروهای زیر زمینی به یکدیگر مرتبط بوده اند . این راهروها  
امروز مسدود شده اند ولی آثار آنها بر جای است . پلکانی که به ارگ قلعه  
می رفته بر جا ماند و درازای آن بیست تا سی متر میباشد این قلعه دست کم دو بار  
گرفتار آتش سوزی گردید . در باروها و حصارها هنوز سنگهای سوخته و دود زده که  
نشان آتش سوزی است دیده میشود . و پس از نخستین ویرانی ظاهرا " قسمتهای  
مختلف را از نو ساختند .

قسمتهای قدیمی تر بنا از سنگهای تراشیده و آهک بنا شده . در باره تاربخ  
ساختمان قسمتهای قدیمی بنا اظهار نظری نمیتوان کرد . بموجب قطعات سفالسی  
که در خرابه های قلعه دیده شد آخرین خرابی و ویرانی آن باید در حدود قسطنطنیه  
چهاردهم ( هشتم هجری ) باشد در اطراف قلعه نشانی از بناهای خراب است . ( ۲۵ )  
استوارت STUART انگلیسی در ۱۸۳۰ این قلعه را دید و منسوب به جمشید  
میداند .

### بـــــــرج نـــــــگهبـــــــانی قلعه

در جنوب غربی قلعه درازا ضعی سنگ دروازه

برجی از سنگ و گچ که يك چهارم آن بر جای مانده در جنوب غربی ملك قلا بر دامن رشنه مازیارکر بنا شده است . این برج که مسلط بر راه قدیم آمل است برج دید بانی قلعه است . تا در مواقع مخاطره اهالی قلعه را خبر دار کند .

### قلابن

در فاصله میان قهوه خانه قلابن و آب گرم ( استرابکو ) ( استراباکو ) بر طرف دست چپ آب هراز بر بالای دامنه خاکی بنائی است که قدمت آن به دوران قبل از اسلام میرسد .

درازای آن ۱۲/۷۰ و پهنایش ۹/۲۵ متر است این بنا پرستشگاه یا مسکن پیشوایان دینی بوده است پی بنا و قسمتی از پایه بنا از سنگ سگسته و ملاط گچ و بقیسه تا بام طبقه دوم از خشت های خام بابعاد ۲۰×۲×۵/۵ و ۳۶×۳۶×۸ سانتیمتر ساخته شده . مدخل اصلی بنا در ضلع جنوبی بوده که ظاهراً " به طبقه بالا و پائین راه داشته و این قسمت بنا را طوری کند و کاری نموده اند که آثار آن کم و بیش محو گردید .

از طبقه بالا دیواری بدرازای ۳۶۰ سانتیمتر و قطر ۹۵ سانتیمتر تا امروز (دیماه ۱۳۵۳) بر جای است .

در اطراف بنا تا فاصله زیادی تکه سفالهای ادوار مختلف فراوان است . پاره سفالی با لبه دوران پارنی دیده شد . در جنوب این بنا به فاصله صد متری کمری عظیم بوده است که روی آنرا تراشیده و صاف کرده و سطحی به ابعاد ۲۸۰×۲۶۰ سانتیمتر بوجود آورده اند . بر روی این سطح صاف ناوی کنده و چهار گوشه ای به ابعاد ۱۴۵ سانتیمتر ساخته اند . سنگهای صفا قلابن ملاط ندارد شاید محل معبدی بود که بی شباهت به آتشدانهای پاسارگاد و نقش رستم نیست و متعلق بدوره پیش از اسلام میباشد . این سنگ را سید قربان شاهاندرشتی در حدود چهل سال قبل با دیلم و باروت ، به قصد گنج یابی شکسته است (۲۶)

در شمال این بنا و دامنه تپه و کوه نزدیک به آن ، بقایای بناهای و دیوارهای اطراف آنها که با سنگ چیده شده‌اند دیده میشود .

### قلعه‌ای در روستا مون

قلعه‌ای قدیمی میان مون و انبه که آثاری از آن باقی است این آثار بر سر کوه گمد گلی است .

### قلادوش

بر کناره راست هراز نزدیک تخته پل نیاک .  
از تخته پل نیاک بطرف دهکده میرویم ، سمت راست بر بالای قلعه‌ای سنگی منقره و کوتاه آثار قلعه‌ای قدیمی است . این قلعه دارای سه زاغه بوده که دو تای آنها رو به غرب و یکی رو به جنوب است .

### قلا پیش و قلا میرک نوا

دو قلعه قدیمی در دهکده نوا .

نام اصلی ( قلا پیش ) قلعه شروین بوده است که در مغرب آبادی نوا ساخته بودندند زمینهای بنام ( قلامیرک ) تا امروز معروف و مشهور است . تا چندی پیش بزرگ و باروی هر دو قلعه بر قرار بود . امروز از آنها نشانی بر جای نیست .

### قلعه‌ای قدیمی بر بالای کوه انگمار .

اعتمادالسلطنه مینویسد :

(( کوه مرتفع برفی سخت سنگی که موسوم به انگمار است از قرار گفته شکارچی ها قلعه‌ای قدیمی در این کوه است که آن قلعه هم مرسوم به قلعه انگمار است ))

### قلعه گلندان

در املاء سر راه لاسم به نوا .

بر سر راه قدیمی لاسم به نوا در اراضی معروف به املاء آثار قلعه‌ای قدیمی به نام

گلندان است ، این راه ظاهراً " در قدیم آمد و رفتی داشته و آبادان بوده است .

گمبوجی زیر قلعه ، سر خیابان پای چشمه طرف نوا است .

## قلعه لوندر

## در رینه از دهکده‌های بالا لاریجان

سید ظهیر الدین مرعشی درباره این قلعه مینویسد :

(( سید فخر الدین پس از تسخیر قلعه کارو ( کهرود ) متوجه تسخیر لاریجان و قلعه لوندر گشت . کیا حسن کیای ضماندار ، به قلعه متحصن شد و بنیاد عناد و نمرود نمود و مطلقاً نصیحت قبول نکرد . اما مردم لاریجان را عطایا و موهبات فریفته گردانید و اکثر تابع و فرمانبردار گشتند و براس قلعه لوندر در موضع رینه ، قلعه‌ای دیگر بنیاد کردند و به زمان اندک به اتمام رسانیدند و چند نفر از موافقان دولت خود را با سردار نیک‌باز گذاشتند و به قلع و قمع جمع لاریجانی که موافق کیا حسن کیا بودند اقدام نمودند و خود متوجه کجور گشتند و چون مدت شش ماه بر آن بگذشت ، کیا حسن کیا امان طلبید و قلعه را تسلیم نمود و او را از قلعه بیرون آوردند و به آمل جای دادند و قلعه را به کوتوالان لایق سپردند و قلعه رینه که جهت تسخیر لوندر ساخته بودند خراب کردند . و آثار آن هنوز باقیست .<sup>۲۷</sup>

## قلعه سنگدک

## در جنوب دهکده پلور

در جنوب دهکده پلور ، طرف راست جاده هراز و اراضی سمت چپ رودخانه ، نزدیک پمپ بنزین ، تپه‌ای منفرد و سر کشیده است ، بر بالای آن آجر پاره و بنیاد بنا دیده میشود .

## قلا = قلاوش

## در غرب دهکده پلور

بزر نیره کوهی که سمت چپ آب هراز و پشت دهکده پلور است آثار قلعه‌ای قدیمی بر جای است ظاهراً " در قدیم محل سکنه اهالی پلور ، یا قلعه دفاعی این منطقه بوده است ، آثار ساختمان و پاره آجر در آن دیده میشود .

## قلعه تیر کوه

در شمال غربی دهکده پلور .

دنبالہ نیرہ قلا دوش کہ رو بشمال میروید ، به پلی کہ قدیم بر آب لار بستہ  
بودہ اند . میرسد ، بر اینجا نیز آثار بناہائی از آجر و گچ دیدہ میشود .

### قلعہ دختر

در پای بڑم موشا (کنل امازادہ ہاشم) طرف شمالی ، بر بازوئی شرقی غربی کسہ  
دامنہ شرقی آن پرتگاہی است کہ منتهی بہ جادہ ہراز میشود . قلعہ ای بسیار کہن  
و قدیمی بنا م قلعہ دختر است .

دو نا و یا شیب بسیار تند طرف جنوب و شمال این بازوی کوه است کہ از این طرف  
ہم بعزت شیب تند این دونا و دسترسی بہ قلعہ تا امروز مشکل است این بازو درست  
میان چشمہ و پل پای کنل و نخستین بہمن گیر قرار گرفتہ است و سراسر بناہسای  
قلعہ بر سر آن ساختہ شدہ است بنا ہای قلعہ بر دو سطح سنگی است . سطح  
سنگی غربی و سطح سنگی شرقی پائین تر می افند . دیوار شمالی در سراسر شیبی  
غربی شرقی بنا شدہ است درازای آن دہ متر بلندی آن در حدود ۳ متر است . بسر  
کدج شمال شرقی دیوار انحنائی است کہ ظاہراً " باقی مانده برجی است " .

دیوار شرقی سطح بالا شیبش کمتر است و بلندی آن در حدود ۳ متر است . آب انبار  
قلعہ در سطح سنگی پائین تر است . یکی از اضلاع مربع دہانہ آن ۳ متر است و ضلع  
مربع کف آن دو متر است .

بلندی دیوار سنگی از لبہ طاق تا کف بہ سہ (۳) متر میرسد . قطر دیوارہای قلعہ  
بہ ۱۲۰ سانتیمتر میرسد و قطر سمت بالای دیوارہا از پائین آن کمتر است .

پوزہ ای کہ قلعہ بر آن بنا شدہ است طرف چپ آب ہراز است . درست در مقابل  
این پوزہ طرف راست آب تیز قلعہ ای منفرد است کہ بیش آمدہ و در نتیجہ درہ راتنگ  
تر کردہ است . بالای آن نیز آثار بنا از دور دیدہ میشود .

### قلعہ نو

در بالای کوهی بہ ہمین نام نزدیک سفید آب لار .  
در سمت چپ رودخانہ لار ، در شمال کوهی بنا م (قلعہ نو) آثار قلعہ خرابہ

قدیمی از سنگ و گچ است . شاید قلعه‌ای که سید فخرالدین در سال ۷۸۴ در لارفتح کرده این قلعه باشد . سید ظهیرالدین جریان فتح این قلعه را چنین نوشته است . چون خاطر از قلعه نور و رودبار نور آسوده گشت ، به جانب لار توجه نمودند و در موضعی که اسپه او ( سفید آب ) می خوانند نزول کردند ، و در لار قلعه‌ای بود حصین و کوتوال آنجا مقیم و ذخیره موجود ، چون به پای قلعه فرود آمدند کوتوال قلعه جنگ را آماده گشت و در مقام عنا اهنمام نمود .

دانستند که چون اول بسنبله میشود ، در آن مقام و خوش و طیور را به صحرا بودن به سبب شدت سرما ممکن نیست . فرمودند که با لای قلعه اولی ، قلعه‌ای دیگر بنیاد نهادند ، چنانکه سر کوب قلعه اولی باشد و به سعی تمام در آن مهام اشتغال نمودند و آن قلعه را تا هوا خنک گشتن تمام بساختند و عسوفه تعیین کردند و صد و پنجاه نفر مرد کار را با سر داری دانا و شجاع در آن قلعه باز داشتند و چون نسق فرمودند ، اصحاب قلعه اولی سر از خانه بیرون نمی توانستند بر آورد که اگر بیرون می آمدند ، به زخم ناوک جاندوز مجروح و مقتول می ساختند و آثار قلعه کهنه در (قلعه نو ) اکنون باقی است . مردم قلعه لار چون دیدند که فایده نمیکند ، امان خواستند و قلعه لار را بسپردند و هر دو قلعه را فرمودند تا ویران ساختند .

**قلعه محمد علی بیگ پیکان**

**میان مرتع گل گچ و بستک لار**

بر با لای کوهی بر سمت راست آب ، قلعه بزرگی از سنگ و گچ است قلعه قدیمی به نظر رسید ، احتمال دارد چون در این اواخر بدست محمد علی بیگ افتاده باشد به نام او معروف شده است .

**قلعه‌ای قدیمی و کاروانسرای سنگی**

**در بستک لار .**

بر سمت چپ آب لار و در فاصله کمی از آن ، در بیلاق بستک ، پوزه کوهی است که از طرف شرق به غرب کشیده شده و نزدیک کاروانسرای بستک به کنار دره منتهی

میشود در یکی دو نقطه دامنه این کوه آثار برج نگهبانی است با لای ان قلعه‌ای منفرد است . آثار بناهایی از سنگ و گچ دیده میشود . این قلعه را بنام ( قلعه سنگ ) می شناسند .

بر کنار این پوزه کوه کاروانسرای از سنگ و گچ با طاقهای گنبدی است که بر سر راه کاروانی نور است .

### کافر قلعه

در بالای کوهی به همین نام در جنوب کوه غرغره .

قلعه خرابه‌ای است از سنگ و گچ ، قدمت بنای آن شاید به دوران اسماعیلیان برسد .

### قلعه دیگر لاریجان

#### قلعه ایلال (۲۸)

ترکان خاتون با حرم و فرزندان خرد خوارزمشاه به خراسان و مازندران آمد و در قلعه ایلال (لال) ولایت لارجان متحصن گردید . مغول این قلعه را در اوائل سال ۶۱۷ محاسبه کرده کردند و چهار ماه آنرا در حصار داشتند . عاقبت به واسطه فقدان آب ترکان خود را به تسلیم ناچار دیده از قلعه بزیار آمد و با عموم همراهان خود به لشکریان جنگیزی تسلیم شدند . (۲۹)

#### قلعه روخان (۴۰)

شیخ علی گیلانی در تاریخ مازندران سال ۱۰۴۴ از قلعه‌ای چنین یاد کرده است . (( داعی مغیر به تعقیب ناصرالحق پرداخته و وی را بگرفت و جمیع اموال او را به تاراج داد در قلعه روخان لارجان فرسوده محبوس ساخت .

#### قلعه آهنه سر

در کتاب تاریخ مرعشی تالیف میر تیمور قلعه آهنه سر را از قلاع ملک بهمن ذکر کرده که میر شمس الدین برادر زاده میر سلطان مراد خان مدتی در آن زندانی بود .



پل مـون



## پلی شاه عباسی بر رودخانه لار

نزدیک محل التقای رودخانه لار با هراز .

میرزا حسن خان اعتمادالسطنه مینویسد :

پل بر روی رودخانه لار ، شاه عباسی است ، راه عبور مردم از تهران به آمل از همین پلور است . در تمام راه دو کاروانسرای سنگی یکی پائین گردنه امامزاده هاشم ، یکی در حوالی پل ، از بناهای شاه عباسی ، بر روی رودخانه لار رود از قدیم

الایام پلی بوده است ، الحال به حکم دولت تعمیر شده است ))

( عکس پل در آلبوم ناصر الدین شاه موجود است )

پل مذکور از بین رفته و فعلاً " آثاری از آن نمانده است .

## پل جدید در همین محل (۲۱)

پلی است بر روی رود هراز که با سنگ تراشیده بشکل نیم دایره و در سنوات ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ بوسیله مهندسين آلمانی بنا شد که از حیث صنعت ساختمانی و زیبایی در تمام کشور بی نظیر است . طول این پل ۶۰ متر و عرض آن ۸ متر و ارتفاع ۶ متر است .

## پل های قدیمی

بر روی رودخانه لاسم .

اعتمادالسطنه می نویسد :

بر روی رودخانه لاسم از قدیم الایام پلهائی از سنگ و گچ بسته اند پاره ای از این پل ها و آثار آنها تا امروز بر جای است .

پلی از سنگ معروف به پل مون

بر سر راه نیاک در راه قدیم هراز

پلی از سنگ ، بر روی رودخانه هراز ، برای رفتن به نیاک و سایر دهکده های مجاور آن ساخته اند . پل شرقی این پل تا جناق طاق (۱۶) شانزده متر و پل غربی آن تا

جناق طاق چهارده متر است .

پهنای اصلی پل دو متر و بلندی پل از سطح سنگ چینی که محل عبور است تا سطح آب ۶۶۰ سانتیمتر است . این پل در حدود پنجاه سال قبل به خرج حاجی آقا رضا نییای ساخته شده است . (۳۲)

**پلی از سنگ و ساروج**  
**نزدیک به انتهای تنگه بند بریده**

نزدیک به دهانه ، شمالی تونلی که در سمت راست تنگه بند بریده زده اند . پلی آهنی است که میتوان با گذشتن از روی آن به دست چپ آب هراز رسید . در حدود یک کیلو متر که در جاده سمت چپ آب هراز رو به جنوب به پلی خراب میرسیم . پایه سمت راست آن و مقداری از هلال آن تا امروز باقی است . راه قدیمی که ظاهراً مربوط به دوران ساسانی است ، از سمت راست آب هراز با گذشتن از این پل بسه سمت چپ آب می آمده است . مقداری از راه قدیم ، بر سمت راست آب که بسه این پل منتهی میشود ، بر بالای دیواری از سنگ و گچ دیده میشود .

### پل قلابین

**میان قهوه خانه بایجان و آب استراباکو .**

نزدیک به بهمین گیری که در شمال قهوه خانه قلابین است پایه های پلی قدیمی تنها امروز بر جای است . مصالح پل ، سنگ و ملاط ساروج بوده است . پایه ها بر کمرهائی از سنگ استوارند .

پلی یک دهانه بر روی این دو پایه زده بوده اند . فاصله میان دو پایه ۱۸ متر تمام است .

### شکل شاه

**در تنگه بریده**

در تنگه بند بریده ، بر سمت چپ آب هراز بین راه لاریجان به آمل در چهار کیلو متری روستای شاهاندرشت در مقابل تونل بزرگ وانه بنام تفنگا در بدنه کوه سنگی کنار رود هراز شمال و کنیبه‌ای از ناصرالدین شاه قاجار و ده نفر از وزرای وقت

در ری صفحه بطول ۵/۱ متر و عرض ۳/۱ متر بطور هر حسته حجاری سده، بلندی آن از کف فعلی حاده تا زیر نقش ۲۷ سانتیمتر است ناصرالدین شاه در وسط بر اسب راس و پنج تن از درباریان در طرف راست و پنج تن طرف چپ با لباس رسمی روز پیاده حجاری سده اند در عکسی که در الیوم ناصرالدین شاه موجود است بالای سر این ده تن القاب پسا سمت آنان به این ترتیب نوشته اند:

در وسط بالای سر ناصرالدین شاه تمثال بيمثال همايونی

۱- نواب و حیه الله میرزا

۲- مقرب الخاقان آخوندان مخصوص (رضا خان اقبال السطنه عکاس باشی)

۳- وزیر فواید (حسینعلی خان امیر نظام گروسی)

۴- جناب سپهسالار اعظم (میرزا حسین خان سپه سالار)

۵- جناب آقا (میرزا یوسف خان مستوفی الممالک)

۶- آقای نایب السطنه (کامران میرزا)

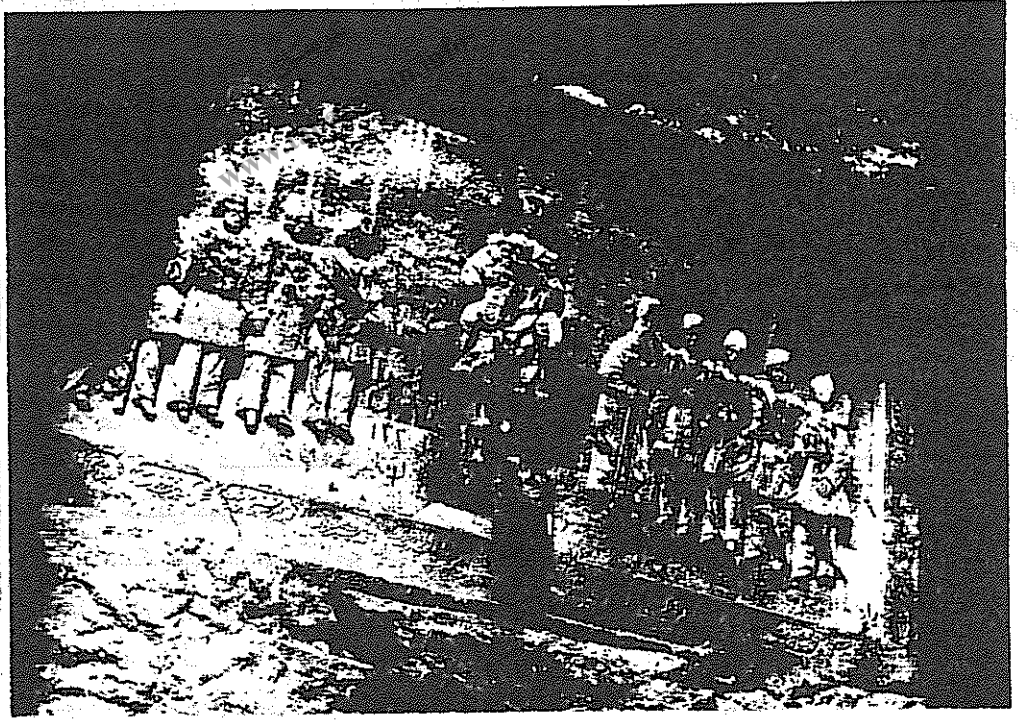
۸- جناب امین الملک (علی خان)

۱- مقرب الخاقان مهدیقلی خان (مجدالدوله)

این ابیات بر اطراف این شکل حک شده است.

سطر بالای

در روزگار ناصرالدین شاه کامکار	کز عدل راه راست طلب کرده و یافت کام
امرش بهر طریق طراحي است مستقیم	امنش بهر فریق نشاطی است مستدام
منفتخدایرا که زتائید خودچنین	شاهنشهی گزید مویبد برانام
شاهان دهر نامورباز برای مال	وین پادشاه مال فشانداز برای نام
هر کار خام عاقبتا لامر پخته کرد	از بسکه ز پخته بر افشاند و سیم خام
در راه لارجان کمدرم بودکارجان	گاه عبور قافله از غفلت تمام



شکل شاه

## سطر سمت راست سنگ

بیغوله گه گاه گذر غول سهمیگین  
از سهم مار گرززه نکوردد زود گذر  
اول سرود بسمله آنکه نهاد گنام  
و ز هول شیر شرزه بخت اندرو کنام

## سطر افقی پائین

راهی که گر بریده شدن خواستی زاو  
در شاهنامه نیز ز زالی فسانه گوست  
آسابش رعیت مازندران زمیسن  
بگشوده شد چوکف کریهملک به ملک  
حجار ز امر خسرو فرهادسان به سنگ  
خورببی کله زکوه ادایر نمودرخ  
تاریخ آن با مر شهنشاه خواستند  
گفتی بیای خود نرود کس بسوی نام  
افسانه که عبره در او کرد پورس نام  
آ راست حکم ساری شاهنشاه اینمق نام  
راهی که بسته بود چو پیشانی ل نام  
نمثال کرد از شه پرویز احتش نام  
چون تاج شهر یار پدید آمد از رخ نام  
چون بود خاص خدمت این غلام

محمد حسین میرزای مهندس

وسط سنگ زیر سم اسب ناصر الدین شاه عبارت زیر است :

عمل کمترین علی اکبر فی سنه ۱۲۹۵

## ورق چال

گودالی است به عمق بیست ۲۰ متر و بشعاع ده متر در مرتع اسک بشم ( اسک وش )  
روستای اسک پائین راه پلور به رینه ، که همه ساله قبل از آب شدن بسرف -  
معمولا " اواخر اردیبهشت ماه ) طی مراسم خاصی اهالی روستای اسک آنرا از برف  
پیر مینمایند .

اهالی میگویند در گذشته که روستائیان برای تهیه علوفه مرتع مزبور احتیاج



ورف چال

به آب داشتن به فکر افتادند که برف را ذخیره نموده و در مدت علف چیدن از آن استفاده نمایند چند محل را کنند به سگدیر خوردند ، اتفاقاً " درویش حسن ولی ( سید حسن ولی ) از آنجا عبور میکرد با عصای خود محلی را تعیین کرد آنجا را کردند بسگی بر خورد بکرده و مکان مناسب فوق را حفر کردند . از آن سال تا حال کلیه مردان روستای اسک از کوچک و بزرگد و خرد و کلان در يك روز در محل مذکور حضور یافته و مراسم پر کردن برف را در گودال بجا میاورند . کلیه خانواده هائی که در این مراسم شرکت مینمایند غذا تهیه کرده و بعد از پر کردن برف در گودال نهار خورده و به روستای خود بر میگرددند . منولی سید حسن ولی نیز به همین مناسبت نان و پنیر از نیاك آورده بین مردم توزیع مینماید .

### کافر کلی

در نقاط مختلف بالا لاریجان در میان بندها و یرتگاهها اطاقهائی از سنگ تراشیده اند در هیچیک از نقاط ایران این اطاقها تا این حد متمرکز نیستند . این اطاقها از کوه کاروان (۳۳) در شمال دهکده اسک شروع میشوند و زیر برج پیامه سی ختم میگردد .

در دره های فرعی نظیر دره نیاك نیز این اطاقها ساخته شده اند . اغلب آنها بنام کافر کلی یعنی ( جا و خانه کافر ) خوانده میشوند .  
اعتمادالسلطنه درباره کافر کلی اسک چنین نوشته است :

(( سمت شمال اسک محدود است به کوه کاروان که کوهی بی دامنه تندی است مشابیه دیوار و از بنیان این کوه تقریباً " تا دو ثلث آن مغاره های بزرگ مصنوعی و سوراخهائی که دست انسان با کلنگ کنده است دیده میشود . تقریباً " ۲۰۰ الی ۲۵۰ سوراخ است .

آنچه بنظر من می آید و باید همین طور از روی تخمین باشد در سوابق ایام وقتی که اهالی این بلد مذهب زردشتی داشته ، دخمه اموات (۳۴) بوده اگر چه



کافر کلی



.....  
.....  
.....  
.....  
.....



.....

۷- در دره نياك زير راه نوا ، چهار عدد پهلوی يکديگر

۸- کافر کلی تکی انبه در دهکده انبه

۹- ردیف کافر کلی های مون

۱۰- در پرتگاهی که پائین بیامه سی است سه عدد جدا از يکديگر

(دمرگان در مطالعه با لا لاریجان طرحهای داخلی بعضی از این کافر کلی ها را داده است ز ولی معلوم نگشوده که متعلق به کدام است .)

غار اسك (۳۶)

این غار که از طولترین غارهای ایران است با لای نخستین نوبل راه هزار قرار دارد . مدخل غار دارای ۶ متر عرض و ۱۵ متر ارتفاع و رو بشمال واقع است . طول غار در حدود ۴۵۰ متر و پهنای آن در پاره‌ای جاها به ده متر میرسد . اوائل غار چاهی است که در حدود سی متر عمق دارد . چهار صد متر که از دهانه غار بگذرد به کوره راهی میرسد و دنباله غار پنجاه متر دیگر پس از این کوره راه ادامه پیدا میکند . اعتقادالسطنه در همد سال پیش و دکتر مورل آلمانی نیز در چند سال بعد از آن ، از این غار دیدن نمودند .

### چرم

چاهی در لاریجان که مجرمان را در آن می آویختند در ضمن بررسی به چنین چاهی بر نخوردیم ظاهراً " منظور مولف آبشار قلعه ( شاهانداشت ) کنار قلعه ملک بهمن است . که جریان آب سنگرا خورده و بشکل چاه در آورده است . داستانهای از آویختن مجرمان و دستگیر شدگان در این آبشار بر سر زبانها است که پاره‌ای از آنها غیر قابل قبول است .

### زراعت

زراعت عمده منطقه لاریجان غلات است که بر دو نوعند :

پاییزه و بهاره

نوع اول بهتر از دوم است . گندم را در اراضی مسطح می کارند و مقداری نیسز بشکل دیم در نواحی کوهستانی کشت مینمایند .

نوع گندم چندان مرغوب و پیر حاصل نیست . محصول گندم و جوی آبی در بیابان از تخمی چهار تسایندج تخم تجاوز نمینماید .  
 همچنین حبوبات از قبیل نخود ، لوبیا ، عدس ، ماش ، باقلا کشت میشود .  
 صیفی : خیار ، کدو ، سیب زمینی .

### نیاتات و سبزی

بسیاری گیاهان دارویی و مورد استفاده طب قدیم در اکثر کوههای لاریجان یافت -  
 میشود از قبیل :

اسپند ، بارهنگ ، تاج ریزی ، پرسیاوشان ، شاه تره ، گلپر ، بالنگو ، نرم ، کاسنی و سبزیجات خوراکی مثل استا ، ، اوجی ، پیازک ، تلم ، پلنگ مشك ، شنك .  
 گیاهان علوفه ای : یونجه ، شبدر ، اسپرس

### میوه جات .

انگور ، سیب ، زردآلو ، آلبالو ، گیلاس ، توت ، کلابی ، گردو ، فندق .

### حیوانات

حیوانات اهلی : گاو ، کوسفند ، بز ، مرغ ، اسب ، قاطر ، الاغ  
 حیوانات وحشی : پلنگ ، خرس ، گرگ ، کفتار ، خرگوش ، سمور ، روباه ، دلسه  
 سگ آینه ، نمشی ( چرجه تینفی ) همحنین ماهی قزل آلا و زنبور عسل بومی و غیر  
 بومی .

### پرندگان

کبک ، کبک دری ( سلیم ) ، کیوتر ، سار ، بلدرچین ، گنجشک ، اوجلیک  
 پرندگان حرام گوشت :

کلاغ ، زاغ ، کرکس ، جغد ، واشه ، شانه بسر ، دارکوب .

### معادن

زغال سنگ در بعضی از نقاط لاریجان وجود دارد و بهره برداری میشود .  
 کوگرد ، در قله و دامنه کوه دماوند از رشته کوههای لاریجان بواسطه سابقه آتش

فشانی ، معادن گچ ، در لاریجان برای سفید کردن منازل مورد استفاده قرار میگیرد .

سنگ مرمر و تراورتن در لاریجان هست . شوره در کوههای قریه اسك مجاور رود هراز و روستای کرف شوره مرغوب و فراوانی دارد که در باروت سازی مصرف مینمایند بارونتهای آنجا از بهترین و معروفترین بارونتهای ایرانی است . بدیهی است در صورت تحقیق امکان وجود و کشف معادن مختلف در کوههای لاریجان فراوان است .

#### صنایع دستی

شامل : جوراب پشمی ، دستکش پشمی ، تور مخصوص حمل کاه ، تور ماهیگیری کیسه حمل علوفه ، بنام شالکی ، کیسه حمل بار وسیله چهار پایان بنام جـسـوال و نوعی خرسك و نمد میباشد .

#### مقیاس ها

در لاریجان مقیاس (۲۸) های رسمی همان مقیاس های قانونی است که با اصول متر يك اجراء میشود . مقیاسهای قدیمی نیز معمول است .

مقیاس طول و سطح :

۱- ذرع که مساوی است با  $104$  سانتیمتر اجزاء آن نیم ذرع  $\frac{1}{2}$  و چارك  $\frac{1}{4}$  و گره  $\frac{1}{16}$  ذرع میباشد .

۲- ارش ، مساوی طول بازوی شخص متوسط القامه از سر انگشتان تا مرفق است که برابر میشود با  $45$  سانتیمتر اجزاء آن وجب که مساوی  $\frac{1}{2}$  ارش و اضعاف آن طناب که برابر بیست ارش یانه (۹) متر است .

۳- فرسخ که برابر  $6$  متر است .

من تبریز مسلوی یا چهل سیر یا ۳ کیلو گرم و اجزاء آن نیم من که  $\frac{1}{4}$  و چارک  $\frac{1}{4}$  و سیر  $\frac{1}{40}$  من و مثقال  $\frac{1}{16}$  سیر و نخود  $\frac{1}{24}$  مثقال و گندم  $\frac{1}{4}$  نخود است .

اضعاف آن (ری) که چهار من تبریز یا دوازده کیلو گرم و خراور که یکصد من تبریز یا ۳۰۰ (سیصد) کیلو گرم است .

۲- من شاه که دو برابر من تبریز است .

### آموزش و پرورش

اولین مدرسه به سبک جدید در سال ۱۳۱۹ در روستای رینه و روستای اسک لاریجان با کوشش و اهتمام مرحوم شمس العماء لاریجانی اسکی که ریاست فرهنگ حومه نهران را عهده دار بود افتتاح شد . دبستان روستای اسک بنام دبستان شمس اسک نام گذاری شده بود . بتدریج بر تعداد مدارس لارجان افزوده شد بطوری که در حال حاضر لاریجان دارای اداره آموزش و پرورش در گزنگ بوده و دارای ۵۱ مدرسه ابتدائی و ۱۴ مدرسه راهنمایی در روستاها میباشد .

در سال ۱۳۶۸ تعداد دانش آموزان لاریجان ۱۳۸۰ نفر ابتدائی و ۵۲۵ نفر راهنمایی بوده است .

### بهداشت درمان

اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود چنین نوشته است :  
 (( در ذی الحجه ۱۳۱۰ در لارجان و با آمد عمادا لاطباء که برای تعیین حمام آبگرم امین اقدس به اسک رفته بود از اسک بر گشته به پلور آمد و اظهار داشت در دو-ساعتی که من در اسک بودم هفت نفر به وبا مبتلا شدند که چهار نفر مردند .  
 در ۲۳ ذی الحجه دیگر در اسک وبا نبود بلکه در نیاک شروع شده بود .  
 همین امر باعث شد که ناصر الدین شاه که در لار بود بجای آمدن به لارجان از راه آب شیخ علیخان ، نجفدر به فیروز کوه و تهران مراجعت نماید .  
 در این تاریخ میرزا محمد خان سر نیپ حاکم لارجان بوده است .

در حال حاضر لاریجان دارای دو درمانگاه در روستای رینه و کزننگ میباشد.

### طوایف لاریجان

سکنه آمل از طوایف مختلف تشکیل شده که اکثر آنها جزو دو یا سه طایفه مربوط به لاریجان میباشد از قبیل :

طایفه اسکی ، ایراشی ، رینه‌ای ، لاسمی ، شاهاندشتی ، نیاکی ، نوائسی امیری ، زیاری ، بهرستاق ، دلارستاقی .

### دهستانهای لاریجان

#### الف - دهستان امیری

نام یکی از دهستانهای بخش لاریجان شهرستان آمل است . در شمال خاوری بخش واقع شده ، منطقه‌ای است کوهستانی ، هوای آن سرد ، محصول غلات و لبنیات انگور ، عسل ، گردو .

این دهستان دارای ۱۳ آبادی با ۳۵۶ خانوار و جمعیت ۱۸۰۸ نفر میباشد ، دهات مهم آن شاهادشت ، سنگلده ، آخا میباشد .

در تابستانه‌های از اطراف آمل و شهر تهران برای استفاده از هوای بیلاقی بسه آنجا می‌ایند . روستاهای دهستان مذکور بشرح زیر میباشد .

#### ۱- آخا

روستای آخا در ۱۰ کیلو متری شمال خاوری کزننگ قرار دارد دارای ۳۹ خانوار و ۱۷۵ نفر جمعیت است . دارای حمام دوش و آب لوله کشی میباشد . اما مزاده نیز دارد .

#### ۲- آخازیر

دارای ۴۵ نفر جمعیت است .

#### ۳- ترا

در ۱۰ کیلو متری شمال خاوری کزننگ ۹۵ نفر جمعیت ثابت دارد . زیارتگاهی نیز دارد .

۴- دینان (دینون)

در ۱۰ کیلو متری شمال خاوری گزنگ و ۲۰ کیلو متری شمال خاوری رینه قرار دارد.  
 ۱۲۲ نفر جمعیت دارد. محلات دهکده دینان بشرح زیر است.  
 ۱- پاشا محله ۲- چالویاغ ۳- کلان (کلون) محله ۴- توین  
 در دینان بقعه امامزاده ابراهیم (۳۹) و امامزاده روح اله قرار دارد در بنای امامزاده روح اله کورستانی قدیمی در شمال و شرق بنا قرار دارد در ورودی بقعه دو لختی است و در کفش کنی باز میشود، هر لنگه آن از يك پاره الوار است. پهنای هر لنگه ۷۳ و بلندی آن ۱۵۳ سانتیمتر است.  
 کتیبه های زیر بر آنها دیده میشود.  
 بر بالای لنگه سمت راست در سه سطر  
 بر تربت غریبت چون بگذرند خلائق

از صدق بخوانند الحمدو قل هو الله

بادگاری میر محمد شفیع در ماه ذی قعدة سنه ۱۲۲۳

بر بالای لنگه سمت راست در سه سطر

تاریخ در قبل از این سنه ۸۹۸

هر که بر در گهت از روی تکبر گذرد

بی شك از پای در آید به یقین سر بنهد

صندوق بقعه به درازای ۱۸۸ و پهنای ۱۲۶ و بلندی ۱۳۳ سانتیمتر است.

عبارات و آیاتی بر آن حك شده است.

کتیبه حاشیه بالای ضلع شمالی:

حرره سید آقا بزرگدفی شهر صفر سنه ۱۲۰۴

ابراهیم بن روح الله بن زربند کیابن جعفر بن موسی بن محمد تقی ع

عمل تجاری از سید جعفر نیاکی استارزمان است.

## امامزاده روح الله

بنای بقعه امامزاده روح الله در شمال امامزاده ابراهیم است .  
 از نسبت نامه‌ای که بر صندوق امامزاده حک شده است معلوم میشود که روح الله  
 پدر ابراهیم و پسر زرین کیا است .  
 ابعاد بنا ۲۴۹×۲۳۷ سانتیمتر است .  
 در گورستان قدیمی اطراف این دو بقعه چناری کهنسال است که گرداگرد آن هفت  
 متر تمام است .

## ۵- شاهاندشت ( شونا دشت )

شونا دشت که امروز به غلط ( شاهان دشت ) میگویند یعنی دشت شونا و شونادهک  
 های قدیمی در دو سه کیلو متری ملک قلاطرف شرق بوده است که امروز امامزاده و  
 گورستانی قدیمی در آنجا بجای مانده است و دمرگان در سال ۱۳۰۷ مکرر آنرا  
 ( شونه دشت ) خوانده است .

شاهاندشت در ۷ کیلو متری شمال گزنکدر دامنه کوه قرار دارد . با ارتفاع ۱۴۱۰  
 متر شاید در اصل شاهین دژ باشد چون دشتی در اینجا بنظر نمیرسد .  
 دارای ۲۴۶ نفر جمعیت میباشد ، آثار قلعه خرابه ملک بهمین دارد . آبشار  
 کنار قلعه جاری است که از بیلاق دجمار و شونا می آید و پس از گذشتن  
 از اراضی یور شون دشت به آب هراز میپیوندد .  
 میزان آب آبشار در حدود ده سنگدو ارتفاع آن در حدود ۵۰ متر است آب این آبشار  
 به مصرف زراعت میرسد و بسیار گوارا است .

شاهاندشت دارای دیستان ، آب لوله کشی ، راه اتومبیل رو میباشد . غیر از قلعه  
 ملک بهمین که جداگانه شرح داده شده آثار تاریخی شاهاندشت بشرح زیر است .

## امامزاده حسن

در اراضی جلیه شونا دشت بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع  
 آن از خارج دو متر تمام است ، صندوقی کوچک ساده چوبین در وسط بنا قیصررا



پوشانده است این بنا که بر اثر زمین لرزه خراب شده بود در سال ۱۳۵۲ با مخارج آقای هادی نژاد و کمک اهالی باز سازی شده و بام آنرا که هرم مئمن القاعده است با حلب پوشانده اند. طرف غربی این بقعه آب هراز و طرف جنوبی آن آب آبشار است. چناری کهن سال نزدیک بقعه است و درختان خرمندی و ون (زبان گنجشک) در محوطه آن زیاد است.

### برج گنبد سی

در اراضی گنبد که در شمال قلعه قرار میگیرد در فاصله سه کیلو متری قلعه برجی از سنگ و گچ است که روزی طاقی گنبدی داشته است، محیط داخلی بسرج ۱۷/۲۰ متر و پهنای دیوار آن در یک متری کف اصلی بنا ۸۰ سانتیمتر و بلندی برج تا زیر لبه طاق ۶۵ سانتیمتر است قسمتی از سقف آن تا به امروز باقی است. این بنا در ورودی بطرف شرق و غرب و شمال دارد. پهنای درهای شرقی و غربی ۷۰ سانتیمتر و پهنای در شمالی ۹۰ سانتیمتر است این بنا دو سه بار تعمیر شده است. ظاهراً مدفن یکی از بزرگان محل بوده است. درویش الیاس

### در آس تنگه شونا دشت

بنای اصلی بقعه از داخل چهار گوشه و ابعاد آن ۲۲۲ سانتیمتر است. در ورودی شرقی است و پهنای آن ۶۰ و بلندی آن ۱۲۲ سانتیمتر است. این در بدخل مسجدی باز میشود قبری در وسط بنا است که صندوقی پهنای ۹۰ و در درازای ۱۶۰ سانتیمتر باقی است این صندوق مورخ ۹۲۰ قمری بوده است و آیاتی از قرآن مجید بر بدنش چوبی آن حک شده است. نمای خارجی اصلی بقعه هشت ضلعی است و گنبدی کلاه درویشی کوتاه دارد.

مصالح اصلی بنا سنگ و ساروج است که بجای خاکستر داخل ساروج آن زغال چوب زده اند. نمای خارج بنا بقعه و مسجد گچ ماله کشی است.

غریب شاه

بقعه‌ای قدیمی بوده است که بنازگی آنرا نوسازی کرده‌اند. بنای اصلی اطافی است چهار گوشه که صندوقی چوبین ساده در میان آن بر روی قبر قرار دارد.

باقی بناها و آثار تاریخی ساهاندشت

۱- گورستان قدیمی در بیلاق شونا

۲- بقعه سید قوام الدین در گورستان وسط آبادی شونا داشت.

ع شمس آباد

دارای ۳۲ خانوار و ۱۶۷ نفر جمعیت است. در ۹ کیلو متری گزنک قرار دارد.

دارای آب لوله کشی، حمام، دوش و مدرسه است.

۷- شنکله

دارای ۵۶ خانوار و ۲۹۲ نفر جمعیت است در مسیر جاده اسفالتنه تهران- آمل قرار دارد. در ۶ کیلو متری شمال گزنک واقع است. دارای آب لوله کشی، حمام و مدرسه است.

امام زاده عابدین رضا

در شنکله

بنایی است از خارج و داخل چهار گوشه بام بنا از خارج چهار ترک است. ایوانی در سمت شمال و مسجدی در غرب این بناست. در غرب بنای امام زاده گورستان قدیمی است و درختان کهن گردو و چنار در این گورستان زیاد است گرداگرد تنه یکی از گردوها ۳۹۶ سانتیمتر و گرداگرد چناری هفت شاخه که دارای ریشه‌ای تنهاست به دوازده متر میرسد.

۸- کلان

دارای سه خانوار و ۱۰ نفر جمعیت است در ۱۱ کیلو متری گزنک قرار دارد.

۹- گلپاشا

گلپاشا علیا دارای ۵۱ نفر جمعیت است و گلپاشا سفلی ۶۷ نفر جمعیت دارد. هر دو روستا در ۸ کیلو متری شمال خاوری گزنک قرار دارد.

## ۱۰- لارین

تازای ۴۷ نفر جمعیت و در ۱۵ کیلو متری گزندگ قرار دارد.

## ۱۱- نهر

در ۱۲ کیلو متری شمال خاوری واقع اسناد دارای ۱۱۱۹ نفر جمعیت میباشد ، دارای -  
معادن ذغال سنگ و مدرسه است .

## ۱۲- وانه

در ۱۶ کیلو متری شمال گزندگ و در مسیر جاده اسفالته تهران به آمل قرار دارد . دارای  
۷۱ خانوار و ۲۹۳ نفر جمعیت است . دارای آب لوله کشی ، برق ، دبیرستان و پمپ  
بنزین میباشد .

## برج کبری در وانه

برجی است به شکل مخروط ناقص با گنبدی مخروطی . دموورگان در باره آن نوشته  
است :

کمی دور تر از دهکده وانه برجی است که آنرا به کبرها نسبت میدهند .

طرح بنای آن جالب توجه است .

## امامزاده عبدالله در دهکده وانه

بنایی است هشت ترک که پهنای هر ترک آن از داخل ۱۵۴ سانتیمتر است هر ضلع  
داخلی غیر از ضلعی که در ورودی امامزاده در آنست و طاقهای بلندی که تا زیر  
کمر بند گنبد میروند و بالای کمر بند ، گنبدی تو سری خورده زده اند که وسط آن با  
رنگ و روغن ، ستاره‌های هشت پر رسم کرده‌اند . سپس گنبد را به چهار قسمت کرده و  
هر قسمت را با نقوش خورشید و ملائکه گل و بوته پر کرده‌اند . در زیر کمر بند گنبد  
نیز اشکالی از پرندگان با سر آدمی و شیر و اژده ها با رنگ و روغن نقاشی شده  
است .

بر کمر بند گنبد کتیبه‌ای است که اشعار کتیبه باین شرح است :

این بارگاه کیست که پیوسته از زمین نورش رو به کنگره چرخ چارمیستن  
 این بارگاه کیست که از بهر خدمتش جمعی ملک ستاده فوجی ز حور عیسن  
 این بارگاه کیست که جاروب در گهش مژگان جمله شاه و گدا ستوده بر زمین  
 ای زاده امام برادر تور را امسام بنما نظر به مهدی سلطان بی قرین  
 در وسط بنا صندوقی قاب و آلت ساده است که دور آن خریح چوبین مشبك بسیار  
 ظریف به درازای ۲۲۵ و پهنای ۱۷۲ و بلندی ۱۳۴ سانتیمتر است .  
 بنا از خارج نیز هشت ترك است و پهنای تركها ، میان ۲۳۲ و ۲۴۶ سانتیمتر  
 است یعنی تركها يك در میان برابرند .

اهالی محل گنبد قدیمی را که یکی از گنبدهای زیبای مازندران بود در سال ۱۳۵۳  
 خراب کردند و گنبدی تقریبا " پیازی بی قواره برای آن ساخته اند قصد داشتند  
 تمام بدنه را موزائیک کاری کنند .  
 عجیب است که تا امروز هم دستگاهی نیست که جلو این خرابکاری ها را بگیرد .  
 مسجدی تازه ساز در ضلع شمالی بناست و در ورودی امام زاده در آن باز میشود .

### ۱۳ هاره

دارای ۲۴ خانوار و ۱۴۰ نفر جمعیت است در فاصله ۱۸ کیلو متری شمال خستناوری  
 گزندگ قرار دارد مدرسه و آب لوله کشی و همچنین دارای معدن ذغال است .

### الف - مراتع دهستان امیری

در نقاط مختلف دهستان امیری، مراتعی بشرح زیر وجود دارد :

الوان زیرور ، چمن خو ، دین ریز ، دجمار ، فولاد چشمه ، وردل

### دهستان یا لا لاریجان

مجموعه دهاتی است از بخش لاریجان شهرستان آمل  
 این دهستان در جنوب بخش ( گزندگ ) و در مرتفع ترین نقاط دره رودخانه هراز واقع  
 شده و هوای آن سرد ، آب ( چشمه سارها ) و محصول عمده ، غلات ، حبوبات  
 لبنیات ، عسل و میوه جات است .

شغل اکثر سکنه زراعت و تعدادی نیز به حشم‌داری مشغول میباشند. و عسل‌دهی از سکنه پائیز و زمستان تا اواسط بهار در قسمت جلگه مازندران و تهران بکسار مشغول و تابستان به محل خود مراجعت مینمایند.

این دهستان از نقاط بیلاقی شهرستان آمل بوده و با داشتن آبهای معدنی آیدننده درخشانی خواهد داشت.

دارای ۲۲ روستا با ۱۳۳۳ خانوار و ۱۷۷ نفر جمعیت ثابت میباشد. همچنین دارای تعدادی مراتع است که تابستان، احشام محلی و غیر محلی در آن چرا میکنند.

### اسامی روستاهای بالا لاریجان

#### ۱- آبگرم

به اصطلاح محلی (گرموسر) دهی است از دهستان بالا لاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل در ۵ کیلو متری شمال رینه و دامنه خاوری کوه دماوند واقع شده، راه شوش به تهران دارد و کوهستانی، هوای سرد، دارای ۴۱ خانوار و ۲۴۲ نفر جمعیت است. تابستانها عده زیادی از نواحی مختلف کشور برای استحمام در آبگرم معدنی به این محل می آیند. دارای مدرسه و برق میباشد، مادام کار لاسرتنگا فرانسوی در سفر نامه خود نوشته:

در دامنه دیگر کوه آبگرم واقع است که چشمه های گوگردی آن سخت معطر و است اروپائیان مقیم تهران برای آبهای آن خواص بیشماری قائل هستند. کسانی که برای استفاده از آن به آنجا میروند بایستی در زیر چادر زندگی کنند. صعود از دهکده آبگرم به قله دماوند چندان سخت نیست و روسنائیان هر روز این عمل را انجام میدهند و گوگرد می آوزند.

شلمیر اطریشی در کتاب لغتی که در سال ۱۸۷۴ در تهران به چاپ رسیده از آبگرم لاریجان بعنوان آب معدنی گاز دار یاد کرده و حرارت آنرا  $62/5$  درجه سانتی گراد ذکر نموده است. (ژاک دو مورگان) در ۱۹۰۵ کتابی در پاریس به چاپ رسیده از آبگرم لاریجان ذکر نموده.

در کتاب حفظ الصحه مرحوم پاپازیان معلم سابق مدرسه عالی دارو سازی کتسه در سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران به چاپ رسید از آبگرم لاریجان یاد شده است .  
 مظهر چشمه معدنی آبگرم را که در ابتدای کوچه حمام‌های یکی از اهالی قسزار دارد . چند سالی است که پوشانیده‌اند ، و قسمتی از این آب از زیر زمین بوسیله لوله به حمام‌ها می‌رود و قسمتی دیگر از این چشمه در مجرای رو باز در کوچسه جریان مییابد و از خانه‌های اطراف عبور مینماید .  
 در حال حاضر در حدود سیصد حمام خصوصی در آبگرم وجود دارد . بعلاوه ۲ حمام عمومی شاه عباسی یکی مردانه و یکی زنانه نیز موجود است .  
 بطور کلی محیط آبگرم و حمامهای فوق‌فوق‌العاده کثیف و غیر بهداشتی است و فاقد هر گونه امکان رفاهی برای استفاده کنندگان آب معدنی است .  
 در سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰ ، اقدام اساسی در تهیه حمامهای دوش و احداث مهمانخانه در نظر گرفته شده بود که ناتمام مانده است .  
 آبگرم لاریجان طبق نظر کارشناسان ، از حیث تشابه و ترکیب در ردیف آب‌های گوگردی کوه پیربینه بین فرانسه و اسپانیا است و دو چشمه معدنی آن معروف می‌باشد .

#### الف - آبگرم گوگردی (۴۱)

مقدار آب در دقیقه هزار لیتر ، ارتفاع چشمه از سطح دریا ۲۲۸۰ متر درجه حرارت سر چشمه ۶۵ سانتی‌گراد ، مزه آب نامطبوع ، بوی هیدروژن سولفور ، شکست ظاهری آب زلال ، رسوب سیاه و زرد تا فاصله‌ای رسوب آن سیاه رنگ و در نقاط دور قشر زرد رنگ در مسیر باقی می‌گذارد .  
 ب - آب آهن .  
 آب آهن در شمال غربی آبگرم به فاصله تقریبی ۲ تا ۳ کیلو متر در ارتفاع در حدود ۲۴۵۰ متر قرار دارد و راه آن کوهستانی است . آب از دو چشمه اصلی خارج میشود آب این دو چشمه در یکصد متر پائین‌تر که آب از زمین تراوش میکند مخلوط شده و

آبشار کوچکی تشکیل میدهد و سر انجام به حوض بزرگی در حدود پنجاه متری واقع است ، میریزد .

### حمام شاه عباسی

اعتمادالسلطنه درباره این حمام مینویسد :

سگی بالای حمام اینجاست ، مشهور است از بناهای شاه عباسی است . معلوم است سنگهای آن وقت غالباً " به خطر رقاغ پیونده و سنگ الحال ریخته و شکسته است آنچه خواند میشود ( السلطان الغازی شاه ۰۰۰۰ ) و آثار حمام ششاه عباسی تا امروز بر جای است .

### خرابه های دهکده های قدیمی

در اراضی آبگرم آثار دهکده های آباد قدیمی بنام ( وهمن آباد ) است ظاهراً " این دهکده بر اثر زلزله خراب گردید .

### ۲- امیر آباد

امیر آباد دارای ۴ خانوار و ۳۳ نفر جمعیت ، در ۲ کیلو متری آبگرم ، محلی وسیع و مسطح میباشد که مشرف به مناظری زیبا است . قلعه ملک بهمن ( برج بیامه سی ) در این محل وجود دارد ، در سال ۱۳۱۹ ساختمان میهمانخانه مجلل و حمامهای مدرن در ناحیه امیر آباد که با چشمه آبگرم ۲ کیلو متر فاصله دارد ، شروع شد که ناتمام ماند و زلزله سال ۱۳۲۶ نیز زیانهای به آن وارد ساخت .

### برج بیامه سی در امیر آباد

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه درباره این برج چنین نوشته است : در انتهای جلگه این آبادی ( آبگرم ) ، آثاری است مربع شکل که از سنگ و گچ ساخته شده دوازده ذرع در دوازده ذرع است . دری از سمت شمال دارد . از در کنه وارد میشوند ، دیوار رو برو را مقابل در کنده اند ، نصف دیوار خالی شده است . وسط این حصار قبری است که در میان سنگ بیرون آورده اند ، از قرار وضع مضع قبر مسلمان بوده است .

وارد آن قبر که میشوند پس از چند قدم مضجع است .  
 جناب امین الملک در این فرجه رفته ، اسنخوان دست و پای مرده هم دیده شده است .  
 باقی از سنگ و گچ هم روی این قبر داشته که الحال هم قدری از آن طاق باقی است .  
 سمت مشرق این چهار دیوار دره‌ای است که تقریباً " هزار و پانصد آلی دو هزار ذرع عمق دارد ، ته دره گزنگ واقع است .  
 این بنا تا امروز با همان مشخصاتی که اعتمادالسطح نقل کرده است بر جایی است ظاهراً " مدفن ملک بهمن از سلاطین استندار است .  
 درازا و پهنای بنا از داخل ۹۸۵ سانتیمتر است . بلندی مدخل ۳۲۰ سانتیمتر و بلندی دیوارهای باقیمانده بیش از شش متر و قطر دیوارها دو متر است .  
**۳- اسك**

این ده از دهستان یا لا لاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل در ۶ کیلو متری گزنگ قرار دارد . رود هراز از کنار آن میگذرد ، در ۳۵ کیلو متری آب علی و ۸۰ کیلو متری آمل در بین جاده اسفالت تهران به آمل واقع شده است . این ده کوهسنا سرد سیر ، دارای ۱۸۴ خانوار و ۹۵۳ نفر جمعیت میباشد .  
 جمعیت آن در تابستان چندین برابر میشود . اهالی اینجا به زبان فارسی مازندرانی تکلم می نمایند و آب آشامیدنی از چشمه تامین میگردد .  
 محصول غلات ، حبوبات ، میوه جات ، لبنیات ، شغل زراعت و گلخانه داری است .  
 دارای آب لوله کشی ، برق ، تلفن ، حمام دوش ، مدرسه راهنمایی میباشد .  
 اکثر چشمه های موجود آبدی معدنی بوده و دارای مواد اسید کربنیک و بیسی کربنات و سود است . که در حین جریان در مجاورت هوا رسوب نموده و تولید قشر آهکی مینماید ، کوههای اطراف آهکی بوده و اکثر خانه ها روی سنگ بنا شده است .

بر طبق اظهار یکی از پیر مردان محلی ، این دهکده در زمان اشکانیان بنام اشك (۴۲) موسوم بوده و بعداً " با گذشت زمان شین به سین تبدیل گردید و امروز به نام اسك خوانده میشود .



این موضوع با استاد پور داوود در میان گذاشته شد و ایشان اظهار داشتند که بعید به نظر نمیرسد نام اسک در آغاز اشک بوده ، با شل نظائری موجود است که در زبان فارسی شین و سین بدل شد . ( بن حوفل: ۳۵۷ هجری در صورة الارض اشک ) نوشته است این اسفندیار در تاریخ تیرستان از کتاب فردوس الحکمه علی بن الکاتب ذکر کرده است که از دیه اسک تا قله بدو روز شوند .

شلمیر اطریشی در کتاب لغتی که به زبان فرانسه در تهران به چاپ رسانیده در قسمت آبهای معدنی از آب اسک لاریجان نام برده .

ناصر الدین شاه قاجار در ۱۲۹۶ هنگام مسافرت به مازندران از اسک در سفر نامه خود نام برده که حاکم نشین لاریجان و ده معتبری است .

اعتمادالسطنه که در رکاب ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۶ به لاریجان مسافرت کرده بود نوشته است دهکده اسک شامل محلات :

برزی محله ، قادی محله ، رئیس محله ، کلاری محله ، امیر محله ، دهل محله ، باعث محله (۴۲) میباشد .

او نوشته از دهم لغایت سیزدهم رجب ( سه شنبه تا جمعه ) در اسک پایتخت لاریجان بوده اند .

خانم کار لاسرنا فرانسوی در سال ۱۸۷۷ مطابق با ۱۲۹۴ ه . ق اسک را مرکز ناحیه لاریجان در سفر نامه خود قید کرده و نوشته اینجا بصورت آمفی تئاتر ساخته شده است و چشم انداز بسیار قشنگی دارد و شهرت آن بیشتر به خاطر آبهای معدنی گوارائی است که دارد .

( هیات علمی دموورگان که در سال ۱۸۸۹ میلادی در اطراف دماوند بررسی ها ئسی کرده اند از آب معدنی اسک در کتاب خود نام برده )

در کتاب حفظالصحه مرحوم پایاریان معلم سابق مدرسه دارو سازی تهران کسه در سال ۱۳۰۱ شمسی در تهران به چاپ رسید از آب معدنی اسک ذکر شد . و مرحوم دکتر علی خالصی در سال ۱۳۱۹ پایان نامه خود را درباره آبهای معدنی دماوند

انتخاب کرده درباره آب معدنی اسک مطالباتش انجام داد.

روستای اسک دارای چشمه های گوگردی متعددی است که نزدیک جاده اسفالتنشده در سمت راست آن (بسمیت آمل) در ناحیه ای از اسک به نام (آب اسک) قنتران دارند. دو چشمه بزرگ آن بنام زنانه اسکو و مردانه اسکو نامیده میشود. ارتفاع چشمه های اسک از سطح دریا در حدود ۱۷۰۰ تا ۱۷۵۰ متر است. گازهای کتسه سمنی از آن ایندريدكربنيك، و اسيد سولفوريك است در مظهر چشمه ها متصاعند میشود و آنرا جوشان جلوه میدهند و بوی هیدروژن سولفورزه در اطراف چشمه استشمام میشود. در نقاطی از تپه های آب اسک نیز رسوبهای آهکی متورق مشاهده میشود. در ناحیه شرقی این قسمت معدن ذغال سنگ وجود دارد که از آنها ذغال استخراج و بهره بر داری میشود. بطوریکه از مشاهدات محلی مستفاد میشود مظهر چشمه های گوگردی اسک قبلا" در تپه های در جنوب این ناحیه بوده و رسوبهای حاصل بتدریج تپه را بطرف رودخانه جلو برده ، جساده تهران ، آمل این تپه را قطع کرده است. بطوریکه اهالی میگویند محل اسک قبلا" در سمت راست رودخانه هراز و در منطقه ای بنام (اسکلا) قرار داشته که در اثر سیل ویران و اهالی به محل فعلی اسک آمده و سکنی کردند.

(اسکلا) که در قسمت فوقانی چشمه های (اسکو) قرار دارد فعلا" مجددا" آباد

و ساختمان سازی شده و بتدریج محل سکونت شده است.

در روستای اسک نیز چشمه های آب معدنی بنام هشتی کنا ، قلقل سر ، زاغ ییسا ذغال چشمه ، آب نادعلی وجود دارد.

در ۳ کیلو متری جنوب اسک در محلی بنام زردور نیز چشمه ای بهمن نام وجود دارد. چشمه قلقل سر در بالا محله اسک وجود دارد.

چشمه هشتی کنا در ابتدای راه چالسر وجود داشته آب این چشمه را اهالی برای

چشم درد استفاده مینمایند آب نادعلی در ابتدای دره قرار داشته و برای امراض

جلدی مفید است.

آب ذغال چشمه در درویش باغ قرار دارد.

امامزاده قاسم در اسک.

امامزاده قاسم بن حسن بن موسی الکاظم - لیه السلام، بنای اصلی مسجدی است که مرقدی با صندوق مشبك تازه سازی در میان آن است. در ورودی مسجد و مزار شرقی است مصالح بنا سنگ و گچ و بام آن گلی میباشد.

امامزاده یحیی.

بنائی تازه ساز است در بالا اسک که بجای بنای قدیمی ساخته شد. سه ستون روی کهنسال نزدیک بقعه است. مسجدی ساده و بی پیرایه دارد. محوطه آن قبرستان میباشد. مسجد جامع اسک و مرقد امامزاده علی عسکر.

مسجد جامع بنائی است مستطیل شکل که شش فیلیا در دو ردیف در طول آن ساخته و دوازده طاق بر این فیلیاها و دیواری اطراف زده اند. (۲۴)

مصالح اصلی بنا سنگ و گچ، تکیه ای منضم به مسجد است، در تکیه سنگ قبر مرمر سفید رنگی است مرقد امامزاده در وسط بنای مسجد قرار دارد.

(مرقد جامع که منضم به تکیه است از بناهای حاجی کاظم نام از طایفه درزی یکصد و بیست سال است که بنا شده) در تکیه اسک سنگ قبری وجود دارد کتیبه نوشته شده آرامگاه مغفور کربلائی علی برار کوهی ولد مرحوم عباس اسکی وفات

آذر ماه ۱۲۴۲ شمسی.

امامزاده دیگری در دهکده اسک بنام امامزاده محمد است که بنای ساده با ایوانی جلو آنست و بام آن گلی میباشد.

امامزاده دیگر اسک بنام امامزاده فاضل است.

امامزاده شعیب در اسکلا دارای صندوقی چوبی در وسط بنا مرقد را پوشانده دیوار بنا گلی و جدیداً "سقف آن را با حلب پوشانده اند".

امامزاده علی.

امامزاده علی در مزرعه پشتک اسک قرار دارد.

شجره این امامزاده بر تخته پاره ای با خط خوش ستعلیق، بسیار ظریف بدیسن



محمود امیر قاسمی اولین مدیر دبستان

شمس اسک

تبرستان  
www.tabarestan.info



بنمای جدید امام زاده علی در اراضی پشتک اسک

(عکس از روحاله قلاج زاده)

بسیار ظریف، بدین شرح کنده کاری شده در دست متولی است :

(علی بن عبدالله بن حسین بن طبعیرین امام الهمام زین العابدین بن حسین  
الشهید بن اسداله الغالب مطلوب کل طالب امیرالمومنین علی بن ابی طالب  
علیه السلام شرف اختتام یافت )

در مقدمه این شجره ظاهرا " تاریخ بنای امام زاده بوده است . بنای اصلی (۴۵)  
بقعه از داخل و خارج هشت ترك است ، جلو در ورودی اصلی پیش صحنی یا كفش  
کنی است . در ورودی كفش کن و بقعه شمالی است .

سقف بنا گنبدی عرقچینی و بام آن کلاه درویشی است . از داخل و خارج سفید  
کاری دارد و مصالح اصلی بنا سنگ و گچ میباشد .

همسر امیر مکرّم لاریجانی معروف به ( خاور خانم در درگاه ورودی صحن مدفون  
است . بقعه دیگری در اراضی پشتك اسك بنام املزاده جعفر وجود دارد کسه  
پیش صحن یا مسجدی جلو در ورودی است . در مسجد و در بقعه شمالی است .

بنای اصلی از داخل و خارج هشت ترك است . سقف بنا گنبدی عرقچینی و بام  
بنا کلاه درویشی است .

بقعه دیگری در همین مزرعه بنام امامزاده شیرین است که میگویند خواهر امامزاده  
علی و امامزاده جعفر میباشد ، بناش است محقر که ایوانی رویه جنوب دارد .  
طرف شمال شرقی بقعه به کوه متصل است .

کمبوج بر سر راه اسك به لاسم

بر سر راه اسك به لاسم تقریبا " در نیمه راه و نزدیک به سر گردنه بدائی است  
از سنگ و گچ بنام کمبوج که وضع پناهگاه دارد .

این قسمت از راه چون در روزهای زمستان برف و دمه دارد این بنا را ساخته اند .  
تامکاریان و مسافران بدانجا پناه برند .

## انابه

دارای ۱۹ خانوار و ۱۰۲ نفر جمعیت است در ۳ کیلو متری جنوب گزنگه قرار دارد و دارای آب لوله کشی ، محصول غلات ، لبنیات ، شغل اهالی زراعت ، دارای ذغال سنگ، میباشد .

## ایرا

دهی است کوهستانی ، سرد سیر ، خوش آب و هوا و خوش منظره در شرق اسک و با جاده اسفالته ۶ کیلو متر فاصله دارد ، دارای ۹ خانوار و ۳۵ نفر جمعیت است .

## پلور

در مسیر جاده اسفالته نهران ، آمل و در ارتفاع ۲۲۵۰ متر در ۱۶ کیلو متری جنوب گزنگه قرار دارد دارای ۲۶ خانوار و ۸۲ نفر جمعیت است . در تابستان جمعیت زیادی از تهران و مازندران برای استفاده از آب و هوا به آنجا می آیند . زمستان فوق العاده سرد است . این منطقه دارای آب لوله کشی است و رودخانه همسراز در آن جریان دارد . این حوقل در صورت الارض پلور نوشته است (۳۶۷)

ظهیر الدین مرعشی دژ فلول را در لاریجان ذکر نمود و ابن اسفندیار دهکدهای بهمین نام ده فلول یاده کرده است . (میکر از فلول لاریجان مورخین یاد کرده اند) . دکتر فوریه در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۸۸۹ مطابق با ۲۳ ذی القعدة ۱۳۰۸ در کتاب خود نوشته است :

(( امروز از جلگه لار خارج شدیم و پس از دور زدن قله دماوند از مغرب به جنوب آن به پلور که کنار پلور رود واقع است رسیدیم )) .

پلور رودخانه ای سیلابی است که از جنوب غربی منوجه شمال شرقی است و در دره تنگی جریان دارد . پس از آنکه برودخانه دیگری که مسنقما " از جنوب میباید

می پیوندند ، به رودخانه لار میریزد .

آبادی پلور ما بین این دو رودخانه و قدری پایین تر از ملتقای آن و دو نهر واقع شده ، راه منحصر بوده ، به کوره راهی که مهندسین آن پای گوسفندان بوده اند . چادر شاه را نزدیک رودخانه در ساحل راست آن زده اند و جلوی آن پلی است گنجه راه آمل از روی آن میگذرد و میرزا نظام آجودان شاه که قسمتی از ساخت این پل کار اوست از این هنرش که بر خود میبالد زیرا که ساختن پل در میان این کوههای بی نظم مرتفع و این دره های عمیق که به یک طغیان ناگهانی ممکن است ، دهانسه آن را پر و آنرا خطرناک کند کاری آسان نیست .

### آثار تاریخی پلور

علاوه بر قلاع موجود پلور که جداگانه در بخش قلاغ لاریجان ذکر شده آثاری تاریخی زیر در پلور وجود دارد .

- ۱- تپه مروانک .  
در جنوب شرقی پلور تپه ای بلند و منفرد بر سمت راست آب ، قرار دارد بازوی شرقی این تپه را ظاهراً " برشی داده اند " بر بالای آن آثار بناهای قدیمی است . میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه این تپه را بنامهای (مهروان) و مروان ضبط کرد و شرحی درباره مروان و عمر و لیث نوشت .
- ۲- دهکده قدیمی کاردی چال .  
در جنوب تپه مروانک آثار دهکده ای قدیمی است . این دهکده به علی رو بنامه خرابی رفته و اهالی آن به آمل رفته و در آنجا ساکن شدند که امروز به نام کار دل معروف هستند .

### رباط شاه عباسی

این رباط که اعتمادالسلطنه از آن نام برد تا سال ۱۳۵۰ (۶۴) شمسی بر جای بوده ،

سراسر بنای آن در جاده سازی برای سد لار از میان رفت ، مصالح بنای آن تماماً سنگ و ساروج بود . در آن که طاق هلالی داشت رو به مشرق بود . که مسافران و چهارپاداران روی آن می آمدند . در وسط کاروانسرا سه ردیف فیلیپا قرار داشت که دوازده طاق مدور سنگی بر فیلیپاها و دیوارها منکی بود . این کتیبه را بر پیاره سنگی سیاه که متعلق به محل نبوده ، حک کرده و بر بالای مدخل گذاشته بودند .

#### کتیبه سر در ورودی ریاط پلور

شد بنیوران شاه عالمگیر شاه عباس آن سهپنر غلام  
 کمترین بنده درش خاقان کمترین بندگان او بهرام  
 بانی این ریاط از سر صدق ولی بن محمد خیرام  
 هم بنده سعی محمد بنا یافت انمام این خجسته مقام  
 لازم آمد بیان تاریخش تا شود ثبت دفتر ایمام  
 بدز هجرت هزار و سی و چهار کناین عمارت تمام گشت تمام  
 خانقاهی قدیمی

هنگامی که سید ظهیر الدین مرعشی در رجب ۵۸۶۰ ق ملک کاووس را دنبال به این خانقاه در آمد و درباره آن چنین نوشته است :

(( به قریه پلور به خانقاهی که آنجاست زمانی مکتب رفت ، چندانکه دست و پای مردم که خنک شده بود و نزدیک بود که از کار بیفتند در خانقاه (۴۷) به آتش گرم کردند ))  
 باقی بناها و آثار تاریخی پلور

۱- سنگهای قبور قدیمی در نیک ، برای رسیدن به نیک ، باید در حدود (۱۰) ده کیلو متر در جاده نو ساز لار پیش رفت ، سپس به راه فرعی آن که از دست راست جاده جدا میشود وارد شد . امام زاده اسماعیل نیز در نیک است .

۲- گورستانی قدیمی در تپه سر کش پلور

۳- سه طاقچه حجاری شده زیر پل قدیمی بر آب لار .



## کمبوج

از کاروانسراهای بسیار قدیمی و عجیب ، کاروانسراشی است بنام (کمبوج) در - شیب شمالی بزم موشا (گردنه امامزاده هاشم) بر سر راه هراز .  
 این کاروانسرا که بیشتر قسمتهای آن سالم مانده است بر سمت چپ آب نزدیک پلی است که در آخر گردنه به سمت پلور قرار دارد محل استراحت مسافران و چهار پاداران بوده است . درازای ضلع شرقی ۲۲/۵ متر و درازای ضلع شمالی تا جایی که قابل اندازه گیری است ۱۶ متر است و کمر بند گنبد میانی از نیم متری طاق ۲۳/۵ متر است . ابعاد فضای داخلی که محل نشستن مسافران میباشد ۶۸ سانتیمتر است . در ورودی در ضلع جنوبی قرار دارد که طاقی جناقی بس درگاه آن زدند ، بلندی این دراز وسط جناق ، ۲۰۰ سانتیمتر و بلندی طاق تا سطح بنا هشت متر است . قطر دیوار فضای مرکزی و قطر دیوارهای باره بندها یک متر تمام است . در ورودی اصلی بنا ، در جنوب ضلع شرقی است و پهنای آن ۲۳۰ سانتیمتر است . مصالح بنا ، سنگ رودخانه و گچ غربالی است . این کمبوج در محل به کاروانسرای شاه عباسی معروف است . فعلا "سقف آن خراب شده و آثاری از آن باقی مانده است .

## رینه

رینه از دهکده های آباد لاریجان است ، در ۹۰ کیلو متری تهران ۱۲ کیلومتر متری جنوب گزنک در دامنه خاوری کوه دماوند ، بین راه خاکی تهران ، آبگرم قرار دارد . ارتفاع آن ۲۲۰۰ متر و دارای ۲۴۴ خانوار و ۱۱۶۶ نفر جمعیت میباشد . آب لوله کشی ، برق ، مدرسه و درمانگاه دارد ، دارای یک پادگان آموزشی ژاندارمری میباشد . رینه به محلات زیر تقسیم میشود :

سالار محله ، موشا محله ، خیر محله ، کریم محله ، قرقشه محله ، باید محله فرامز محله ، حسین محله ، قصاب محله ، مسیر محله ، ابیابک محله ، مه میسد محله (شاید محمود محله) کرد محله .

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه محلات رینه را بدین ترتیب یاد کرده است :  
 سالار محله ، گرجی محله ، احملان محله ، چالکا محله ، کفشگر محله ، بنایند  
 محله ، کرد محله ، منصور محله ، خمینی محله ، فرامرز محله ، عرب محله  
 قصاب محله این پنج محله ، جزء کرد محله هستند .

خاندانهای زیر در محلات مختلف این دهکده زندگی میکنند :

کیا سالار ، موشائی ، خاندان محمد شاهی از کرمانشاهان آمده اند گروهی کله  
 در رینه ساکن شدند جزء طایفه ملا بشمار آمدند ؛ دستهای که به موشا رفتند جزء -  
 برزگر شمرده شدند و جمعی که به آمل آمدند جزء طایفه کفشگر شدند ، ولی کرنگها  
 محله رینه از کردکوی گرگان بدینجا کوچ نمودند . خاندان فرامرز هم از زاسل  
 سیستان بدینجا آمدند و خاندان حسین خود را از نسل خسرو پرویز میدانند .  
 خاندان قرقشه از لار به رینه کوچ کردند در واقع دو برادر بودند که یکی به رینه  
 و دیگری به لار فارس رفت .

خاندان بایه (بایی) از سواد کوه آمدند و در رینه ساکن شدند و طایفه قصاب  
 از اعراب مهاجر بودند که در رینه مقیم شدند . خاندان خیر در نوشته ها و اسناد  
 ( خزر ) خوانده میشوند . خاندان ابیباک هم از اعراب هستند . خاندان سالارکیسا  
 خاندان اصلی و بومی رینه است .

### امام زاده محمد

#### در اراضی امامزاده سر رینه

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت ترك است . بام آن کلاه درویشی  
 است و از داخل گنبدی عرقچینی دارد ، در ورودی اصلی بقعه شرقی است کله  
 در مسجدی باز میشود . در درازای مسجد ، در وسط ، پنج ستون چوبین است . وطاق  
 مسجد دارای ایوانی ساده با هشت ستون چوبین میباشد .  
 در حرم بقعه صندوقی مشبك قدیمی است که سه طرف آن بر جای است و يك بدنیه

دیگر آنرا به سرقت بردند.

### امامزاده یحیی

در مسیر محله

بنای اصلی بقعه گل سری است که هفت پله از کف دو مسجد زنانه و مردانه بلند

تر است. سقف بنای اصلی بقعه و سقف مسجدها پلور گشی و پل کوبی است.

### امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام

در کوریم محله

بنای اصلی بقعه از خارج هشت ترک با گنبدی کلاه درویشی و از داخل چهار گوشه

با گنبدی عرقچینی است. درها و صندوق بقعه تخته‌ای است و کنده کاری ندارد.

بقعه را از کاشی‌های نقش دوران قاجاری نقش کرده‌اند. بنای بقعه مشرف بر تکیه

و در جنوب مسجد جامع است. وسط تکیه تختی است و منبری در آن قرار دارد.

### مسجد جامع رینه

بنای مسجد جامع، قدیمی است. در ازای بنا در ویلپا در وسط بنا ساخته‌اند

و شش رواق یا طاق‌های گنبدی بوجود آورند. پیش از ورود به مسجد به ماذنه‌ای بر

میخوریم که از سنگ و گچ ساخته و حلب پوش کرده‌اند.

### کلماتی با خط کوفی

بر لوح‌های سنگی میان راه رینه به پلور

محمد حسن خان اعتمادالسطنه که در سال ۱۲۹۶ در رکاب ناصرالدین شاه به رینه

و سایر دهکده‌های بالا لاریجان رفته، کتیبه‌ای به خط کوفی بر سر راه رینه

که به پلور می‌آیند، در وسط راه گردنه، کنار راه واقع شده، در سر این راه لوحی

به خط کوفی بر پارچه سنگی منقور بوده. به مروز دهور بواسطه زلزله

عوارض دیگر، این پارچه سنگ محکوک، از جای خود جدا شده، غلطیده، سیم

چهار صد ذرع پائین افتاده و شکسته است (۴۸).

زیار

روستای زیار در ۱۲ کیلو متری جنوب رینه و ۱۵ کیلو متری گزنک قرار دارد. دهی است کوهستانی سر دسیر دارای ۱۶۲ نفر جمعیت است. آب رودخانه لاسم آب زیار و لاسم از کوههای غربی قزقان چای فیروز کوه سر چشمه میگیرد. و زیر دست پلور، کمی بالاتر از تونل اول راه هرازیه رودخانه هراز می پیوندد، از کنار تونل اول راهی سر بالا به مسافت سه کیلو متر به زیار میرسد.

آبشار معروف آب شیخ علی خان بین آبادی زیار و مرتج بزم واقع و ارتفاع آن حدود ۴۰ متر، مقدار آب ده سنگ مییاشد و به رودخانه زیار میریزد. آب آن بسیار سرد و گوارا است.

وجه تسمیه این آب به آب شیخ علی خان این است که میگویند شیخ علی خان سردار معروف شاه عباس درد دلی داشت که با دوا معالجه نشد ولی مدتی را که وی برای سر کوبی حکام محلی در لاریجان توقف داشت از نوشیدن این آب معالجه شد و بعدها همه ساله از این آب با شیشه برای او باصفهان می بردند و استفاده می نمود. باین مناسبت به آب شیخ علی خان معروف گردید.

### امامزاده هادی بن موسی بن جعفر علیه السلام در دهکده زیار

بنائی است با همان مشخصات امامزاده هادی بن موسی بن جعفر علیه السلام گورستانهای قدیمی در مراتع زیور کوه، بهین کوه، میانرود، و خرابه خونه سر قرار دارد.

### کتیبدای میان زیار و لاسم

میان زیار و لاسم رودخانه کوچکی است که به آب مراد معروف است. در کنار این رودخانه دو سنگ بسیار بزرگ به هم متصل میباشند بر روی سنگ يك شکارچی با تفنگ و کلاه ظل السطانی که بر روی اسب سوار است نقش کیشدو شکاری در جلو او آواز زده و این ابیات بر این سنگ حک گردید:

بخ این ماء سبیل است میکند اینجا گذار یا کد زمینها گشت پیدا قدرت پروردگار خوش بود اینجا سماور با کتاب و یارومی گه بپوشی گه بنوشی گه خوری گوشت شکار

سید غلامعلی لاریجانی

سید غلامعلی در اصل نیاکی بوده و پسران او در (رزکه) آمل بدام (نیاکیان) امروز هستند .

### سد لار

آبادی سد لار پس از احداث سد : افرانی که برای نگهداری سد در آن محل سکنی گزیدند بوجود آمد . اکثریت آنها غیر بومی و دارای ۲۹۲ خانوار و ۱۱۴۲ نفر جمعیت است .

### کنار انگام

در ۱۰ کیلو متری گزنه، بین نوا و نیالك قرار دارد دارای ۱۶۷ نفر جمعیت است که به خاندان حسنی و اسحاق تبار تقسیم میشوند . مدفن امفزاده عبدالزین علی بن جعفر علیه السلام در این روستا است .

### امامزاده عیداله در کنار انگام

بنای اصلی بقعه مدور است و گنبدی کلاه درویشی دارد و از داخل هشت ضلعی است و سقف آن گنبدی عرقچینی است . يك جا چراغ در کتج یکی از اضلاع با گچ ساخته اند ، صندوقی ساده نخته‌ای مرقد را پوشانده است ، مسجدی و ایوانی متصل بسه بقعه است . بسقعه سید مصطفی و سید مرتضی متصل به بنای این آبادی است . بنائش است گل سری با صندوقی چوبین ساده .

### کندلو

روستای کند لو در ۴ کیلو متری گزنه قرار داشته و دارای ۱۱ خانوار و ۵۸ نفر جمعیت است رو بروی پل مون و سمت راست رود هراز قرار دارد .

### گرنیا

در مسیر جاده اسفالته تهران ، آمل و در ۸ کیلو متری جنوب گزنه در ۳ کیلو

متری شمال‌رینه قرار دارد. دارای ۱۴۱ نفر جمعیت ، دبستان و آب لوله کشی  
میباشد .

### امامزاده زین العابدین

#### در پائین محله گرنا

بنائش است از سنگ و گچ ، نمای خارجی آن هشت ترك و بام آن کلاه درویشی  
است در ورودی بقعه جنوبی است . از کفش کن دری شرقی به حرم باز میشود .  
در طرف غرب بقعه طاقدسای عمیقی است که بنام ( حرم ) معروف است و میگویند  
همسر امامزاده در اینجا بخاک سپرده شد و در محوطه باز اطراف بقعه ، گورستان  
عمومی است . درخت سفید کهنسالی در محوطه گورستان است و در نزدیکی  
امامزاده تکیه‌ای قدیمی و مسجدی سو ساز موجود میباشد .

### امامزاده قاسم

#### در بالا خط گرنا

بقعه‌ای است هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی ، در اصلی بقعه شمالی است  
و داخل پیش صحنی باز میشود ، که فعلاً " استفاده مسجد از آن میکنند .  
صندوق و درها تخته‌ای ، ساده و بدون کنده کاری است .

### درویش حسین

#### در بالا خط گرنا

بنائش است از داخل و خارج چهار گوشه ، بام بنا هرم مربع القاعده است .  
مسجدی متصل به بنا وجود دارد که در ورودی آن شمالی است . در ورودی بقعه  
دو لختی است و کنده کاری قدیمی دارد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است .  
در اسناد و مدارکی که در مقبره درویش تاج الدین حسن ولی به دست  
آمده از این مرد یاد شده است . در گرنا و دهکده‌های اطراف معروف به ( قاصی  
سوم ) است .

### گزانه

گزانه در غرب گزنگ و به فاصله ۳ کیلومتری آن قرار دارد ، دارای ۵۷۹ نفر

جمعیت است . محصولات غلات ، لبنیات ، عسل ، شغل زراعت و گلده داری است .

معادن زغال سنگ در حوالی آن وجود دارد ، دارای آب لوله کشی و مدرسه است .

### گرمابدر

در مسیر جاده خاکی مون ، آبگرم قرار دارد ، دارای ۵۱ نفر جمعیت است . آب لوله کشی دارد .

### گزنک

گزنک مرکز بخش لاریجان در مسیر جاده تهران ، آمل در فاصله ۷۴ کیلو متری آمل و ۸ کیلو متری شمال رینه قرار دارد . دارای ۹۲ نفر خانوار و ۴۲۰ نفر جمعیت است . دارای آب لوله کشی ، برق ، درمانگاه ، ژاندارمری ، آموزش و پیشرویش پست تلگراف و بخشداری میباشد .

### امامزاده جعفر بن ربیع

### در گزنک

بنایی است هشت ضلعی که دو ضلع جنوبی و شمالی آن بزرگتر از سایر اضلاع است . طول هر یک از آنها ۲۷۲ سانتیمتر و درازای اضلاع کوچکتر ۱۲۰ سانتیمتر میباشد . بام آن فعلا " گلی است و ظاهرا " بامی گنبدی داشته است .

صندوقی مشبك ساده چوبین مرقد را پوشاند ، در ورودی در کفش کنی ساده باز میشود .

### امامزاده نبی و گورستانی قدیمی

بنای امامزاده و تقریبا " تمام گورهای این گورستان قدیمی را آب هراز کند و از میان برد .

### امامزاده سلطان محمد قریشی

### در اراضی امامزاده سرگزنک

بنایی است هشت ضلعی ، در ورودی آن شرقی است و در مسجدی باز میشود . از در غربی نیز به مسجدی دیگر میتوان رفت . طول هر یک از اضلاع بنا ۲۱۸ سانتیمتر است .

و قطر دیوار بنا ۱۴۳ سانتیمتر و نمای گنبد از خارج هشت ترک کلاه درویشی می‌باشد. قسمت هشت ترکی زیر گنبد را نوارهایی از رنگ‌به هشت قسمت کسره و در هر قسمت نقاشی‌های گل و بوته کشیده‌اند و ردیف کتیبه در همین قسمت است. ردیف بالا اشعاری از هفت بند هجتم کاشانی است و کتیبه پائین شامل ابیات زیر است:

میبرد حسرت جازو کشیش حورالعین  
قدسیان بر درکاشانه او سوده جبین  
چه عجب روضه پر نور به خلاست قرین  
ساخته کحل بقا خاک در شر روح الامین  
شاه و سلطان محمد قریشی نسب این  
که بنا کرد چنین گنبد فیروزه نگیس  
بر ضلعی شمالی در قسمت زیر کمر بند ، تابلوئی از رنگ و روغن از میرزا محمد  
خان معروف، به امیر مکرّم لاریجانی است .

#### مسجد غربی

بنائی است مستطیل شکل به درازای ۶۱۵ و پهنای ۳۴۰ سانتیمتر . در اضلاع شرقی و شمالی و غربی درهای چوبین دو لختی نصب و در ضلع غربی دو چله خانه است . سنگ قبری بر ضلع شمالی این مسجد نصب است که عبارات زیر بر آن خوانده میشود .

#### کل شی هالك الاوجه

وفات مرحوم مغفور میرور جننت و رضوان جایگاه شهدی غلامحسین ولد مرحوم مغفور میرور جننت و رضوان جایگاه نوروز علی بیك اسکی فیره مسکن بتاریخ پنجم محرم الحرام مطابق ۱۳۱۳ دو طرف سنگ در بیت فارسی است .

ای که بر ما بگذری دامن کیشان  
از سر اخلاص الحمیدی بخوان

#### مسجد شرقی

در شرق بنای اصلی اما مزاده مسجدی دیگر ی وجود دارد که درازای آن ۷۱۵ و پهنایش



۶۰۰ سانتیمتر است دو فیلیا مربع از سنگ و گچ در طول بنا است که ابعاد هر یک از آنها ۹۲×۹۵ سانتیمتر است .

در منتهی الیه غربی ضلع جدویی ، دریای طاقچه ، سنگ قبر مرمری زرد تیره با خط خوش نستعلیق نصب است و عبارت زیر در آن نوشته شده است :

هوالحی السدی لایموت

عذالقبر العالم الفاضل الصمدانی و جامع المنقول و المعقول مروج مذهب جعفری - الشیخ محمد علی گزانی فی یوم الاحد السابع و العشرین من شهر ربیع المولود میسنه ۱۳۲۷ و صل به دیوار شرقی این مسجد در حیاط این بقعه چناری که سنسال است که گرداگرد تنه آن بالغ بر ۳۶۵ سانتیمتر است .

گیلاس

روستای گیلاس در ۶ کیلو متری گزندگ و سمت راست رودخانه هراز قرار دارد دارای ۱۹ خانوار و ۹۵ نفر جمعیت میباشد .

لاسم

روستای لاسم در ۱۴ کیلو متری جنوب رینه و ۲۴ کیلو متری جنوب گزندگ قرار دارد کوهستانی و سرد سیر است دارای ۲۴ خانوار و ۱۰۶ نفر جمعیت است ، جاده اتومبیل رو نرسیده به پلور از پهلوی تونل اول جاده هراز راهی به روستای زیار می رود و از زیار تا لاسم دو فرسنگ سنگین میباشد .

آب لاسم از کوههای غربی قزقان چای فیروز کوه سر چشمه میگیرد ، زیر دست پلور کمی بالاتر از تونل اول راه هراز به رودخانه هراز می پیوندد . دارای مدرسه است ، از لاسم راهی به دریاچه تار و موج دماوند است که با گذشتن از گردنه انگمار میتوان باین دو دریاچه رسید .

از لاسم راهی به فیروز کوه است که از دهکده های قزقان چای میگذرد و به ایستگاه ترتیب به فیروز کوه میرسد :

وزنا ، نجفدر ، بهان ، آسور ، اندریه ، ارجمند ، وشتان ، علی آباد ، سوله بن ، دو آب شهرآباد ، فیروزکوه . از لاسم راهی قدیمی به ده نوا می رود ، این راه از

گردنه املا میگردد. در املا امامزاده قوام الدین بن سید جلال الدین اشرف بیسن  
امام موسی الکاظم و گورستان قدیمی آن قابل بررسی است :  
امامزاده احمد رضا

در لاسم

محمد حسن خان اعتماد السطنه درباره این امامزاده چنین نوشته است :  
امامزاده ای در لاسم است مشهور به احمد رضا گنبدی از گچ و آجر دارد. لسوزی  
الشکل ، ضریح امامزاده از چوب است . از در که وارد میشویم سمت در به ضریح  
آیه الکرسی نوشته شده ، طرف مقابل این کلمات چنین نوشته شده است :  
" هذا المزاره المیار که و روضه المتبرکه المزار المغفور المبرور المرحوم السعید  
بن خیاران قدس الله العزیز " در چند پارچه چوب دیگر این کلمات نوشته شده  
است " ( صد هزاران بشارت و مغفرت بروح روان او واصل کن عمل محمد علی نجار فی تاریخ  
ماه مبارک ربیع الاول سنه احدی و عشرين و ثمانمانه . الله بر نویسنده این رحمت  
کن ) ( کا تب حسین بن اسکندر و بر ناظم این رحمت کن . در سایر اضلاع ضریح  
آیات قرآن است ) آنچه به نظر نگارنده ، از این امامزاده رسیده به این شرح  
است .

نام امامزاده به مرور ایام ( احمد رضا کریم ) تبدیل گردید . بنائی است هشتت  
ترك که هر ترك آن ۱۹۳ سانتیمتر و بام آن گنبدی کلاه درویشی است . بنا از داخل  
بیز هشت ترك است و گنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی دو لنگه و بلندی آن به  
۱۴۰ و پهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتر است . عبارات زیر بر این دو لنگه دیده میشود :  
( عمل استاد افراسیاب ابن اسناد علی نجار معروف به لاریجانی )  
در مسجد بهرزه بناز مکن . چون در آئی بجز نماز مکن  
صندوقی در وسط بنای اصلی ، مرقد را پوشانده است . این آیات و عبارات بر آن  
خوانده شد :

بر حاشیه بالای بدنه شمالی آیه الکرسی حک شده است . بر حاشیه بالای بدنه

شرقی عبارات زیر حک شده است .

( امر هذا المندوق ادریس بن صالح )

بر بدنه جنوبی صندوق عبارات زیر است :

(( هذه العمارة المباركة و روضه المتبرکة که المزار المغفور المبرور المرحوم السعيد

الشهيدین خیاران قدس الله العزیز ))

بر همین بدنه :

(( کاتب خسرو بن اسکندر طلب رحمت کن عمل محمد بن علی بابو نجار ))

منبری چوبین در این بقعه است که این کتیبه بر آن حک شده است :

(( الله محمد علی فاطمه حسن و حسین یا قاضی الحاجات وقف امامزاده لاسم نمود

۱۲۵ )) بر نخته پاره‌ای که بر دیوار امامزاده نصب است ، با خط متوسط آیاتی از

ابتدای سوره مبارکه یس تا انتهای آیه یازدهم حک گردید .

**تکیه‌های قدیمی در لاسم**

تذکره امامزاده و طرف جنوب آن تکیه بزرگ قدیمی است ، پنجره‌های ارسی آن کتیبه

تعداد آنها هم زیاد است جلب نظر میکند .

**کتیبه‌های بر سنگ**

**در کنار چشمه انگمار**

در کنار چشمه انگمار ، نخته سنگی است که بیت زیر بر آن حک شده است :

( انگمار است سلسبیل و جذت الماوالزور حیف از اینجا نیست غلمان حیفازانجا

نیست حور )

**گمیوجی قدیمی بر سر راه لاسم به نوا .**

پائین قلعه گندان و پای چشمه‌ای که طرف آبریز نوا است آثار گمیوجی قدیمی است .

**لزیرک**

دارای ۷ خانوار و ۲۷ نفر جمعیت است .

**ملار**

روستای ملار در ۱۲ کیلو متری غرب گزندگ قرار دارد . دارای ۱۶ خانوار و ۹۹ نفر

جمعیت و دارای آب لوله کشی و دبستان میباشد.

#### مون

روستای مون بین اسک و گزنکدر مسیر جاده آسفالته و در ۴ کیلو متری جنوب گزنک قرار دارد و دارای آب لوله کشی ، دبستان و برق و جمعیت آن ۲۰۲ نفر میباشد. دارای آثار قدیمی (پل مون) که در بخش پلهای لاریجان شرح آن داده شد. چهار درویش در روستای مون و قلعه‌ای قدیمی مون و آنه که آثاری از آن باقی است این آثار بر سر گرفته گمد گلی است.

#### نوا

روستای نوا در ۱۲ کیلو متری جنوب گزنکو و بالای نیاک و کنار انگام قرار دارد. دارای ۳۷۴ نفر جمعیت، راه خاکی اتومبیل رو ، آب لوله کشی و دبستان دارد. محلات دهکده نوا شامل : جغتائی محله ، عاشق محله ، ملا محله ، گودرز محله ، جمال محله ، با تنب محله (بفتح ناء) ، بیلی محله ظاهرا " بلالی محله ، رئیس محله ، حمزه محله ، درزی محله ، پیر علی (پیلایی) محله ، قرا محله ، هواله محله ، خاندانهای چندی در روستای نوا از قدیمترین ایام زندگی میکنند و نام خاندانها بشرح زیر است :

- ۱- خاندان خان از نسل رضا قلی خان مستوفی که نسبت او به امیر علیشیر نوائی می رسد.
- ۲- عاشق (بضم شین) که با طایفه خان ارتباط دارند.
- ۳- خاندان ملا که از نسل ملا محمد شهر آشوب هستند.
- ۴- خاندان گودرز که خود را از نسل گودرز کشاورز میدانند.
- ۵- خاندان درزی یا جامه ، خاندان جغتای ظاهرا " باز ماندگای نوکران امیر علیشیر نوائی و همراهان او هستند.
- ۷- خاندان بلالی
- ۸- خاندان رئیس

۹- خاندان با نوب (بکسر تاء)

۱۰- خاندان جمال

امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر علیه السلام

در نوا

اعتمادالسلطنه درباره امامزاده یحیی مطالب زیر را نوشته است :

در نوا امام زاده‌ای وجود دارد که اصل مزار روی تخته سنگ بزرگی قرار گرفته و گنبدی بشکل لوزی روی آن است . بتوسط چهار پله از مسجدی که دو ستون سنگی دارد به حرم امام زاده صعود میکنند . این مسجد در سمت مغرب قرار دارد و از طرف مشرق ایوانی است که بواسطه يك در نیز داخل امام زاده میشود . سپس عباراتی را که بر در حك شده است نقل میکنند .

نمای خارج بنا هشت تریه است یا گنبدی کلاه درویشی و از داخل مدور است و سقف آن گنبدی عرقچینی است . تمام بنا روی کمری يك پارچه ساخته شده و مرقد امامزاده را نیز در سنگه در آورده اند . صندوقی چوبین در میان بنا است که پایهای از سنگ و گچ دارد ، دازای صندوق ۱۷۰ و پهنای آن ۷۵ و بلندی آن ۸۰ سانتیمتر است . بر بدنه غربی آن این عبارات با خط نسج متوسط حك گردید :

(( هذه العماره از فرموده رئیس صلح حسین جماله عمل استاد محمود نجار در تاریخ سنه تسع و عشر و تسعمایه ))

بر بدنه جنوبی صندوق با نوعی کنده کاری که خراش روی تخته است :

(( بنا کننده این عمارات بایزید ابن حاجی جواد ))

صندوق از چوب گردو است و سر اسر قسمت‌های آن کم و زبانه و قالب و آلت است و از نگارهای فراوان ترکیب گردید .

زیارتنامه‌ای بر سه پاره تخته که قابی چوبین دارد مورخ ، بسال ۱۳۰۰ با خط خوش نسخ و گل و بوته‌ای طرف راست و دو گل و بوته پائین در امام زاده قرار گرفت نوشته شد . مسجدی متصل به بنای بقعه است در آن کنده کاری ظریف است .

بلندی آن از لبه خارجی دو قسمت چهار چوب ۱۹۰ و پهنای آن از دو لبه خارجی چهار چوب ۱۲۵ سانتیمتر میباشد.

این عبارت بر کلمگی چهار چوب حلك شده است .  
 (( این در مبارک بوجه سر کار مرحومه گلایبی خانم آصفجاهی میرزا رضا قلی بعمل

استاد آقا بابا با تمام رسید سنه ۱۲۱۷ ))  
 اما مزاده یحیی در محل معروف به ( پیر یاله ) است و اهالی کنار انکام در موارد اختلاف سامان ملکی با مردم نوا میگویند ( سامان ما تا پیر یاله است ) منظور ایشان بنای این بقعه میباشد .

در دهکده نوا اما مزاده های دیگری به نامهای :  
 اما مزاده ذکریا ، امام زاده اهل علی و امام زاده عبدالله وجود دارد که بناها ناشی مختصر دارند .

### تکیه و مسجد نوا

در روستای نوا تکیه ای بسیار بزرگ و قدیمی است . بر جرزهای دو طرف طاقدماها کچبریهائی نسبتاً " ظریف وجود دارد . بر یکی از جرزها کلمات زیر خوانده شده ( ۵۱ )  
 (( عمل کمترین قربانعلی جغتالی - کتیبه مشهدی حسین روضه خوان )

نوا - مولد سه تن از شاهزادگان قاجار

میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه مینویسد :

" نوا مولد سه نفر از شاهزادگان بزرگ قاجار : عباس میرزا ، محمد قلی میرزا ، محمد علی میرزا است "

پشت یکی از قرآنها ی وقفی در موزه آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها عبارت زیر دیده شد :

(( خداوند عالم در قصبه نوا در سنه ۱۲۰۳ پنج اولاد ذکور به خان مغفور مرحومست فرمود :

نواب محمد علی میرزا از زن گرجیه تفلیسیه هفت شهر ربیع الثانی ۱۲۰۳ نواب محمد

نواب محمد قلی میرزا ۲۳ شهر رمضان از دختر محمد خان دائی قواندو دائی آقا محمد خان ۱۲۰۳ محمد ولی میرزا غره ماه شوال از دختر اصفهانی ۱۲۰۳ نواب عباس میرزا چهارشنبه ۴ ذی حجه الحرام لذهبیه فتحعلی خان دولو ۱۲۰۳ نواب حسینعلی میرزا روز عید اصحی از صبیبه محمد جعفر خان عرب بسطامی ۱۲۰۳ صاحب روضه الصقای ناصری نام این شاهزادگان را چنین یاد کرده است :

شاهزاده نایب السلطنه عباس میرزا در چهارشنبه ذی حجه سال ۱۲۰۳ در قصبه نوا از بطن صبیبه محترمه فتحعلی خان قاجار دولو ، برادر جان محمد خان و در سال ۱۲۴۹ رحلت کرد . شاهزاده محمد قلی میرزا پسر سوم فتحعلی شاه در شب هفتم ربیع‌السیع الثانی ۱۲۰۳ در قصبه نوا متولد شد ، والده اش صبیبه محمد خان خاقان شهپسند و همشیره امیر کبیر اعتماد الدوله سلیمان خان قاجار بود (۵۲)

نقوش و خطوط سیاه کوه و قبیله کتو در آزوی نوا

در آخر دره نوا حرایبه‌های دامنه دار و وسیعی بنام (آزو) است که نشان میدهند روزگاری آبادی بزرگی در اینجا بود (۵۳).

بر سر راه این آبادی ابتدا به اراضی سیاه کوه و پس از آن در غرب این خرابه ها سه گلردی (۵۴) بنام قبیله کتو بر میخوریم . در این نقطه نقوش و خطوطی است که تقریباً " تمام آنها بررسی کردیم بر سنگ اول در ابتدای دره سیاه کوه نقوش بزرگ و میش کوهسی بچشم میخورد . اعنه ادا السلطنه ظاهرا " در سال ۱۲۹۸ ه قبه دوباره از این سنگها بر خورده و از آن رو نویسی نمود .

از دوراهان که گذشتیم به سر تخت کنار چشمه میرسد . لبه بالا این تخت سنگی که نظیر نیمکت است دوازده سانتیمتر ، پشتی تخت چهل سانتیمتر ، و کف تخت چهل و پنج سانتیمتر است . حروفی بر طرف راست پشتی تخت دیده میشود و بقیسه آنها به قصد گرفتن گنج شکسته شد .

پس از گذشتن از سر تخت و طی مسافتی به اراضی (قبیله کتو) که گلرد و سیع و بزرگی است ، میرسیم . در اینجا سنگهای بزرگ و کمرها روی هم ریخته اند و سنگی نیست که در اینجا نقوش و خطوط بر آن نقر نشده باشد .

### راه آزوبه شونادشت (شاهان دشت)

از آزوی راهی برای شاهان دشت است و از محل ونجی ، شونا ، مرجمار می گذرد .  
در شونا سنگهای قبور زیادی دیده میشود که کلمات عربی بر آنها حک گردید .

### نیاك

روستای نیاك در ۸ کیلو متری جنوب گزنگد زیر دست انگام و روبروی پل مسون قرار دارد پس از گذشتن از تخته پل بعد از ۲ کیلوی متر به روستای نیاك میرسیم دارای ۳۸۰ نفر جمعیت و برق ، آب لوله کشی ، مدرسه و راه اتومبیل رو خاکسی است .

### بقعه درویش تاج الدین حسن ولی (۵۶)

#### در روستای نیاك

بنایی است از داخل و خارج هشت ترك ، بر هر يك از اضلاع داخلی طاقنمائی دراز و باریك ، نورگیری كوچك در ضلع قبلی است . سقف بنا از داخل غرقچینی و از خارج كلاه درویشی است و مصالح بنا از سنگ و گچ میباشد . در ورودی بقعه بر ضلع شمال شرقی است و كنده نگاریهای بسیار ظریف دارد . و این عبارت بر دماغه در نقر شده :

نذر حضرت زیارت پناه عدالت دستگاه معزالدوله والدين امير حسين كيا ابـن  
المرحوم السعيد الكبير المتوفى بجوار الملك الولی سیفا " للحق و دولت امیر  
علی خلدالله ملكه العالی دوام دولته و عدالته و طاب ثراه ، فی عشرين شهر  
ذوالقعدة سنه و ستین و ثمانمائه .

عمل استاد بایزید ابن استاد محمد جیلاردی .  
صندوقی چوبین مرقد درویش حسن ولی را پوشانده است . بر بدنه شرقی صندوق این  
عبارت حک گردید :

(( نذر کرد امیر اعظم امیر حسین بن امیر داود طاب ثراه فی تاریخ ماه محرم سنه

ثمانه ستین و ثمانمائه ))



متصل به بقعه درویش تاج الدین مسجدی بزرگد و تازہ ساز است . صندوقی نسوز بزرگد آهین در مسجد است که این عبارات بر آن نوشته شد :

(( متعلق است به حضرت سید تاج الدین (سید حسن ولی) و این هدیه نا چیزی است که از طرف طایفه نیاک تقدیم گردید (۱۳۴۴))

پشت قرآنی خطی نسبتاً قدیمی ، در مسجد درویش حسن ولی ، مطالب زیر نوشته شد :

(( تاریخ غرس چنار کوچک در پیش روی تکیه نیاک سیادت پناه میر محمد شفیع ولد میر سعید نیاکی غرس کرد فی سنه ۲۰۳ : ۱۲ ))

(( تاریخ غرس چنار میان ده نیاک در پیش مسجد که سیادت پناه میرزین العابدین ولد میر عباس غرس نموده فی سنه ۲۰۲ : ۱۲ ))

سید علی = سید عالی

در ده نیاک

بقعه ای هشت ترک با گنبدی کلاه درویشی متصل به مسجد و بقعه درویش تاج الدین حسن است در ورودی آن داخل مسجد باز میشود . داخل بنا نیز هشت ترک است و گنبدی عرقچینی دارد . صندوق چوبین مشیک ساده مرقد را پوشانده است .

درویش سهراب

در جوار بقعه درویش تاج الدین حسن ، بقعه دیگری بنام درویش سهراب است . بنا است از خارج و داخل هشت ترک . بام آن گنبدی کلاه درویشی و سقف آن گنبدی عرقچینی است ، در ورودی بقعه شرقی است ، صندوقی مشیک تاز کار مرقد را پوشانده و بنا از خارج و داخل سفید کاری است .

گورستان و مسجدی خرابه در مراتع پلهار نیاک

گورستانی قدیمی و آثار مسجدی در پلهار است در این محل ظاهراً " آبادانی بوده است . زیرا که آب را از چشمه ای دور دست با گنگ سفالین بدینجا هدایت کردند . و با کنده کاری سطحی میتوان گنگ (۵۷) را از زمین بیرون آورد . دو سنگ تراشدار

که ظاهراً " برای سر در مسجد بکار رفته در این خرابه دیده میشود .

### مراتع بالا لاریجان

در نقاط مختلف بالا لاریجان مراتعی وجود دارد که ناپستانها احشام طوایف از سنگسری هداوند و بومی در آن تعلیف مینمایند اسامی بعضی از این مراتع بشرح زیر است :

آزو ، هلیزم ، پلهار ، امامك ، انجی ، چپك ، چال چال ، چهل چشمه ، خنسك چال ، دلیچای ، غسل غسل ، قاضی مزارع ، هماسان ، كتل امامزاده هاشم ، گزل دره ، مرغ ، معدن پوكه ، نمكوسر ( نمك كوپستر ) نسبك ، وزان .

### دهستان بهرستاق

یکی دیگر از دهستانهای بالا لاریجان بهرستاق است . این دهستان در شمال گزنگ و آبادیهای آن در طرفین رود هراز واقع است و با هوا سرد ، محصولات عمده غلات لبنیات و میوه جات خصوصا " سیب و گیلان میباشد این دهستان ۱۴ روستا با ۲۱۷ خانوار و ۱۸۷ نفر جمعیت است . مهمترین آبادیهای آن عبارتند از نوسر ، بایجان هفت تنان . روستاهای دهستان فوق بشرح زیر است .

### اوجال

دارای ۳۷ نفر جمعیت است آب از چشمه تامین میگردد . در ۱۳ کیلو متری شرق گزنگ قرار دارد .

### آهن سربا آخن سر

در ۱۵ کیلو متری شمال خاوری بایجان و ۳۶ کیلو متری گزنگ قرار دارد ، کوهستانی ، سرد سیر ، دارای ۱۶۳ نفر جمعیت میباشد ، آب از چشمه تامین مسی گردد و محصولات غلات ، لبنیات ، شغل اغلب ساکنان زراعت و گله داری است .

### یوالقلم

در ۶ کیلو متری جنوب خاوری بایجان ۱۴۰ کیلو متری شمال خاوری گزنگ قرار دارد ، دارای ۱۵ خانوار و ۸۸ نفر جمعیت است .

**پردمه**

روستای پردمه در ۱۲ کیلو متری شمال بایجان قرار دارد دارای ۴۹ نفر جمعیت است . شغل اهالی زراعت و گلخانه داری میباشد . ( راه باریکی بین آرم در هراز ، جریب به پردمه در لاریجان از طریق انجدان و آبندان کوه وجود داشته ( ۵۸ ) ) .

**علی آباد**

دارای ۳ خانوار و ۱۷ نفر جمعیت است . مقابل قهوه خانه پنجو ، بر طرف راست آب هراز قرار دارد عمارت کلاه فرنگی در آن ساخته شد . ابن بنا را میرزا محمد خان امیر مکرّم لاریجانی بنا کرد . حمامی قدیمی در شمال بنا است . در جنوب کلاه فرنگی بر کناره راست آب هراز در دامن کوه ، دیواری دراز از سنگ و گچ است که راه قدیمی لاریجان به آمل میباشد .

**قلاین**

در مسیر جاده اسفالته قرار دارد ، دارای ۲ خانوار و ۷ نفر جمعیت است . قهوها نه‌ای در آن ساخته شد . بنای تاریخی بنام قلاین و همچنین آثار پل خرابلسه ای مشاهده میشود .

**چشمه معدنی استراباکو**

در جاده اسفالته تهران ، آمل پس از عبور از قلاین در حدود ۷۰۰ متر قبل از بایجان در سمت چپ رود هراز درپای کوه چشمه معدنی وجود دارد که بنام استراباکو معروف است .

چشمه در حدود ۳ متر از رودخانه هراز بالاتر است . آب مازاد چشمه به رودخانه هراز میریزد . پس از وقوع زلزله چشمه مذکور خراب شد و بعداً " در سمت راست رود هراز لوله کشی صورت گرفت که آب چشمه مورد استفاده قهوه خانه و اهالی قرار می گیرد . آب در مسیر خود رسوبهای کربناته و سولفات آهن دار بر جای میگذرد . چشمه در حدود ۱۱۳۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد . این آب در ردیف آبهای معدنی سولفات و بی‌کربناته کلسیک نیم گرم است .

## کتی بن

آبادی کتی بن دارای ۱۳ نفر جمعیت است. دهستان کتی بن در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی روستای بایجان در کنار رودخانه هراز در مسیر جاده اسفالته تهران، آمل قرار دارد. در ۱۰ کیلومتری شمال گزنک واقع شده دارای ۱۱۹ خانوار و ۶۴۸ نفر جمعیت است. آب، برق مدرسه و ژاندارمری و معدن زغال سنگ است. میره جات فراوان خصوصا "سیبب کیلاس" گردو یافت میشود. راه خاکی نو سر و نشل از کنار آبپای بایجان مسی گذرد. در بایجان امامزاده برهان از نسل امام جعفر و امامزاده زید و عبداللینه از نسل امام زین العابدین وجود دارد.

## لسوط

روستای لسوط در ۱۸ کیلومتری گزنک قرار دارد. دارای دبستان و چشمه برای تامین آب آشامیدنی است. جمعیت آن ۱۴۳ نفر میباشد. زیارتگاه امامزاده زین علی در این روستا قرار دارد. در ۲۸ کیلومتری جنوب غربی روستای بایجان در ۳۸ کیلومتری شمال بایجان قرار دارد، دارای ۴ خانوار و ۳۱ نفر جمعیت و هم چنین دارای آب لوله کشی است.

## نوسر

آبادی نوسر در ۴ کیلومتری شمال بایجان قرار گرفته، دارای ۶۴ خانوار و ۳۶۵ نفر جمعیت و دارای مدرسه و معدن زغال سنگ میباشد. آرامگاه امامزاده از نسل امام حسن مجتبی در این روستا قرار دارد.

## ناصر آباد

روستای ناصر آباد در ۱۷ کیلومتری جنوب غربی روستای بایجان قرار دارد. جمعیت آن ۱۷ نفر جمعیت است.

## هفت تنان

روستای هفت تنان در ۴ کیلومتری شرق بایجان قرار دارد. دارای ۳۸ خانوار و ۲۱۲ نفر جمعیت است آب آشامیدنی از چشمه تامین میگردد و دبستان نیز دارد.

## امامزاده هفت تنان

امامزاده هفت تنان در روستای هفت تنان قرار دارد. در ورودی اصلی بقعه بسنه بلندی ۱۹۸ و پهنای هر لنگه آن ۶۱ سانتیمتر است. هر دو لنگه دارای پاشنه‌های گردان است. بر روی لنگه سمت راست عبارات زیر خوانده میشود:

(( صاحب الخیرات هذه الباب و العمارات ملک سلطان حسین و اخوه ملک بهمن ابن کیومرث مع والده سیمین خونربانت ملک بهمن فی شهر ذوالحجه سبعین و لسمایه ))

این در به کفش کنی باز میشود که در امتداد شمال و جنوب است. درازای آن ده متر و پهنای آن ۲۰۸ سانتیمتر است که سه مدخل به مسجد طرف شرقی دارد.

## مسجد

در میان مسجد شش فیلیا بر دو ردیف سه تائی است. در انتهای ضلع غربی کفش کن دری دو لختی است که به اطاقی چهار گوشه باز میشود تا در تظنیر گرفتن چهار چوب بلندی آن ۱۴۴ و پهنایش ۹۵ سانتیمتر است. لنگه همسایه دارای کنده کاری بسیار ظریف و پر کار است بر کلکی چهار چوب ایسین در کتیبه زیر است.

(( نادعلیا مظهر العجایب تایا علی یا علی لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار ))

طاق مزبور بابعاد ۲۲۵×۲۶۲ است. در پهنای شمالی کفش کن، در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۱۶۲/۵ و پهنای آن ۳۸/۵ سانتیمتر است. هر دو لنگه بر روی پاشنه هائی گردان هستند و عبارات زیر بر قسمت بالای لنگه سمت راست است:

(( امامزاده واجب التعظیم و التکریم امامزاده نبی و ولی و مالک و معصوم و کنانه بر قسمت بالای لنگه سمت چپ این عبارات خوانده میشود:

(( و بیعه و خدیجه ایشان فرزندان هادی بن موسی کاظم اند صلوات الله علیهم و علیهم اجمعین برحمتك ))

بر قسمت پائین سمت راست عبارات زیر حك گردید :

(( وقف كنده هذالباب خواجه كمال الدين بن خواجه زرین كمر مونی (۵۹). المعروف بصالحانی (۶۰). فی تاریخ (۹۸۱)) در قسمت پائین لنگه سمت چپ كنیبه چنین نوشته شد :

(( عمل استاد شرفالدين ابن افضل صوفی بقار لیباسانی و بابو حسین و زرین كمر و خوجه نی یادگاری خواتون خانیه یعقوب مانی (۶۱) هجری ۹۰۰ ))

از این در به بنای اصلی بقعه وارد میشودیم که هشت ترك دو بدو مساوی است قطر دیوار بنا ۱۵۴ سانتیمتر و سقف بنا از داخل گنبدی و از خارج هشت ترك كسلا درویشی است . صندوقی بسیار بزرگ که در وسط این بناست که گور هفت تن از امام زادگان را پوشانده ، درازای آن ۵۷۷ و پهنا ۱۹۲ و بلندی آن ۱۵۰ سانتیمتر می باشد . ناگفته نماند که این صندوق بزرگترین صندوقی است که تاکنون دیده شده .

بر چهار طرف آن آیاتی از قرآن حك شده است . بر قسمت پائین ضلع شرقی عبارات زیر بچشم میخورد :

(( نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین یا محمد ))

این قسمت ظاهرا " نسبت به سایر كنده کاریهای صندوق تازه تر است .

(( صاحب الخیرات هذه القبر خواجه كمال الدين مع ولدها خصوصا " بابو حسین و زرینكمر و مراد مونی العمروف بصالحانی عمل بابوشاه ابن جلال الدين نجار دماوندی و استاد ضحاک در تاریخ محرم الحرام سنه تسع سبعین و تسعمایه )) .

بر قسمت پائین ضلع قبلی عبارات زیر حك گردید :

(( نادعلیا " مظهر العجايب تا - یا علی یا علی ، عمل استاد ضحاک ابن استاد حسین نجار اروی )) بر قسمت پائین ضلع غربی صلوات كبیر حك شده است :

(( اللهم صل علی محمد المصطفا وصل علی المرتضا . . . و صل علی امام محمد مهدي صاحب الزمان و صلوات الله علیه و علیهم اجمعین )) .

سنگهای قبوری که در كفش کن است .

بر دیوار غربی کفش کن سه سنگ قبر به شرح زیر نصب گردید :  
 (( وفات مرحوم ولد مرحوم کربلائی جمال بهرستانی نو سر مسکن بناریخ آذرماه  
 قدیم سنه ۱۲۲۹ )) (( وفات مرحوم عباسقلی ولد حاجی قربانعلی سنه ۱۲۹۲ ))

### مرقد آقا ملاحسین نوسری

در جنوب غربی بنای اصلی بقعه هفت تنان بقعه کوچکتری است که از داخل هشت  
 ترك و از بیرون چهار ترك است . سقف آن از داخل گنبدی است نو سری خورده و از  
 بیرون هشت ترك است . داخل این بنا آقا ملاحسین نوسری بخاك سپرده شد .

### هلموسر

روستای هلموسر دارای ۳ خانوار و ۱۲ نفر جمعیت است در کنار جاده اسفالت  
 قرار دارد .

### مراتع

دهستان بهرستان مراتع زیادی در نقاط مختلف دارد که اسامی بعضی از آنها بشرح  
 زیر است :

بینج استان ، سرخ پل ، شیراسل ، کتوچال ، نواک و ورك كلوگ .

### خرابه های موزون

در مرتع و علف چرموزون که میان دو مرتع الیس ونه ای قرار دارد و حدود آن به سرخ  
 دره و شیه کله سرو پرده و نوسر منتهی میشود ، آثار خرابه آبادی قدیمی و سفال  
 فراوان دیده میشود . اما مزاده ای بنام ( امامزاده عبدالله ) با بنائی ساده بر بالای  
 کوهی منفرد دیده میشود . بنای سابق امامزاده بر اثر افروختن شمع بر صندوق آن -  
 آتش گرفت . پشت امامزاده گورستان قدیمی است که گورهای آن سمت و جهت  
 دفن اسلامی ندارند .

گنگدکشی و پارك .  
 در نزدیکی موزون در مرتع ( و پارك ) آثار لوله کشی با گنگ سفالین دیده میشود  
 ابتدای این لوله کشی از چشمه ای است بنام ( گوئو ) و دنباله آن تا ( نوسر ) آمده  
 است .

## دلارستاق

یکی دیگر از دهستانهای بخش لاریجان شهرستان آمل است . این دهستان در شمال - بخش واقع شده و دره‌ای است که سمت آن از جنوب غربی بشمال شرقی است . آب آن از آبریزها م چشمه های شمالی دماوند کوه تا مین میگردد . و در ریاط کهرود به رودخانه هراز می ریزد . آب دهکده های گرف و تینه فیره که جزء دلارستاق هستند با لایتر از رودخانه اصلی دلارستاق به آب هرانی پیوندند . محصول آن غلات و حبو - بات و شغل اهالی کشاورزی و دامداری است . دارای یازده (۱۱) روستا یا ۲۶۸ خانوار و ۱۳۸۰ نفر جمعیت است . قراء مهم آن عبارتند از :

ناندل ، کهرود ، حاجی دلا .

## تینه

روستای تینه در ۲۵ کیلو متری شمال گزننگ و ۲۴ کیلو متری شمال رینه قرار دارد . منطقه ای است ، سرد سیر دارای ۳۵ خانوار و ۱۸۲ نفر جمعیت و آب لوله کشی است و دارای مدرسه نیز میباشد ، راه خاکی ماشین رو ، همچنین زیارتگاهی بنام امامزاده یوسف از نسل امام موسی کاظم علیه السلام .

## حاجی دلا

دیلا = ( دلا ، حاجی دلا ) در دامنه شمالی کوه دماوند در (۳۶) کیلو متری شمال گزننگ قرار دارد دارای ۸ خانوار و ۳۰ نفر جمعیت است ، دارای معادن زغال سنگ و راه خاکی اتومبیل رو که بنام سلطان حاجی روستائی که مقبره در آن - وجود دارد ( حاجی دلا ) معروف است . خاندانهای زیر در دیلارستاق ساکن می باشند .

ایبک ، رعیت باب شامل (گوسر و جک و قلیاف ، سلمان ، میون ملیج ) و اهالی دهکده های دیگر خاندانهای فوق را بنام غائی میشناسند .

مرقد سلطان احمد نریزنده

در روستای دیلا .



بر روی نپه مشرف به دهکده حاجی دلا دو قبر مخروطی شکل به فاصله کمی در کنار یکدیگر واقع میباشد در مقبره اول شهاب الدین و در مقبره دوم شیخ سلطان احمد مدفون هستند .

### مرقد سلطان احمد نریزنده

بنائی است از سنگ و گچ از خارج هشت ترك و از داخل مدور سقف آن گنبد عرقچینی و بام آن کلاه درویشی است و اخیراً " تمام بدنه خارجی بنا را خلب پوش کرده اند بر کمر بند داخلی ابیات زیر را گچ بری کرده اند :

(( این بارگاه کیست که تا صبح واپسین جن و ملئک بخاک درش می نهد جبین این بارگاه کیست که محتاج در گهش هستند کائنات همه روی این زمیــــن این بار گاه کیست که از فیض رحمتش خوشحال و خرمند هزاران دل غمیــــن این بارگاه کیست که تابنده نور او باشد یکی چو روضه فردوس عنبرین این بارگاه کیست که شاهنشاهان عصر از خرمن عنایت اویند خوشه چیســــن ))  
در ورودی بقعه ساده است و کنده کاری و تزئین ندارد . فقط بر بالای لنگه سمت راست این عبارت حك شده است .

(( وقف هذه الباب صناعت دستگاهان مشهدی گلبابا و استاد ملا آقا نجار بتاریخ شهر ذی القعدة سنه ۱۱۰۰ ))

### مرقد سلطان شهاب الدین بن سلطان احمد .

بنائی است از سنگ و گچ که نمای خارجی آن هشت ترك و بام آن کلاه درویشی است . طرح داخل بنا نیز هشت ترك است . درازای هر ضلع از داخل ۲۱۰ و دهانه صفا ۱۰۰ و عمق ۵۰ و پهنای انحنای طرفین صفا ۴۵ سانتیمتر میباشد . اضلاع و صفا ها را پنبه بلندی ۸۰ سانتیمتر کاشی کاری ظریف کرده اند . در سمت راست در ورودی و درگاه شماره يك و کاشی های درگاه دوم کلمات قصار حضرت علی و بر بعضی هم کلمات کوتاه از حضرت علی که مسلک تصوف را تجلیل می نماید ، جملات دینی و عرفانی منقوش است .

بر یکی از کاشیهای درگاه در دوم ( یادگار علی حداد ابن بایزید خوانده میشود ) .

بر کاشیهای زاویه سوم دست راست از در ورودی نیز مطالبی نوشته گردید (یادگار سلطان کمانگر) و یا (یادگار کمال سرخاب) نیز خواند میشود. که کاشیکار بودند. ازاره درگاه سوم فقط کاشی های نقش دار است و نوشته ای بر آنها نیست. بر کاشیهای ازاره درگاه چهارم نیز علاوه بر مطالب (السلطان ظل ظل العبدید بر و الله یقدر، بسم الله الرحمن الرحیم الی آخر)) یادگار محمد لواف نوشته شده، بر زاویه میان درگاه هفتم و هشتم (یادگار سهراب سرخاب آهی) از جملات دینی و مسلکی و عرفانی که بگذریم، در چهار درگاه به ترتیب زیر یادی از سالهای کاشیکاری گردید. سال ۹۰۱ در درگاه دوم و درگاه پنجم و سال ۹۰۲ در درگاه چهارم و سال ۹۰۳ در درگاه اول. از ذکر این تواریخ میتوان باین نتیجه رسید که دوران کاشیکاری ازاره سلطان شهاب الدین در حدود سه سال طول کشید. بنا بر این میتوان گفت که کاشیها در محل تهیه نگردید، بلکه از خارج بدینجا حمل شد و با اینکه نام چندین نفر در میان نوشته های کاشیهای ازاره بدین ترتیب آمده است.

آقا رضی بن حیدر کرار در سمت راست در ورودی، العبد حبیب الله، یادگاری علی حداد بن بایزید در درگاه دوم، یادگار سلطان کمانگر، یادگار کمال سرخاب، حمدالله بن بدالله، جعفر در زاویه میان درگاه دوم و سوم، یادگار محمد لواف در درگاه چهارم، العبد خاکی صوفی در درگاه ششم. یادگار سهراب سرخاب آهی در درگاه هفتم.

اما روشن نیست این افراد کاشیکار یا کاشی ساز یا کاتب نوشته های کاشی میباشند زیرا سمت هیچیک از آنان در این نوشته ها مشخص نیست. در ورودی بقعه دو لنگه ای است. بلندی هر لنگه ۱۶۵ و پهنای آن ۴۰ سانتیمتر می باشد عبارات زیر بر این دو لنگه حک گردید:

بر بالای لنگه سمت راست:

(وقف هذه الباب لمزار سلطان العارفين)

یز با لای لنگته سمت چپ (سلطان حاجی قدس سره)

در وسط لنگه سمت چپ :

(البانی للبناء المعظم شیرانشاه ابن شیرامه فی تاریخ)

در وسط لنگه سمت چپ :

(شهر ربیع الاخر سنه اربع سنین و ثمانمائیه)

در پائین لنگه سمت راست :

عمل حسین نجار لواسانی و محمد شاه نجار لاریجانی

و در صفحه زیر حلقه آهنی همین درب این کلمات حک شده است :

(عمل العبد المذنب العاصی الراجی عزالدین محمد بن جنجاجی فی سنه وسبعین

و ثمانمائیه) • از مجموع عبارات مذکور (۶۳) میتوان دریافت که نام صاحب

بقعه سلطان حاجی ، و از بزرگان مشایخ تصوف بوده و شیخ شهاب الدین شاید

لقب عرفانی او باشد و به مناسبت نام سلطان حاجی قریه‌ای که مقبره در آن واقع

است (حاجی دلا) نامیده شد.

دکتر منوچهر ستوده در کتاب از آستارا تا استرآباد جلد چهارم صفحه ۴۷۵ نوشته

اند:

((قسمت پائین لنگه سمت چپ و طرف راست آن سوخته و از بین رفته است • نوشته

زیر که در کتاب مازندران تألیف عباس شایان ذکر گردید در کتاب آستارا تا

استرآباد وجود ندارد •

(عمل العبد المذنب العاصی الراجی عزالدین محمد بن جنجاجی فی سنه وسبعین

و ثمانمائیه) •

در کتاب آستارا تا استرآباد دکتر منوچهر ستوده آمده است :

((چنانکه از کتیبه در پیدا است این در وقف بر مزار سلطان العارفین حاجی

شده است در صورتیکه مدفون در این مرقد در نزد اهالی معروف به شیخ شهاب -

الدین است و اغلب انتساب (سهروردی) را نیز به نام او می افزایند و برای این

انتساب دلیلی دارند و میگویند (( چون مدفن امین مرد در مراتع سردوز (۶۴) است و این مرتع در نوشته های دیوانی (۶۵): (سهرورد ضبط شده است از امین رو سلطان شهاب الدین که در این اراضی بخاک سپرده شد به (سهروردی) معروف گردید. پای این اسند لال سخت چوبین است. از طرف دیگر باید گفت دری که در بالا شرح داده شد، متعلق به بقعه نیست، زیرا در طرف راست آن بازویی در گچ در حدود بیست سانتیمتر در کنار چهار چوب افزوده اند تا در آن جای گیرد.

گذشته از این طاق درگاه هلالی است و قسمت بالایی چهار چوب در افقی است و هیچ گونه نشانی ندارد که روزی کتیبه‌ای اضافه بالای آن بوده که هلال طاق را پر کنند از امین رو مجبور شده اند، دوباره تخته که خود روزی قسمتهائی از در دیگری بسوده با پاره تخته قطوری در هلال بالای در بکوبند تا این فاصله را پر کنند. با این آشفنگی و در هم ریختگی، قضاوت اینکه اینجا مرقد سلطان شهاب الدین سهروردی یا مدفن سلطان حاجی باشد، امری دشوار است.

#### رباط کهرود

آبادی رباط کهرود در ۵۶ کیلو متری گزندگ قرار دارد دارای ۸ خانوار و ۲۶ نفر جمعیت است.

#### رزان = رزن

در ۲۴ کیلو متری گزندگ قرار دارد دارای ۱۳ خانوار و ۶۷ نفر جمعیت است. ساکنان آن از طایفه (مغول) میباشند.

#### فیره

روستای فیره در ۱۸ کیلو متری شمال گزندگ واقع است ۲۸ خانوار و ۱۶۸ نفر جمعیت، دارای مدرسه و جاده خاکی اتومبیل رو میباشد. اهالی از آب چشمه استفاده می نمایند.

#### کرف

روستای کرف در ۲۸ کیلو متری شمال شرقی رینه و ۲۷ کیلو متری شمال گزندگ

قرار دارد. دارای ۲۰۳ نفر جمعیت، مدرسه، جاده خاکی ماشین رو میباشد. امامزاده‌ای دز این دهکده وجود دارد که زیارتگاه عموم مردم است. کهرود.

روستای کهرود در ۲۱ کیلو متری شمال گزندگ قرار دارد. دارای ۲۷۳ نفر جمعیت، حمام دوش، آب لوله کشی، مدرسه و مغلن زغال سنگ است، زیارتگاه نیز دارد. (منوچهر مرزبان لاریجان، قلعه کهرود را که بعدها به کارو معروف شد، چنان آباد کرد که افرادی از هر صف، از هندوستان و مصر و سوزیه به آنجا آمدند و اقامت گزیده بودند و عمارت‌های عالی کرده بودند. از نقاط بسیار آباد و پر جمعیت و محل داد و ستد و بازرگانی بشمار می‌آید. سید فخرالدین مرعشی پسر میر بزرگ در سال ۷۸۵ این قلعه را خراب کرد. (۶۶).)

### جوانمرد حمزه

در روستای کهرود = کارو. بنائی است از داخل هشت ترک که پهنای ترک‌های آن از ۱۵۲ تا ۱۵۸ سانتیمتر است. صندوقی چوبین ساده در وسط بنا مرقد را پوشانیده است. نمای بنا از خارج هشت ترک و پهنای ترک‌های آن میان ۲۲۰ تا ۲۴۵ سانتیمتر میباشد. پوشش بنا گنبدی کلاه درویشی هشت ترک است. مسجدی «محقر متصل به بنا ساخته اند.

### کیان (کیون)

روستای کیون در ۵۷ کیلو متری گزندگ قرار دارد. دارای ۸ خانوار و ۴۳ نفر جمعیت است. و خاندانهای کیانی، اراغه، بنار، بندار، اسپی جن، در این روستا زندگی میکنند.

### مرقد دو برادر بنام درویش حسن و درویش علی

در دهکده کیون مرقد دو برادر بنام درویش حسن و درویش علی، بنائی است چهار گوشه با گنبدی مخروطی، صندوقی ساده چوبین در وسط بنا است. در ورودی ساده و به طرف شمال باز میشود. بر چهار کنج بنا از داخل چهار گوشوار ساخته‌اند.

و گنبدی عرقچینی بر آن زده‌اند، و سطح اصلی نیا سنگ و گچ میباشد.

### لهر

روستای لهر در ۶۵ کیلو متری شمال گزنگ قرار دارد. آب چشمه، حمام دوش، مدرسه، راه خاکی اتومبیل‌رو و دارای ۱۰ خانوار و ۶۵ نفر جمعیت است و خاندانهای الیاس، رئیس، حسن، حاجی ولیک = ولیک، خدری، در این محل زندگی میکنند که اهالی روستاهای دیگر مجموع این خاندان را بنام بنار = بندار می‌شناسند.

**امامزاده عباس و علی پسران اسمعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام**

### در دهکده لهر

بنایی است از خارج هشت ترک با گنبدی کلاه درویشی، مسجد و کفش کنی به ترتیب متصل به در ورودی امامزاده میباشد. درهای مسجد و کفش کن و بقعه بطرف شمال گشوده میشوند. بنا از داخل چهار گوشه است. گنبدی عرقچینی از سنگ و گچ بر آن زده‌اند.

### میانده

روستای میانده که بین دلا و ناندل قرار دارد با این اسم خوانده میشود. در ۳۷ کیلو متری گزنگ قرار دارد. دارای ۱۸ نفر جمعیت است خاندانهای زیر در آن ساکنند:

پیرو سری، جور ملیج، سادات جعفری که از دهکده دینان (دینون) امیری آمده‌اند و سه پشت است که در اینجا ساکنند، میون سری.

### بقعه مظفر سلطان در میانده

نزدیک تکیه میانده اطاق کوچک گل‌سری است. فاقد اثر تاریخی (۶۸) در میان ده سه تن بنام شیت و اسحق و اسماعیل در حصار میون مدفون هستند.

### ناندل = (نول)

آبادی نول در ۴۳ کیلو متری شمال گزنگ و در پای قله دماوند قرار دارد، دارای

مدرسه ، جاده خاکی اتومبیل رو میباشد - ۵۴ خانوار و ۲۹۹ نفر جمعیت دارد و خاندانهای زیر در این محل ساکن هستند :

بیلاز ، بیلدار که به معنی رعیت است . امروز در صفحات مازندران بلودار همین معنی را میدهد . سم تراش ، متنهار (۶۹) ، خواجه ، ابیابک ، سلیمانی ، الکائی ، ایلدائی ، نوری ، مقبره آقا سید محمد کیا .

### در نونل

بنائی است از خارج هشت ترك بابامی کلاه درویشی ، نمای داخلی آن نیز هشت ترك است سقف داخل بقعه گنبدی عرقچینی است . کفش کنی با سقف هلالی متصل به بقعه است مصالح بنا سنگ و گچ میباشد .

در ورودی بقعه در کفش کن باز میشود . چهار چوب گنده کاری مار پیچ از چسوب آزاد است . در نونل ، بقعه‌ای دیگر بنام ( درویش حسن ) است که چهار گوشه دارد و بام آن گنبد عرقچینی است در ورودی بقعه شرقی میباشد . این بنا قدیمی بنظر میرسد . بقعه ای دیگر بنام ( میر شمس الدین ) در مرتع ( اوچاله ) استنت که اثر تاریخی در آن دیده نشد .

### مراتع

در نقاط مختلف دهستان دلارستاق مراتع زیادی وجود دارد که: اسامی بعضی از آنها بشرح زیر است : چمه بن ، دمنه کوه ، زرد آو بیج ، گرد کاله ، گردنه سر ، مشك عنبر ، نستگوم نل میباشد .

### جغرافیای تاریخی لار

دره لار از سمت شمال غربی به ناحیه کوهستانی نور و از طرف جنوب به افجسه و لواسان و بومهن و از مغرب به کوههای امامه و گرمابدر و از طرف شمال بسکه کوههای دلارستاق محدود میشود .

پهن ترین نقطه این دره در میانرود است و رودخانه لار از میان کوه الرم و کوه پهنک میگذرد و در همین نقطه است که چمن سیاه پلاس با چمن لار به هم میرسند. پهنای دره پهنک در حدود پنج تا شش کیلو متر است و تنگترین قسمت این دره شا-دز (بستک) باشد که فاصله میان کوه شرقی و غربی بیش از سیصد متر نیست. آب دره لار از خرسنگ سر چشمه میگیرد و پس از پیمودن ده کیلو متر آبهای سفید آب و ملک چشمه به آن افزوده میشود و مسیر خود را بطرف جنوب مسی گرداند تا به میانرود برسد که آب کوههای کاسونه وجودی به آن می پیوندد. از اینجا مسیر آن از غرب به شرق است و آبهای چشمه ها و دره های فرعی به آن می ریزد و تا به پل پلور برسد و به آب هزار مخلق شود. با بودن زمینهای مساعد و آب فراوان هیچگونه آبادانی در این پهنه وسیع دیده نمیشود و اراضی قابل کشت آن تمام مرتع و چراگاه است. شاید برف فراوان و سرمای شدید سبب گردید که این دره پهناور فقط تابستان مورد استفاده قرار گیرد.

سید ظهیر الدین مرعشی خرابی لار را بدروان باستانی و داستانی ایران رساننده و مینویسد گرگین میلاد درری حکومت داشت زمنستانها به دره کرج رود و تابستانها به دره لار میرفت. چون در زمان شاه کیخسرو با بیژن گیوان غدر کرده بود و او را در قید اسارات انداخته و گیور اموطن و مقام ازقم بود و گودرز را اصفهان گرگین در آن قریب جوار نتوانست بودن به گرگان رفت، پس از آباد کردن گرگان در آنجا نیز نماند به لار پارس رفت و لار رستمدر از آن باز ویران گشت. در سال ۱۰۷۴ قمری شاه عباس ثانی (۱۰۷۲-۱۰۵۲) از ساری از راه فیروز به چمن لار رفت شاه قصد داشت از راه لواسان متوجه شهر تهران شود. ولی نشیب و فراز راه را که دید از راه دماوند خود را به تهران رساند. (۷۰).

رابینو در سفر نامه مازندران و استرآباد از مراتع لار بدین ترتیب نام برده است: چشمه شاه، چهل چشمه، گیلردک، امامزاده امام موسی، بورت خان دختر بورت خانلر خان، خر سنگ، لته بند، سه دره، کاروانسرای سرخک و کاروانسرای



سفید آب، سه راه تهران به بلده از طریق دشگرک.  
 محمد حسن خان صنیع الدوله که در سفر بیلاق سنه هزار و دویست و نود و هشت  
 هجری ثیلان ثیل ترکی در التزام ناصر الدین شاه بود رساله‌ای بنام (جغرافیای -  
 لار) نوشته که دارای مطالب مفیدی است. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه  
 ملی است (۷۱).  
 چنانکه از مطالب این رساله بر میآید در قرون اولیه اسلامی در ناحیه لار آبادی  
 بوده است.

\* \* \*

شیخ علی گیلانی در تاریخ مازندران آورده است:  
 (موز نام کوهی است از چمن لار تا بالای تمشیه چمن لار، منظور لار قصران  
 است دره لار از پای کوه خر سنگ شروع میشود و در پلور به دره هراز ختم میگردد.  
 امروز هم چمنزار و تابستان چراگاه است.)  
**لار قصران**

به دره‌ای که سر چشمه اصلی رود هراز در آن جاری است اطلاق میشود. این دره از  
 پای خر سنگ شروع میشود و از دهانه‌ای که زیر پلور است وارد لاریجان میشود.  
 قصران آبادیه‌ای کنار رودخانه جاجرود است. لار در این تاریخ جزو خـاـك  
 قصران بشمار میرفت ( اولیاء اله آملی - تاریخ رویان ص ۲۱۵ )  
**سفر نامه فریزر**

فریزر در مورد لار مینویسد:

این محل به سبب داشتن آب و سبزه خوب معروف است و نه تنها عشایر بیابانگرد  
 را جلب بلکه بسیاری از مردم درباری و شهر نشین را جذب میکند تا ماه‌های  
 گرم را در اینجا بگذرانند و آب خنک بنوشند و از شکار کردن و صید ماهی  
 قزل آلا و دیگر سرگرمیها لذت ببرند.

لار در خاطرات دکتر فوریه

دکتر فوریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار سه سال از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ در دربار ایران بود ۸ ژوئیه در راه بین سیاه پلاس و اردوگاه سابق (خرابه هاشی است مرکب از چند دیوار خراب و یک سقف و چند پله) بمن گفتند در اینجا برجی بوده است از آثار قرن هفتم هجری که آنرا به یادگار اسلام آوردن صد هزار مغول در اینجا ساخته بودند. این داستان افسانه‌ای بیش نیست.

آنچه مسلم است و تاریخ نشان میدهد، ارغون خان مغول در اینجا برای خود قصری ساخته بود. و در همین قصر به تاریخ ۶۹۴ هجری پسر و جانشینش غازان اسلام آورده است. اعتمادالسلطنه با اینکه سرسری بکاوش این خرابه‌ها پرداخت در آنجا تعدادی کاشی زرنگار و دو شمعدان مسی، یافت من هم با اینکه زیاد نگشتم دو کاشی شکسته از همان جنس بدست آوردم.

یادداشت‌های کلار

تیمور در بازگشت از یورش سوم به سمرقند در قصران داخل در حدود محل کوشک ارغون در لار توقفی داشته است و حافظ ابرو در ذیل ظفر نامه نظام الدین شامی نوشته است:

(حضرت صاحبقرانی (تیمور) انارلله برهانه بعد از این قصایا عزیزم مراجعت نموده از حدود گیلانات به موضع لار فرود آمده در پای کوه دماوند که پادشاه ارغون در آن موضع کوشکی ساخته است و حالا آن موضع به کوشک ارغون معروف است در روز یکشنبه عشرين ذی الحجه سنه ست و ثمانمائه (۸۰۶ هـ) عنان عزیزمت به صوب دارالسلطنته سمرقند که مرکز خیام دولت بود تصمیم یافت (ارغون خان از شاهان ایلخانی که پس از سلطان احمد تکودار از سال ۶۸۳ تا ۶۹۰ سلطنت کرد).

در همین اوان که تابستان و هوا گرم بود در تاریخ جمعه ۱۱ ژوئیه و شنبه ۱۲ ژوئیه ۱۴۰۴ میلادی که برابر با دوم و سوم محرم سال ۸۰۷ هجری میشود امیر سلیمان‌شاه

حاکم ری و فیروز کوه از جانب تیمور و داماد او که در مرغزاری در لار اردو زده بود. کلاونیخو رئیس تشریفات سلطنتی اسپانیا که به سفارت به دربار تیمور میرفت و همراهان او را در اردوگاه خود مهمان کرد.

کلاونیخو از این حاکم و اردوگاه وی در لار باین صورت یاد کرد.

نام این میزبان ما سلیمان میرزا بود که یکی از مقربترین مردم درگاه تیمور بود و قدرتی عظیم داشت.

محل اردوگاه وی در مرغزاری در کنار دره‌ای میان کوههای بلند و سخت قرار داشت این محل که در آن فصل یعنی تابستان بسیار زیبا و مضافاً و شادی بخش بود کوه لار نامیده میشد.

اردوگاه امیر مرکب بود از سه چهار چادر، وی یکی از دامادهای تیمور بود.

### لار در کتاب جغرافیای مفصل ایران

مسعود کیهان در کتاب جغرافیای مفصل ایران نوشته است:

(( بواسطه ارتفاع زیاد و برف شدید دارای آبدی نیست. مراتع آن در تابستان سبز و خرم و چراگاه طبیعی چادر نشین‌های اطراف تهران است. هیچ درخت در اینسن دره یافت نمیشود. در کوههای آن حیوانات وحشی و شکار فراوان است. ارتفاع سطح این دره از دریا ۲۱۸۰ تا ۲۹۰۰ متر میباشد. در اغلب دره‌های آن رگه‌های زغال سنگ سطحی بخوبی نمایان است.

### بناها و آثار تاریخی لار

#### کاروانسرای سفیداب.

در پای کوه سفیداب و نزدیک چشمه‌ای به همین نام کاروانسرای از سنگ و گچ است طاقهای مدوری از سنگ و گچ بر آن زده‌اند.

#### امام زاده پنج‌تن.

در مغرب کوه فولاد چشمه در کنار رودخانه، بنائی است ساده از سنگ و گچ که هیچ‌گونه آثار هنری در آن دیده نمیشود.

### قبر ملك سلطان

پائین کوه خشک رود در چمن ملك سلطان ، گوری منفرد بنام (قبر ملك سلطان ) در چمن پهناور به همین نام است .

### امامزاده بن امام موسی

بنائی است از سنگدو گچ در سمت راست رودخانه لار با بامی گهواره‌ای که بنا همین مصالح زده‌اند کف بنا را کندو کاو کرده‌اند .

### عمارت خانلر خان سیل سیر

در دامنه شمالی کوه پهنک در چهل چشمه لار ،

خانلر خان سیل سیر که در ورامین املاک دارد ، در چهل چشمه لار طبرستان بیلاق میکند ، بنائی عمارتی کرد که از برف خراب شد ، آثار آن باقی است .

### خوشی خانه = خوشخانه

در جنوب دره لار میان دره قوشخانه و الرم

محمد حسن خان اعتماد السطنه در سال ۱۲۹۸ هـ . ق که در رکاب ناصرالدین شاه به دره لار رفته مطلب زیر را درباره بنای خوشی خانه نوشته است :

(( خرابه معروف به خوشی خانه عبارت است از تپه‌ای خاکی که دره قوشخانه در طرف

جنوب آن و خرابه های الرم در طرف شمال در محاذ آن واقع است و تپه مزبور در -

سمت جنوب رودخانه لار ، در جلگه دیده میشود و ارتفاع آن به خط عمودی بیست

و هشت ذرع است و محیط آن هشتاد ذرع و در این سنوات کسی ملتفت نبود کسبه

این تپه طبیعی است یا مصنوعی ، یعنی آثار خرابه عمارتی یا بنائی است .

در سفر نامه بیلاق هذه السنه ثیلان ثیل هزار و دویست و نود و هشت هجری حسین

خان محلاتی پیشخدمت که پدر او ابراهیم خان پیشخدمت ، علاقه در لواسان

دارد ، به عرض حضور اقدس همایون رسانید که لواسانی ها بعضی کاشیهای ممتاز از

تپه قوشخانه به لواسان آورده و در حمام نصب کرده اند . همچنین بعضی آجرهای

خوب بزرگ آقا محمد علی امین حضرت آبدار باشی مامور تحقیق و انکشاف این

مسئله شده ، تپه را پیدا نمود و معلوم شد که این تپه خاکی و طبیعی نیست ، بلکه عمارت عالی در این محل بوده که خراب شده و مصالح زیاد آن عمارت این تپه را تشکیل داده و به مرور دهور ، باد ، خاک بر روی خرابه ها ریخته و علف روئیده و هیات تپه طبیعی بهم رسانیده است ، محض مزید استیصار ، حکم همایون شد بعضی جاهای تپه را حفر کنند و جناب امین الملک و نگارنده مأمور شدیم که استقصائی در این باب بنمائیم .

در اثنای حفر و کاوش تپه ، بعضی کاشیهای بسیار ممتاز خوب به هیات و شکلهای مختلف پیدا شد که متن آنها سفید و وسط را بطرزهای مختلف نقاشی کرده و دور هر کاشی کتیبه‌ای به خطی که ما بین خط نستعلیق و نسخ بود ، اشعار نوشته ، ابتدا چنین بنظر آمد که این بنا مقبره شخصی بزرگ یا بقعه امامزاده‌ای بوده . بعد دو سه فرد ناقص از اشعار کتیبه پیدا شد و از جمله اشعار مزبور یکی این است .

بکام تو بادا همه کار تو خداوند بادا نگهدار تو

خلاصه معمار مخصوصی از شهر احضار شد که به قاعده معماری و بنائی ، اطراف تپه را خالی کند تا چه معلوم گردد . بعد از آنکه یکماه تقریباً در این محل کار کردند و دو ثلث از تپه را از خاک و آجر پاره‌های خراب شده پاک و مستخلص ساختند . معلوم و محقق شد که این عمارت تفرجگاه و محل نزهت و تفریح بسوده و ملکهای رویان و رستم‌دار آن را به جهت بیلاق خود بنا کرده‌اند .

وضع این عمارت آنچه خود نگارنده رفته و به رای العین و تحقیق دید ، دو مرتبه بوده پائین مشتمل بر چهار صفا و چهار راهرو ، در چهار ضلع و یک گنبد بزرگی در وسط عرض صفه‌های پائین سه ذرع و طول دو صفا چهار ذرع و طول دو صفا دیگر هشت ذرع و چهار درگاه که به دالانهای کوچک باز میشده مدخل و مخرج این حوضخانه بوده که هر دالانی اطاقی سه ذرع در سه ذرع به نظر می آید و از سمت شرق پله میخورد و به مرتبه فوقانی میرفته است .

مرتبه فوقانی عمارت مثنی بوده و دور مرتبه فوقانی ، از آثار آجری که هنوز مفروش است . و هره‌ای که دور فرش آجری باقی میباشد . معلوم میگردد که ایوانسی

بوده است و زلزله شدیدی شده ، سقف مرتبه فوقانی را که طاق بوده ، خراب کرده روی سقف حوضخانه ریخته آنهم خراب شده و کم کم به واسطه عدم توجه و مراقبت رو به انهدام نهاده است .

در وسط حوضخانه حوضی مربع مستطیل به نظر می آید . این عمارت بسیار عالی و اطراف آن یقیناً " باغ بزرگی بوده زیرا که در اصل وسط جلگه لار واقع شده است . شخصی که این عمارت را بنا کرده چون در آن اوقات اسلحه آتشی از قبیل توپ و تفنگ در این حدود معمول نبوده و فقط سلاحی که برای جنگ از دور بکار می بردند تیر و کمان و فلاخن بود ، در بنای عمارت ملاحظه شده که از اسلحه دور انداز معموله آن وقت محفوظ باشد و پیدا است که مثل فلاخن و تیر و کمان بهیچوجه از مسافت بعیده که کوههای اطراف لار میباشد به این عمارت نمی توانسته است رسید .

خلاصه از دره قوشخانه ، آب به اطراف این عمارت و جلگه می آورده اند چنانکه آثار نهر قدیمی آن در بعضی جاها که به دقت ملاحظه نمایند بخوبی نمایان و پیدا است . در سمت جنوب تپه مزبور به فاصله بیست ذرع ، یک تپه کوچکی که بعضی آجر شکسته و مصالح کهنه دارد ، به نظر می آید و احتمال کلی می رود که آن تپه کوچک عمارتی بوده از متعلقات این قصر ، تیر بفاصله صد ذرع به طرف جنوب شرقی ، به همین فاصله طرف جنوب غربی ، زمین پست و بلند و مصالح کهنه و پاره های آجر زیاد ریخته است و ظن غالب این است که عمارت اندرونی با بیوتات عمده خانه بانی قصر خوشی خانه بوده است .

این قصر از حیث مکان در بهترین نقاط لار واقع شده است . کاشیهای که از حیث وضع و لون خیلی مختلف میباشد و نقشهای بسیار عجیب و غریب بسیار ممتاز و گچ بریهای بسیار خوب که در گچ بری به خط کوفی عبارات و خطوط در آورده بود ، دیده شده - در یک قطعه کاشی آبی رنگ فیروزه به خط سثلث بر جسته لفظ (( ملکی )) خوانده میشود . اما بقیه کاشی شکسته و مفقود بود ، تاریخ مختصری که مشکوک است که آیا تاریخ است یا نقش و بنه ، در این کاشیها

مشهود میشود و چون کاشی شکسته بود ، تحقیق آن صورت تعذر داشت .  
 به رقم هندسی يك هشت که نوك مثلث آن بریده و دو رقم دیگر که بالای آنها هم  
 بریده که هشتصد و پانزده یا هشتصد و بیست و دو یا هشتصد و چهل و چهار یا چهل  
 و نه باشد ، از این قبیل به نظر می آمد و در صورتیکه نقش و گل و بته نباشد ارقام  
 اعداد باشد ، در هشتصد آن حرفی نیست و دو رقم دیگر مشکوک است .  
 اقوی دلیل بر اینکه خوشی خانه ، قصر معتبر و محل بیلاقی شخصی بزرگ بوده این  
 است که در هر قطعه کاشی که زیاده از اندازه کف دستکی نیست ، یکی دو نخسود  
 طلای بسیار ممتاز آبی بطور تذهیب به این کاشی چسبیده که حالا به اشاره دست  
 بخوبی آن ورق طلا ، از روی کاشی بر داشته میشود و این اوراق طلا در گل و بته های  
 کاشی در جایی استعمال شده که آن گل و بته را بر جسته و از روی کاشی سوا کرده  
 بوده اند و این طلاها را روی خطوط و گل و بته های بر جسته چسبانیده اند .  
 امتیاز کاشی کاری این محل هر چه نوشته شود کم است . علی الخصوص در تعریف  
 يك قسم کاشی که در قدیم معمول بوده با يك فلزی و يك قسم مینا کاری پخته  
 در کاشی میکرده اند . که در آفتاب و روشنائی سنگ پیر طاووسی داشته است .  
 این صنعت حالا در ایران متروک است و فرنگیها هر چه خواسته اند بفهمند درک  
 نکرده اند .  
 شخصی که پنجاه سال قبل با کمال دقت نقشه کار را بر داشته ، دره قوشخانه را دره  
 خوشخانه نوشته و باید این لفظ صحیح باشد چرا که آب این دره به این قصر می  
 آمده و دره منسوب به این قصر است . چنانکه در محاذاه قصر واقع شده و احتمال  
 بلکه یقین است که اسم عمارت خوشی خانه بوده و در تلفظ ( خوشخانه ) گفته اند  
 و کم کم به ( قوشخانه ) مشتبه گردیده و الا در این محل موقع قوشخانه نیست  
 علاوه بر اینکه در طبرستان و مازندران و این نواحی لغت ترکی کمتر استعمال  
 میشده و قوش لغت ترکی است . آجرهای عمارت خرابه های عمارت خرابه خوشخانه  
 به اندازه بیست و پنج سانتیمتر در بیست و پنج سانتیمتر است و قطر آن پنج

سانتیمتر میباشد.))

تیه نقاره خانه

بر سمت چپ آب رودخانه لار

رو بروی خرابه های قصر خوشی خانه تیه ای است که معروف به نقاره خانه میباشد. ظاهرا " این تیه نیز آثار بنا و ساختمان است  
نمد جوق

نمد جوق نهری است قدیمی که سر بند آن در رودخانه دلی چای است و در حدود ده کیلو متر از محل التقای رودخانه دلی چای با رودخانه لار فاصله دارد. میگویند برای اینکه آب در مسیر این جوی فرو نرود و هرز نشود، کف و بدنه جوی را با نمد فرش کرده بوده اند. این نهر بسیار قدیمی است، زیرا در حدود هفت کیلو متر که از مصب آن دور شدیم بر طرف دست راست به بندی بر می خوریم که کتیبه ای بسه درازای ۱۱۰ و پهنای ۸۰ سانتیمتر بر سینه سنگی که مسلط بر نهر است کنده اند. متن کتیبه از میان رفته و ظاهرا " به عمد آنرا محو کرده اند. در سطر دوم کلمه سلطان و در سطر آخر کلمات (من شهور) کم و بیش خوانده می شود. هر گوشه، سمت راست یائین، خارج از متن کتیبه ((کتیبه محمود رستم داری)) روشن و واضح است. بی عیب و سالم ماندن نام کاتب نشان میدهد که متن را باید به عللی از میان برده باشند. در حدود دو کیلو متر از این بند به طرف سر بند نهر که پیش رفتیم به بند دیگری از کوه میرسیم که برای نهر نمد جوق، مسیری در دل سنگ کنده اند. این مسیر به درازای ده متر و پهنای ۸۰ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است بر سنگهای طرف دست راست این بند علائم و خطوط کوفی قدیم دیده شد. یکی از کتیبه ها به ابعاد ۵۰x۷۰ سانتیمتر بود. این نوشته نظیر سنگ نوشته های آزوی نوا، ظاهرا " یادگار گروهی است که نشانی مخصوص داشته اند. تا سر بند آب نهر نمد جوق از تند آبهای دلی چای جدا میشود پیش رفتیم و نشانی از کتیبه های دختر زردشتی



و عباسقلی خان لاریجانی امیر مکرّم نیافتیم . (۷۳)

در میان ساکنان پلور و واسک معروف است که نهر نمذ جوق را دختری زردشتی ساخته و کتیبه‌ای در سر بند نوشته است که این کار عظیم و شگرفی بود که زنی انجام داد و پس از این مردی که قدرت تعمیر کردن این نهر را هم داشته باشد پیدا نخواهد شد . عباسقلی خان لاریجانی امیر مکرّم که از مطالب چنین کتیبه‌ای با خبر میشود کمر به تعمیر و مرمت این نهر می‌بندد و آب را به اراضی مزروعی نیک و سنگ چین میرساند و بر کتیبه‌ای میان نیک و داربند می‌نویسد :

(( دختر آتش پرست باد پیمانما را بسگو  
خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد به جو  
عباسقلی لاریجانی ))

نهر نمذ جوق بر سمت چپ رودخانه دلی چای است و در حدود سه کیلو متری محلل التقای آن با رودخانه لار به دو شعبه تقسیم شده است . شعبه‌ای به اراضی نیک و شعبه دیگر به اراضی سنگ چین می‌آمده است در اراضی سنگ چین فعلاً بناهایی برای سد سازی ساخته‌اند . رودخانه دلی چای از جنوب شرقی دماوند کوه از چشمه (اکلوم) سر چشمه میگردد و سر بند نمذ جوق بنام ( سر بند تاریخ ) مشهور است از این سر بند نهر دیگر بر سمت راست دلی چای کنده‌اند که آب آن برای اراضی مزروعی ( نمک کوسر ) و ( دنیک ) می‌رفته است .

دهکده‌ای قدیمی در اراضی سنگ چین و نمک کوسر لار . در دو کیلو متری مصب دلی چای ، بر دو طرف این رود ، آثار دهکده‌ای قدیمی وجود دارد . اراضی کشت سنگ چین و نمک کوسر متعلق به این آبادی بوده است ، سنگ فراوانی در تپه‌ای بابعاد پانصد در سیصد متر در دو طرف دلی چای محل این آبادی بوده است . و سفال فراوان بی لعاب در اطراف این سنگها است ، سه چهار پاره سفال لعاب دار به رنگ آبی آسمانی و نیلی دیده شد . دو پاره از سفالها در دو طرف لعاب داشتند . (۷۴)

## آبادی و گورستانی قدیمی در یوردالرم

در یوردالرم با لای قهوه خانه گزل (۷۵) در کنار رودخانه لار آثار سنگچین زیادی است . که خانه‌های دهکده قدیمی بوده است . در نزدیکی این سنگچین هلسا ، گورستانی قدیمی است . هیچگونه نوشته‌ای در این گورستان وجود ندارد .

## آثار تاریخی در دهنه دره لار از مضافات بالا لاریجان

در دهنه این دره آثار قدیمی پیدا شده ، و بعضی جاهای آنرا پنج سال قبل حفر کرده‌اند ، شمعدان چدنی کار قدیم و بعضی اسباب دیگر بیرون آمد . (۷۶) .

## ملوک‌گاو باره یا بادوسپانان

در عهد کسری یزدگرد این شهریار آخرین پادشاه ساسانی گیل بن گیلان شاه بن فیروز که از بنی اعمام کسری بود به حکومت طبرستان موفق شد و او در طبرستان به لقب گساو بار اشتهار یافت و به پادشاهی طبرستان گیلانات را ضیه نمود. او در سال ۴۰ هجری فوت نمود. از او دو پسر ماند بنام دابویه و بادوسپان

سلسله اول آل دابویه و سلسله دوم به بادوسپانان معروف گردیدند. ملوک‌گاو بادوسپانان شعبه بزرگ‌گاو باره و از سلسله پادشاهان طبرستان میباشند.

ابتدای حکومت سلسله مزبور از سال ۴۰ هجری و قلمرو و حکمرانی آنان رستم‌دار رویان نور، کجور، لاریجان بوده است. رئیس این سلسله بادوسپان پسر دوم گاو باره است. او لاد او تا دیری حکومت را در عهده داشتند کوهستان تا حدود دیلمستان همیشه در تصرف حکومت آل بادوسپان بود.

در عهد صفویه این سلسله منقرض گردید. مدت حکومت بادوسپانان از ۴۰ هجری تا عهد عهد شاه عباس اول صفوی در حدود یک هزار سال بوده است. در سال ۸۵۷ هجری سلسله بادوسپانان دو شعبه شدند:

شعبه بادوسپانان کجور ، شعبه بادوسپانان نور و لاریجان

ن  
(بادوسپانان (۷۷) به زبان پهلوی مشتق از پیاد (( پیاد - پات ویت )) به معنی بزرگ‌خانما و رئیس‌گروه و منت و کس یاوس بخشی از کشور و سر زمین بان‌نکیان باشد.)

(در زمان اردشیر سر سلسله ساسانی (۷۸) کشور به ۵ قسمت تقسیم شده بود و در هر یکی از این پنج قسمت مملکت دو قدرت و قوه کامل از طرف سلطنت مرکزی معین و برقرار میگشت یکی موسوم به اسپهبد که آنها ریاست قشون ایالت را داشتند و قوه دیگر حکمرانی کشوری که صاحب این قوه ملقب به بادوسپان بود و معنی بادوسپان فرمانفرماست و بادوسپانها از عمل قشونی گذشته تمام مهام ملکی را در تحت اختیار خود داشتند.

حکام آل با دوسپان (۷۹) نخست لقب اسپهبد و بعد استبداد که میگویند به معنی (حاکم کوهستانات) بود داشتند با اخره همه آنها لقب ملك را در اول اسم خود قرار دادند.

شعبه بادوسپانان نور و لاریجان

۱- ملك كاوس پسر كيومرث	۱۵ سال	۸۵۸ هجری	۸۷۲ هجری
۲- ملك جهانگیر پسر كاوس	۲۲ سال	۸۷۲ هجری	۹۰۴ هجری
۳- ملك بهمن اول	چند ماه	۴۰۹ هجری	۹۰۴ هجری
۴- ملك بیستون پسر جهانگیر	۹ سال	۹۰۴ هجری	۹۱۲ هجری
۵- بهمن دوم پسر بیستون	۳۹ سال	۹۱۳ هجری	۹۵۲ هجری
۶- بهمن سوم	—	۹۵۲ هجری	۹۵۲ هجری
۷- ملك كيومرث پسر بهمن	—	۹۷۳ هجری	—
۸- ملك اویس	۲ سال	۹۷۳	۹۷۵

از این تاریخ صفویه تسلط یافتند.

حکام صفویه ۲۸ سال ۹۷۵ ۱۰۰۳

بعد باز بادوسپانان مسلط شدند.

بهمن چهارم ۲ سال ۱۰۰۳ هجری ۱۰۰۵ هجری

در اوایل سلطنت (۸۰) شاه عباس اول صفوی بادوسپانان در سه بخش حکومت میکردند ملك بهمن در لاریجان ، ملك جهانگیر در کجور و ملك جهانگیر دیگر در

تاریخ اور جغرافیہ کے مطالعے سے ہمیں اپنے ممالک کی تاریخ اور جغرافیہ کے بارے میں معلومات ملتی ہے۔ یہ معلومات ہمیں اپنے ممالک کی ترقی اور ترقی کے لیے بہتر حکمت عملی بنانے میں مدد دیتی ہے۔

سائنس اور سماج کی تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے، براہ کرم [www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info) پر ملاحظہ کریں۔

یہ سائنس اور سماج کی تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے بہترین ذرائع ہیں۔

تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے

تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے
تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے	تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے

تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے، براہ کرم [www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info) پر ملاحظہ کریں۔

یہ سائنس اور سماج کی تعلیمی اہمیت کے بارے میں مزید جاننے کے لیے بہترین ذرائع ہیں۔

بطوریکه صاحب التدوین به نقل از عالم آرای عباسی مینویسد ، در موقعی که شاه عباس به بیلاق لار آمد ملک جهانگیر نور بدرگاه شاه عباس آمد ملازمت اختیار کرد ، والی نور الکای خود را پیش کش کرد و حسب الاستدعا محلی در ساوه به او دادند و در همانجا مرد .

ملک جهانگیر کجور در سلك ملازمان مقرب در آمد و ملك پدر را در تصرف داشت تا پس از کشته شدن ملك بهمن بدست فرهاد خان در سال ۱۰۰۵ ملک جهانگیر وحشت نمود و از دربار شاهی فرار کرد و به قلعه مارانکوه کجور پناه برد ولی قورچیان آن قلعه را محاصره کردند و پس از چهار ماه جهانگیر فرار کرد و مدتی در بیشه و جنگل ها متواری می زیست تا عاقبت دستگیر و کشته شد .

قشون شاه عباس در سال ۱۰۰۲ بخشهای تنکابن را تصرف نمود و سادات تنکابنسی را منقرض ساخته و متوجه مازندران شدند سال ۱۰۰۵ هجری که سال دهم جلوس شاه عباس است سه نفر در مازندران حکومت یافته بودند . سید مظفر مرتضائی ، الوند دیو از طایفه دیوان و ملک بهمن لارجانی ، که خدمت شایسته به پادشاه صفوی نمی نمودند . شاه عباس فرهاد خان سردار را خواست و گفت مازندران ملك طلق خاصه موروثی من است چرا در دست دیگران باشد باید آن ولایت ضبط گردد .

فرهاد خان با لشگری آراسته به مازندران رفت و امراء را با نقیاد دعوت کرد . سید مظفر مرتضائی نزد فرهاد خان رفت و اظهار انقیاد نمود و همراه او بسسه قزوین رفت و مورد عنایت واقع شد و مجدداً " برای راهنمایی فرهاد خان در تصرف قلعه آمل همراه بود ولی چون توقف در پای قلعه آمل بطول انجامید سید مظفر از اردو فرار کرد و به ساری رفت و در قلعه از دار گله آماده دفاع شد . فرهاد خان پس از تصرف قلعه آمل و تعیین حاکم آنجا متوجه ساری شد سید مظفر نرسید و از قلعه خارج شد و در جنگل ها متواری گردید و پس از چندی بواسطه اعتیاد به تریاک به اسپهال مبتلا" گشته و در گذشت .

بعد از این واقعه فرهاد خان برادر خود را در مازندران گذاشت و خود برای عری

گزارش به درگاه شاه عباس رفت اما الوند از شنیدن خبر مرگ سید مظفر به تصور اینکه او را کشتند بر بی اعتمادی او افزوده شد و ملک بهمن لاریجان او را اغوای بعدم اطاعت می نمود و شاه عباس دانست تا ملک بهمن دفع نشود مازندران به تصرف در نخواهد آمد لاجرم فرهاد خان را بر سر افرستادند و او در سال ۱۰۰۵ قلعنسه لاریجان را تسخیر کرد و ملک بهمن را به قتل آورد و دولت آن سلسله سپری شد و لاریجان به تبول حاکم قزلباش در آمد.

### بزرگان لاریجان

فضل بن مرزبان ۲۵۲ هجری ، سهل بن المرزبان در لاریجان مستقر بود در سر زمین خود که پیش از وی چه در زمستان و چه تابستان قابل عبور نبود جاده ساخت . ابواسحق بن المرزبان بیشتر راهها و پلهای تبرستان و رویان را به هزینه خود ساخت ، محمد بن فضل ، عبدالله بن حسین بن سهل معروف به تاجی دویر .

اسپهبد پرویز نواده اسپهبد رستم بن شروین قارن در سنه ۲۸۷ امیر لاریجان بود . ابوالحسن مرزبان لاریجانی در سنه ۵۱۲ هجری فرزندی داشت موسوم به شیرزاد امیر با حرب گرمابه رود ۵۱۲ منوچهر مرزبان لار ، بنیان همدوره ، اسپهبد شاه غازی رستم ، با حرب بن منوچهر که پسری یکساله از او مانده بود موسوم به کینخلوار و اسپهبد علاءالدوله حسن ۵۵۸ - ۵۶۷ که داعی کینخلوار بود لاریجان را تصاحب کرد . ابو جعفر آسرب ، حز و فرمانروایان مازندران ذکر نموده که اسفارین شرویه لاریجانی و از قبیله ورداوند که در سال (۳۱۹ هـ) او را سر بریدند .

### تاجی دویر

عبدالله بن الحسین بن سهل المعروف به تاجی دویر .

(یکانه روزگار خویش بود هر سال دویست هزار درینار محصول ضیاع او میگویند)

اصحاب مجلس اسپهبد پیش او شدند به نقلانه ، ، بخلاف صره های زر ، پانصد تا جامه ابریشمین بخشید و بیست هزار دینار بر املاک چک نشت . وقتی اسپهبد بادوسپان که مخدوم او بود با شکار شد ، متظلمان بر او افتادند گفت شما طلب کدام کس میکنید ، گفتند طلب اسپهبد تا حال خویش عرض داریم گفت اگر آن اسپهبد می باید که پادشاه و حاکم است و مال و غلامان و حشم و موکب دارد و حشمت و عیش خوش به آمل تاجی دویر است و اگر آن میجوئید که شب و روز با باز و سگ باشد منم (۸۱) .

لشکر بردن اسپهبد شاه غازی رستم به لارجان به خصوصت منوچهر مرزبان . شاه غازی را با منوچهر لارجان خصوصت در میان آمد و از آرم لشکر بر داشت و براه انجدان و آبدان کوه تاخت برد و براه پرده در آمد . منوچهر را خبر کردند پیش باز آمد و با او حرب کرد و او را منهزم ساخت و هزیمت برو افتاد و نوکران شاه غازی بسیار به قتل آمدند . چون بانهزام به آرم به خانه خود رفت حرم او که عم زاده او بود گفت ای بی حمییت از گل و زاگ فروش لار جانیک گریخته به خانه من آئی ، چگونه باوند باشی و به خانه من چکار داری ، اسپهبد گفت ای دختر عم راست میگوئی و باز گشت و گفت اگر این عیب را به هنر مبدل سازم به خانه تو بیایم و لا آنچه تو میگوئی حق بطرف تست و به تلار پی رفت و لشکر جمع کرد و تا کهرود تاخت بر دو جمله آن ولایت را خراب ساخت و رز باغ را فرمود به چیدند و چهار صد مرد لارجانی را به فرمود بگرفتند و گردن زدند .

سبب این خصوصت این بود که به شاه غازی چنان رساندند که روزی منوچهر پرسیده باشد به لفظ مازندران که ( شال مازرون کو ) یعنی شغال مازندران کجاست بعد از آن چون شاه غازی به عراق به حضرت سلطان پیوست و منوچهر نیز آنجا بود وسیله امرای دیوان بین او و شاه غازی صلح شد .

( شاه غازی گفت اکنون رصد از ذره بن بر گیرد . قرار بود بهر ده من یاریک من باج گیرند و بدعتی بد بود مردم همه منوچهر را گفتند حق بدست اصفهبد است میسان



ایشان بر این قرار دادند و تا دولت باوند بود هرگز بدان موضع و به هیچ در بنسند دیگر باج نگرفتند .

### کشتن یا جرب پدر خود منوچهر مرزبان لاریجان را .

با حرب که پسر منوچهر مرزبان لاریجان بود پدر و برادران را بکشت و آن قصه چنان بود که منوچهر را چون به واسطه قرابت ملک شاه غازی رستم کار به نظام رسید و مراتب او بیفزود ، او خود پادشاهی سخت عاقل و کافی بود در آن زمان قلعه که رود را که اکنون کارو میخوانند چنان معمور و آبادان داشته بود که از هند و مصر و شام انواع اصناف مردم آمده آنجا نشسته بودند و عمارتهای عالی کرده بود و چیزها ساخته که تا کسی نه بیند باور ندارد و بدان طرف به عمسارت و تجارت ، بدان مال جمع کرده که هیچ پادشاهی را در آن عهد نبود .

او را هیجده پسر بود مهتر از همه پسران با حرب بود . متهوری ، بی دینی که پدر از او خشنود نبود و از اقبال ذمیمه و اخلاق نا بسامان او همیشه دلتننگ بودی و از این سبب او را از خود دور داشتی پسر دیگر را که از همه کوچکتر بود ولیعهد خود ساخت . با حرب یک نوبت پکهرود از پدر بگریخت چون به بند شتیوه رسید کسان پدر سر راه او گرفته بودند و آب هرزه پر بوده است خویشان را با اسب در جوی هرزه افکند که اگر کوه در آنجا افتد از هم بشود موکلان طریق و مردمسان پدر او را مرده انگاشتند ، عنان باز گردانیده ، او در میان آب از اسب جدا شد ، زنده بیرون رفت و بقدرت ایزدی اسب نیز سلامت از آن آب پیش او بیرون آمد .

فی الجمله بزرگان ولایت با حرب را به نزد پدر بردند و التماس عفو ز لات او کردند پدر التماس اصحاب را مبذول داشت . روزی از روزهای ماه رمضان از پدر اجازت خواست که برادران را مهمانی خواهم بکنم پدر اجازت فرمود برادران را به خانه خود طلبید و چون شب در آمد و روزه بگشودند و طعام بخوردند به جامه خواب رفتند و آسایش کردند با نوکران سلاح گرفته به خانه در آمد و مجموع برادران را به کشت و هیچ آفریده را از این حال معلوم نبود چون روز شد پدر از حمام بیرون آمده بسود

و در سلح نشسته بود و امیر همام پریم و امیر دابو پیش او نشسته ، با حرب در آمد  
و با گرز گران بر سر پدر زد و بکشت و مجموع سرهای برادران و پدر را در صحرا  
انداخت و آواز داد که من این حرکت به اجازت و رخصت شاه مازندران کس مردم  
تا مردم با او خطاب نکنند . و قاصدی را نزد شاه غازی رستم فرستاد . پس از مرگ  
شاه غازی در زمان حکومت علاء الدوله حسن بن رستم ( شاه غازی ) مردم لاریجان از  
ظلم و ستم با حرب بستوه آمده بودند اتفاقاً " در نخجیر حوالی لار غلامان او را خالی  
یافتند و از اسب شیب آوردند دست و پای او را بریدند . و بگریختند و رفتند .  
با حرب را پسری بود یکساله بنام کینخوار . امیر علی لارجا بی کسی که سپهسا  
لار پدر او بود کینخوار را بی کسی پادشاهی نشاند و گفت  
من اتابکی خواهم کرد ، علاء الدوله چون از این حال با خبر شد قاصد نزد امیر  
علی فرستاد که تو در این میانه چه هستی ؟ پسر با حرب خواهر زاده من است  
ولایت را من ضبط میکنم تا چون پسر بزرگ شود بدو سپارم .  
چون امیر علی این سخن بشنید جمله خزاین و دقاین را که بود بر داشت و به ری رفت  
به خدمت اتابک ایلدگز پیوست و مردم لاریجان بخدمت علاء الدوله حسن آمدند و قلعه  
ها را بسپردند و جهت باز ماندگان منوچهر و ظایف پدید کرد .  
بعد از علاء الدوله پسرش حسام الدوله اردشیر بجای پدر نشست که سرداری لاریجان را  
به اصفهید ابو جعفر اسرب بخشید .  
گفتار در فتح قلعه کارود و لوندرو نسق آن دیار .

چون خاطر مبارك (۸۲) از ضبط و نسق لار و قصران و طالقان و لواسان و آن بلاد فراغت یافت متوجه لاریجان گشتند و تا در آن حین لاریجان به تصرف کیا حسن کیای ضماندار بود و ولایت نمارستاق ، دیلارستاق و قلعه کارود و نیز نیسه رستاق همیشه تعلق به حکام مازندران داشته است و بعد از قتل ملك فخرالدوله حسن ملوک رستمندار و ولایت مذکوره را به تحت تصرف خود در آورده بودند و قلعه کارود هم به تصرف کونوا لان ایشان بود چون فتح قلاع رستمندار واقع گشت و عزم تسخیر لاریجان و سایر بقاع مذکوره کردند . اول به پای قلعه کارود تشریف ارزانی داشتند چون اهالی و ولایت نمارستاق و ترتیه رستاق و اصحاب قلعه دیدند و دانستند که به جز اطاعت چاره نیست باتفاق به خدمت رسیدند و اظهار عبودیت و چاکری کردند و کوتوال قلعه کلید را بیرون فرستاد و التماس اموال و دماء خود و ساکنان قلعه نمود و در مقام فرمان بر داری در آمد .

حضرت جهت ولایت داروغه قابل معین گردانیدند و کوتوال قلعه را همان داده آنچه از آن اصحاب قلعه بود بدیشان مسلم داشتند و سایر چیزهای دیوانی را فرمودند تا ضبط کرده بیرون آوردند و قلعه را بگرفتند (۸۳) و ویران کردند همچنان نسا عصر ملك کیومرث مرحوم ویران بود بعد از آن آبدان ساختند و اکنون معمور و آبدان است . و متوجه تسخیر لاریجان و قلعه لوندر گشتند .

کیا حسن کیای ضماندار به قلعه متحصن شد و بنیاد عناد و تمرد و مطلقا نصیحت قبول نکرد اما مردم لاریجان را به عطا یا و موهبات فریفته گردانید و اکثر تابع

و فرمانبردار گشتند و برابر قلعه لوند در موقع رینه قلعه دیگر بنیاد کردند و به زمان اندک به اتمام رسانیدند و چند نفر از موافقان دولت خود را با سردار - نیک یاز گذاشتند و به قلعه و قمع جمیع لارجانی که موافق کیا حسن کیا بودند - کپردند و سر انجام این قلعه و قلعه لار گشوده شدند که در بخش قلاع شرح آن داده شد.

### آمدن شاه اسمعیل صفوی بلارجان

چون قبل از این نواب گیتی ستان از استماع جرمت رستم روز افزون در حق ولسی نعمت آنکه دم از ولای شیبک خان اوزبک می زند ، تقار خاطر از مردم مازندران داشته ، چون به شکار لار و کوهستان آن حدود رسید و در یابوک (۸۴) که موضعی بود نزدیک به ولایت لارجان که میان چهار کوه آب جمع شده و ماهی بسیار داشت به قصد شکار ماهی به آنجا نزول اجلال نموده ، فرمان همایون شرف صدور یافت که یک طرف دریاوک که بطرف آمل است شکافته هم آب نموده آب به آن عظمت را در آن ممر انداخته آن دریا را خالی کردند و به شکار ماهی اشتغال نموده چندان ماهی صید نمودند که تل ماهی به ماه رسیده بود . معلوم است که دریسایی که چندین سال که ابتدای او را عالم الغیب میداد خالی نمیشود . ماهی آنجا را که لشکر عظیم صیاد باشند از حیزاحصی بیرون است . غرض آب دریا از آنجا منوجه آمل شد نصف شب به آمل رسید و جمیع شهر را فرو گرفت ، خراب و ویران ساخته ، خلق انبوه غرق بحر بلا شدند تا بحر قلزم هیچ جا قرار نگرفت همه خلق را طمع ماهیان دریا نمود . گویا قضا تلافی آن ماهیان را و آن مردم در این جا به عمل آورد . آمل از آن جهت خراب بود . چون نواب همایون از سیر و شکار پرداخت روانه خراسان شد . سنه سته و تسعمائه صاحبقران گیتی ستان - شاه اسمعیل به عزم تسخیر خراسان عزیمت نمود .

## ملک بهمن و لارجان

ملک بهمن که آخرین بازماندگان ملک کیومرث بن بیستون بن گسنتهم زیار است مردی سر سخت بوده و در برابر شاه عباس ایستادگی نمود بر خویشاوند خود برادر ملک حسین لواسانی به گناه رفتن نزد شاه و نفاق، شبانه شبیخون زد و او را بدست آورده بکشت و فرزندانش را با سیری گرفته به لار جان برد و شکنجه و آزار کرده شاه عباس چون آگاه شد اسیران را از ملک بهمن خواست این فرمانروا بجای اینکه اطاعت کند سرکشی و نافرمانی کرد. شاه صفوی یکایک به رفتاری و دشمنیهای او را در دل گرفت تا فرهاد خان را در گرفتن او فرمان داد فرهاد خان به فرمان شاه توپچیان و تفنگداران و هر چه را که در گشودن دژ کار گر بود با خود همسراه کرده رهسپار لارجان گردید و در آنجا به چرب زبانی ایل و تبار امیری را با خود یار گردانید و این دسته از نیرومندترین سپاه ملک بهمن بودند. نامبرده از دژ و ناسازگاری ایشان از جان نا امید شد زیرا اینها دزد خانگی بودند که راه و نشان دژ را بخوبی میدانستند و از همه چیز آگاهی داشتند از اینرو سخت رنجید و بزرگد ایشان وردان امیر نام را که ریش سفید ایل بود بکشت. این رفتار خشن تبار امیری را بیشتر خشمگین نموده و ادار کرد که به فرهاد خان بیش از اندازه کمک کنند. یازی فرهاد خان با سپاه گران و توپهای دژ شکن به همراه بومیان بزیر دژ رسید، ملک بهمن چون گشوده شدن دژ را نزدیک دید از جان دست کشید و برای آنکه شایند بتواند خود و خانواده خود را از آسیب مرگبرهاند با پیمان و سوگند فرهاد خان از دژ فرود آمد. سردار قزلباش او را به اصفهان برده به پیشگاه معرفی نمود شاه عباس چون او را دید رفتار ناروایش را یکایک به چشمش کشید و بی تا چندی بکشتنش فرمان نداد زیرا فرهاد خان با سوگند او را زنهار داده بود ملک بهمن روزها بنا بفرمان در خانه آن سردار بود تا آنکه شاه در آغاز نوروز سال یکهزار و

شش هجری قمری هنگامی که از اصفهان آهنگ قزوین کرد نامبرده را به کاخ نو ساخت خواست و پس از حضور او را بدست سلطان حسین لواسانی داده که بخون بردارش کیفر دهد.

در میان فرزندان ملك بهمن پسر ارشاد و ملك كيخسرو در سن ۱۷ سالگی بود با برادران و اهل بیت در قلعه دشمنکور (۸۵) بودند. او خزاین و دفاثن خود را به آنجا نقل نموده ملك بهمن اعتقاد داشت که تا آن قلعه در دست او و اولاد او باشد آسیبی به او نخواهد رسید. اما ملك كيخسرو بعد از واقعه پدر از غضب پادشاهی اندیشید با چند تن از ریش سفیدان آن سلسله بدرگاه جهان پناه آمد محمد بيك بيگدلی که از طایفه شاملو بود به ضبط املاك ملك بهمن و بدست آوردن قلاع و فرزندان او مامور گردید. قلعه لاریجان و دشمنکور را که در حضانت و محکمی شهره آفاق است. ضبط نموده با اتباع و فرزندان بدار السطنه قزوین آورد که بدستور شاه عباس به ملك حسین لواسانی سپردند. و لاریجان به تیول حاکم قزلباش در آمد.

**وضع حکومت لاریجان از دوره صفویه تا پایان قاجاریه.**

فریزر در سفر نامه خود می نویسد ( فریزر در سال ۱۸۳۱ میلادی برابر ۱۲۳۷ ه. ق به ایران مسافرت کرده است ) مازندرانی ها سربازانی دلیر و تیراندازی ماهرند و از جمله سپاهیان معتمد و موثق هستند که شاه فعلی ( منظور فتحعلی شاه ) و عموی او مرحوم آغا محمد خان در هنگام رویارویی با خطر واقعی در میان قراچوقی ها یا سیاه جامگان لاریجان می خوابید و شاه آنان را پیراهن تن شاه میخواند.

به استناد نوشته لرد گوزن انگلیسی در سالهای آخر پادشاهی ناصرالدین شاه مجموع سپاه ایران طبق مندرجات دفاتر جنگ آن زمان دو بیست هزار نفر بود.

فوج از ده دسته تشکیل میشد و هر دسته یکصد نفر بودند ولی بعدها هر فوج به هفتصد نفر هم رسید. صاحبمنصبان فوج عبارت بودند از يك سر تیب و يك سرهنگ و ده نایب دوم و ده نمایند و يك وکیل باشی و يك موزیگانچی باشی و چهار سر

جوخه و هشت ده باشی • قشون ایران به ده تومان و به چند فوج تقسیم شده بود • سپاه لاریجانی فوج ۳- تومان ۵ بود • به استناد جلد پنجم نامه دانشوران تالیف محمد مهدی شمس العلماء مازندران چند دسته نظامیان سواره داشته است که فوج شماره ۴۴ لاریجان خانبا یا خان سر تیپ و محمد خان اعظام الدوله سر تیپ ، ابراهیم خان سرهنگ ، فرج الله خان ، صاحب منصبان جزء ۲۸ نفر بوده است • ناصرالدین شاه در روزنامه سفر مازندران از محمد آقا بیک یاور لاریجانی بهرستاقی که یکصد و پنجاه نفر سر باز در جزء و فوج لاریجان دارد ذکر نمود • اعتمادالسطنه در روزنامه خاطرات خود مینویسد :

(( در ذی القعدة ۱۳۰۷ فوج لاریجان به سیف الملک شوریده بودند • درب سرباز خانه را بسته بودند پسر عباسقلی خان لاریجانی که برادرزن سیف الملک و سر تیپ فوج است او را نجات داد نتیجه این عمل این شد که فوج لاریجان را از سیف الملک گرفتند ))

### جنگ آغا محمد خان (۸۶)

#### در لاریجان

در سال ۱۱۹۴ که علی مراد خان زند حاکم تهران بود دو تن از امرای لاریجانی بنام محمد قلیخان سفید و دیگری بنام محمد قلیخان سیاه وارد تهران شدند و نزد علی مرادخان زند رفتند و او را پرسیدند آیا اطلاع داری که آغا محمد خان قاجار در مازندران مشغول چکارها میباشد •

علیمرادخان پرسید چه میکند ؟ دو محمد قلیخان گفتند که او مشغول است کسسه تمام امرای مازندران را اطراف خود گرد بیاورد و بعد از آنکه امرای مازندران اطرافش گرد آمدند آن قدر نیرومند خواهد شد که دیگر زور پادشاه زند به او نخواهد رسید • خاصه آنکه در استرآباد هم طرفدار دارد و اگر پادشاه زند میخواهد از خطر آغا محمد خان قاجار در امان باشد باید قیل از اینکه این مرد نیرومند تر شود او را نابود نمایند •

علیمراد خان زند پرسید آیا میگوئید که من به مازندران بروم و آغا محمد خان را دستگیر کنم دو محمد قلیخان گفتند هر چه زود تر اینکار انجام بگیرد بهتر است. علیمراد خان پرسید شما برای چه علاقه دارید که آغا محمد خان از بین برود آندو جواب دادند برای اینکه از روزی که محمد حسن خان اشاقه باش (پسر آغا محمد خان) زنده بود هر آسیب و ضرر که به ما رسیده از طرف محمد حسین خان یا پسرش جهانسوز بوده است. و ما میدانیم که آغا محمد خان قاجار چشم طمع به لارجان دوخته و قصد دارد که آنجا را تصرف کند و املاک ساکنین لارجان را به تصرف در آورد اگر آغا محمد خان نابود شود ما نابود خواهیم شد. علیمراد خان زند پرسید از کجا معلوم که آغا محمد خان قاجار در صدد بر آید مثل برادر و پدرش به شما آسیب برساند. دو محمد قلیخان گفتند چه دلیلی واضح تر از اینکه آغا محمد خان قاجار یکماه قبل در ساری گفت که لارجان ملک موروثی ماست و باید بما یعنی فرزندان محمد حسن خان برسد و ما میدانیم که این مرد خواجه و لثیم که از فرط لثامت نان خود را با ترازو میکشد که مبادا يك لقمه زیادتیر بخورد و ضرر کند بطور حتم لارجان را تصرف و املاک ما و دیگران را ضبط خواهد نمود.

علیمراد خان زند گفت من تصدیق میکنم که اگر آغا محمد خان نیرومند شود و املاک شما در لارجان در معرض خطر قرار خواهد گرفت دو محمد قلیخان گفتند شما تصور میکنید که بعد از قوی شدن آغا محمد خان فقط لارجان دچار خطرات میشود بلکه منطقه حکمرانی شما هم دچار خطر خواهد شد مگر نشنیدید که قبل از اینکه تهران برود گفت وی باید این شهر را پایتخت خود بکند.

علیمراد خان گفت جنگ با آغا محمد خان بهانه لازم دارد. آندو گفتند چه بهانه بهتر از اینکه آغا محمد خان قاجار مشغول جمع آوری قشون میباشد او قصد دارد - یاغی شود کسی که قصد طغیان نداشته باشد قشون گرد نمیاورد و سربازان خود را وادار به مشق نمینماید. اگر این مرد نمیخواست رو بروی پادشاه زنند بایستند از شیراز نمی گریخت و خود را به استرآباد نمی رساند.



علیمراد خان گفت من برای جنگ با آغا محمد خان باید از ابوالفتح شاه و زکی خان زند دائی خود اجازه بگیرم بدون موافقت آنها نمیتوانم به جنگ بروم چون جنگ با او خرج دارد و آن خرج باید به تصویب پادشاه زند و دائی من برسد ولی تا وصول جواب آنها نامه ای به آغا محمد خان مینویسم و از او دعوت میکنم به تهران بیاید و اگر دعوت مرا نپذیرفت معلوم میشود که قصد یا عیگری دارد. دو محمد قلیخان گفتند ما یقین داریم که او دعوت شما را نخواهد پذیرفت و به تهران نخواهد آمد.

خان زند نامه دیگری نیز نوشت آه آغا محمد خان به هیچکدام جواب نداد. ولی نامه شاه زند در مورد جنگ با آغا محمد خان رسید. علیمرادخان بعد از وصول دسنور جنگ با دو محمد قلیخان مشورت کرد که چگونه به جنگ آغا محمد خسان برود. آندو گفتند اگر شما سرباز و اسلحه و پول برای تهیه آذوقه، علیق بما بدهید ما بشما قول میدهیم که آغا محمد خان را کت بسته به تهران خواهیم آورد، یسا سرش را به اینجا میاوریم. علیمرادخان گفت دادن اسلحه و سرباز اشکال ندارد ولی دادن پول برای خرید آذوقه و علیق مشکل است. زیرا من پول ندارم. بعد از چانه زدن موافقت شد که دو محمد قلیخان چهل هزار تومان هزینه قشون کشی برای جنگ با آغا محمد خان کمک نمایند و بعد که خواجه قاجار شکست خورد معادل دویست هزار تومان از املاک خانواده آغا محمد خان را تصرف نمایند.

علیمراد خان فرماندهی قشون را به آندو محمد قلی واگذار کرد اما یکسری از صاحبمنصبان آزموده خود را نیز بعنوان مشاور به آندو فرستاد.

علیمرادخان گفت محمد قلی سفید فرمانده قشون و محمد قلی سیاه نایب او باشد و هر موقع که دچار اشکال شدند با مشاور جنگی که با آنها هست مشورت نمایند. **علیمراد خان زند شکست خورد.**

چند تن از مورخین دوره قاجاریه در ایران قشون علی مراد خان زند را که فرماندهی دو محمد قلیخان برای جنگ با آغا محمد خان برآه افتادند هشتاد هزار سرباز دانسته اند این رقم با توجه به قدرت مالی علی مراد خان اغراق بنظر میرسد.

علت ذکر این رقم مقرون به اغراق این بوده که شجاعت آغا محمد خان قاجار را به جلوه در آورند. و بگویند که آغا محمد خان توانست با نیروئی کسب قشون هشتاد هزار نفری علی مراد خان زند را سکشت بدهد. قشون علی مراد خان هنگامی که به سوی مازندران راه افتاد بیش از ده یا پانزده هزار سر باز نداشت. محمد قلی خان سفید تصمیم گرفت قشون را از تنگه‌ای به اسم عباس آباد عبور دهد. وقتی خبر قشون کشی علی مراد خان به آغا محمد خان رسید برادرش جعفر قلیخان را فرا خواند و او را به فرماندهی قشون خود انتخاب کرد تا جلوی قشون علی مراد خان را بگیرد. آغا محمد خان به او گفت در این فصل آب رودخانه کم است و تسو به آسانی میتوانی در همه جا از آن رودخانه عبور نمائی. آغا محمد خان گفت تو باید در تنگه عباس آباد با سر بازان خود پنهان شوی وقتی قشون علی مراد خان را دیدی بگذار سربازانش عبور کنند من میخواهم سربازان او در تنگه عباس آباد از بین برود برای اینکه شپه اسب توجه سرداران لارجانی را جلب نکند با خود اسب نبر. جعفر قلی خان گفت تنگه عباس آباد بقدر کافی درخت دارد که من میتوانم تمام سربازان را پشت درختها پنهان نمایم تا کسی ما را نبیند. دو سردار لارجانی بعد از اینکه وارد تنگه عباس آباد شدند نظری به اطراف انداختند و اثری از وجود جاندار ندیدند. و سر بازان هم بدون اینکه حدس بزنند ممکن است مورد حمله قرار بگیرند براه خود ادامه دادند. فقط يك افسر آزموده به اسم ابراهیم قره چمن (یعنی اهل قره چمن) به محمد قلی خان سفید گفت که ای سر-دار عبور از این جا بدون طلایه ممکن است خطر داشته باشد و من عقیده دارم که شما برائت احتیاطیک طلایه به جلو بفرستید. محمد قلی خان سفید گفت من اهل مازندران هستم و اینجا را بخوبی میشناسم.

سر بازان علی مراد خان به فرماندهی دو سردار لارجانی به منطقه‌ای از تنگه عباس آباد رسیدند که در آنجا سربازان آغا محمد خان بخوبی مشرف بر سربازان مهاجم بودند جعفر قلی خان فرمان حمله داد به محض فرمان حمله سربازان قاجار

شروع به تیر اندازی و پرتاب سنگ و قطعات درخت کردند و هر گلوله از لو تفنگ یک سرباز خارج میشد یک تن از سربازان علی مرادخان زند را به زمین میانداخت سنگها و قطعات درختها ، با صدای لرزه آور از کوه سقوط میکرده سربازان علی مراد خان زند را له مینمود .

سربازانی که در منطقه حساس تنگه عباس آباد بودند اسیر شدند و عده‌ای از سر بازان و دو سردار لارجانی که در عقب بودند برگشتند و از تنگه عباس آباد خارج شدند . نتیجه جنگ عباس آباد این شد که راه تهران بروی خواجه قاجار گشوده شد .

### فرستاده آغا محمد خان در لارجان .

آغا محمد خان قاجار بعد از چند هفته توقف در تهران عازم مازندران شد و در سال ۱۸۷۰ میلادی مطابق با سال ۱۱۹۵ هجری قمری در بار فروش مازندران سکونت کرد . در این موقع محمد قلیخان سفید و محمد قلی خان سیاه که گفته شدند از ملاکین بزرگ لارجان بودند از ترس این که آغا محمد خان املاکشان را به تصرف آورد مبادرت به طغیان کردند و در لارجان بدون اینکه دعوی سلطنت نمایند خود را مستقل معرفی کردند و به آغا محمد خان اطلاع دادند که دو محمد قلی خان سه فقط یایی شده بلکه در لارجان تفنگ هم میسازند مسئله ساختن تفنگ (۸۷) در لارنجا یک موضوع مهم جنگی نبود . چون در آن عصر تفنگ در همه جا ایران ساخته میشد ولی به آغا محمد خان گفتند که دو سردار لارجانی باصطلاح امروز یک کارخانه تفنگ سازی در لارجان بوجود آورده‌اند و بزودی دارای دهها هزار تفنگ خواهند شد . آغا محمد خان قاجار برادر خود رضا قلی خان را احضار کرد و به او گفت عده‌ای از سر بازان را با خود به لارجان ببر و دو محمد قلی سیاه و سفید را دستگیر کن و کت بسته به بار فروش بفرست .

دو محمد قلی خان وقتی که رضا قلی خان به لارجان رسید باو پیغام فرستادند که حاضرند تسلیم شوند ولی قبل از تسلیم شدن درخواست میکنند که آنها با او در

مجلسی حضور بهم رسانند تا بنوانند چند موضوع لازم را به اطلاعش برسانند .  
 رضا قلی خان بعد از احتیاط‌هایی که هر فرمانده جنگی میکند تا این که ختم برای  
 وندام نگسترده باشد موافقت کرد با دو محمد قلی مذاکره نماید .  
 بعد از این که نشستند محمد قلی خان سفید گفت ای رضا قلی خان تو میدانی کسه  
 ما پسر بعد از پدر اهل لاریجان و ملاک بوده‌ایم . همواره از سلاطین زمان اطاعت  
 کرده‌ایم پدران ما بی‌اغی نبودند بلکه بکار زراعت اشتغال داشتند هیچک از پادشاهان  
 که بر ما زندان و گیلان سلطنت داشتند در صدد تصرف املاک ما بر نیامدند و فقط  
 محمد حسن خان اشاقه باش دست تصرف بطرف املاک ما دراز کرد و مدتی املاک ما  
 را غضب نمود . بعد ما موفق شدیم املاک خود را که از اجدادمان رسیده به تصرف  
 در آوریم . رضا قلی خان گفت آغا محمد خان بدبین است چون شما سال گذشته  
 با علی مردان خان زند متحد شدید و میخواستید آغا محمد خان را دستگیر نمائید .  
 محمد قلی خان سیاه گفت ما تصدیق میکنیم که سال گذشته به علی مردان خان زند  
 متوسل شدیم . توسل ما با او از بیم از دست دادن املاکمان بود نه به قصد دشمنی  
 با آغا محمد خان قاجار هر يك از ما عده‌ای نوکر و کلفت داریم که همه پسر بعد  
 از پدر و دختر بعد از مادر ، در دودمان ما بسر برده‌اند و ما باید متحمل هزینه  
 زندگی آنها بشویم و نمیتوانیم آنها را برانیم و از خدمت خود اخراج نمائیم .  
 وسیله نگاهداری آنها هم املاک ما است . این بود که سال گذشته به علی مردان خان  
 زند متوسل شدیم و نتیجه نگرفتیم و امسال ناگزیر خودمان قیام کردیم که از ملاک  
 مان دفاع نمائیم . ما میدانیم که این کار خطرناک است و اگر شکست بخوریم  
 و بدست آغا محمد خان بیفتیم به هلاکت خواهیم رسید اما اگر کشته شویم بهتر  
 از این است که املاک خود را از دست دهیم و گرفتار تھی دستی شویم .  
 مدتها سال است که ما پسر بعد پدر در لاریجان به آبرومندی زندگی کردیم و نمی  
 توانیم از این به بعد با تعگدستی زندگی نمائیم و برای ما مرگ‌گوارتر از این  
 میباشد که دست احتیاج بسوی این و آن دراز کنیم . محمد قلی سفید گفت بارها

در شاهنامه خوانده‌ام که در قدیم بارها سلاطین ایران از بانوان بوده‌اند ولی این مرد که امروز می‌خواهد بر ما سلطنت کند نه مرد است، نه زن و اگر مرد یا زن بود هرگز اینطور با مردم ستم نمی‌کرد. چون در هر مرد صفات مردی و در هر زن صفات و عواطف زنانگی وجود دارد و در این مرد نه صفات مردی وجود دارد و نه عواطف زنانگی. و به جای اینکه شما ای رضا قلی خان پادشاه این کشور بشوید این مسرد مخنث قصد دارد که جای پادشاهان گذشته ایران را بگیرد.

اولین کسی که کلمه (مخنث) را صفت آغا محمد خان قاجار کرد محمد قلی خان سفید بود و پس از اینکه وی این صفت را بر زبان آورد دیگران فرا گرفتند و آنرا بر زبان یا قلم جاری کردند از جمله لطفعلی خان زند در شعر معروف گفت:

یارب سندی مملکت از همچو منسی دادی به مخنثی نه مردی نه زنی  
از گردش روزگار معلوم شد پیش تو چه دف زنی، چه شمشیر زنی

محمد قلی سیاه گفت ای رضا قلی تو باید تاج سلطنت ایران بر سر بگذاری نه یک مرد خواجه.

### رضا قلی خان به فکر سلطنت افتاد.

دو محمد قلی حس کردند امید به سلطنت رضا قلی خان را سرور کرد و محمد قلی سفید گفت برادر شما مردی است ناقص و نه یک مرد بشمار می‌آید و نه یک زن سلطنت وی نه قبول عامه نیست بلکه از نظر شرعی هم ایراد دارد و در شرع ما یکی از صفات شخصی که می‌خواهد بر مسلمین حکومت کند صفت (رشید) بودن است. برادر شما - رشید نیست ناقص است رشید یعنی شخصی که دارای رشد است و مقصود از رشد فقط این نیست که اندامش به ظاهر مانند اندام یک فرد بالغ باشد بلکه باید از حیث عقل و مشخصات جسمی هم رشید بشمار بیاید. برادر شما ممکن است مدتی با قهر و غلبه حکومت کند ولی شما از هر حیث شایسته سلطنت هستید و ما حاضریم تا آنجا که توان داریم برای سلطنت شما زحمت بکشیم و ما یک در خواست داریم که شما در صد بر نیائید املاک ما را تصرف کنید.

رضا قلی خان گفت آیا شما تعهد می‌کنید که برای این منظور از صمیم قلب با من

کممک نمایند و محمد قلی گفتند هر قدر تفنگچی دارند میتوانند بسیج کنند و اگر شما برآستی خواهان سلطنت ایران باشید بهترین موقع برای رسیدن به این آرزو این موقع است. براحتمی میتوانید آغا محمد خان را بر کنار کنید و خود فرمانفرمائی گیلان و مازندران را بر عهده بگیرید تا بعد قسمت های دیگر ایران را هم جزو قلمرو سلطنت خود نمائید.

برادر شما در بار فروش است شما با سربازانی که خود آورده اید و سربازان لاریجانی و خود ما به بار فروش بروید و آغا محمد خان را بر کنار نمائید. (ابدان خان) هم اینک با عده ای از تفنگچیان خود در لاریجان است. ابدان خان یکی از دوستان ما است با لآخره مذاکرات باین منتهی شد که روز بعد با دو هزار و یکصد تفنگچی بسوی بار فروش براه بیفتند. آغا محمد خان قاجار وقتی خبر نزدیک شدن دو مالک لاریجانی را شنید گفت این دو نفر در تنگه عباس آباد چسه توانستند بکنند که اینجا کاری از آنها ساخته شود در راه بار فروش دوستان تفنگچی برای معدوم کردن آنها کافی است. در آن موقع کاروان یا سپاهی که میخواست به بار فروش برود باید از راه بار فروش یا (جاده بار فروش) برود و اگر از راه دیگر میرفت بیم آن وجود داشت که در باطلاق برود یا بر اثر گل بودن و مرداب ها نمیتوانست براه خود ادامه دهد.

شاه عباس صفوی یک جاده شوسه تا بار فروش ساخت و کاروانیان از آن به بعد در فصل باران از آن جاده استفاده میکردند.

آغا محمد خان فکر میکرد سربازان لاریجانی با لاجبار از همان جاده شاه عباس عبور مینمایند دو محمد قلی خان وقتی دیدند راه شوسه وسیله تفنگچیان آغا محمد خان بسته است تصمیم گرفتند از بیراه بروند بعد از آن که هوا تاریک شد روی زمین نمود و حصیر گسترده و تفنگچیان آغا محمد خان را دور زدند وقتی که روز دمید شهر بار فروش از طرف نیروی رضا قلی خان و سرداران لاریجانی و ابدان خان محاصره شد و با لآخره آغا محمد خان دستگیر گردید و در بار فروش

زندانی گردید که بعداً " بوسیله یکی از افسران به بند پی رفته و از آنجا طی مکاتباتی که با برادران دیگر خود کرد توانست خود را نجات دهد .

سرداران لارجانی توسط ابدان خان سعی زیادی کردند که او را بکشند موفق نشدند آغا محمد خان پس از دستیابی بر برادرش رضا قلی خان ، دستور داد ابدان خسان کرد را به قتل برسانند . سرداران لارجانی که در این جنگ نیز به نتیجه نرسیدند با امیر (کونه خان افشار طارمی) که با آغا محمد خان خصومت داشت متحد گردیدند و برای بسیج سربازان باو پول دادند .

قشون امیر کومه خان افشار طارمی که دو محمد قلی سیاه و سفید با سربسازان خود در آن بودند روز جمعه یازدهم جمادی الثانی ۱۱۹۶ هجری قمری به آمل نزدیک شد در این جنگ امیر طارمی تیر خورد و او را از میدان جنگ بدر بردند و در مبرز گیلان از خونریزی در گذشت .

محمد قلی خان سفید نیز تیر خورد و پس از دلیری ها در میدان جنگ در گذشت . محمد قلی خان سیاه دستگیر شد آغا محمد خان دستور داد دست و پاهای او را بستند و سنگی هم به پاهایش بستند و طنابی بلند بان بستند و او را برودخانه انداختند بعد از آنکه محمد قلی خان سیاه در آب خفه شد او را از آب بیرون آوردند و بستگان او جسدش را در لارجان بردند و دفن کردند .

### امیر اعظم و لاریجان

رشید السلطان نام رئیس ایل اصانلو ساکن ورامین در اوائل سالهای عزل محمد علیشاه از هرج و مرج استفاده کرد نسبت به رجال متنفذ تهران بی اعتنائی مینمود . امیر مکرم لارجانی هم چند دهکده آمل را که دو سه نفر از شاهزادگان درجه اول منجمله عین الدوله از خویشاوندان امیر اعظم دعوی مالکیت آنها را داشتند ضبط کرده در آمد آنرا نمی پرداخت . در نتیجه دولت وقت امیر اعظم رامامور تنبیه ایشان نمود درمیان سپاهیان یکدسته سختیاری بودند که از امام قلیخان اطاعت مینمودند . پدر امیر اعظم خواهر امیر مکرم را نیز از دواج کرده بود و از او فرزندی داشت . ولی خود امیر اعظم از زن دیگر بوجود آمده بنا بر این امیر مکرم و امیر اعظم نسبت بهم

بیگانه نبودند باری امیر مکرم با سپاه ابوابجمعی خود و چریکان اصانلو بطرف امامزاده هاشم رفت و دشت موشا (با لای آب علی) را انتخاب کرده بر تیغه کوه سنگر بست و -  
 بختیاریها در پائین کوه موضع گرفته دهانه های توپها را بطرف گردنه موشا سوار کردند .  
 اگر چه گلوله های توپ در پشت سنگر لاریجانی ها بزمین می نشست ولی لارجانی ها از صدای آن میلرزیدند و از ترس چنان عقب نشینی کردند که تا آمل عنان نکشیدند . امیر مکرم پیش از هر چیز احمد سلطان دلارستانی را که سر کرده ای پیر و امین بود با چند تن سرباز زبده و چالاک انتخاب کرده دستور فوری داد که به قریه اسک برود و اثاثیه گرانبها خانه آنجا را به تنگه بینجستان دهستان بهرستاق انتقال دهد . لارجانی ها و افسرانشان از آنهمه مواضع کوهستانی و قلل آن چشم پوشیده به آمل برگشتند و پس از اندکی توقف در (اجدانیه) محل سکونت امیر مکرم جلسه مشورتی تشکیل دادند و از بزرگان شهردعوت کردند تا درباره رزم یا سازش تصمیم بگیرند و شهر را از حمله بختیاریها حفظ کنند .  
 جلسه مزبور مجلس پر شور و هیجانی بود . پس از جلسه امیر نظامیان را آزاد کرده خودش بسوی بابل روانه شد تا بخانه اکنط روس پناهنده شود از قضا در راه به امیر موید باوند و پسرانش هژبر السلطان و سهم الممالک بر خورد که پیش از آن ایشان استمداد کرده بود .  
 امیر موید با چهار صد سوار و تجهیزات کامل برای مساعدت او به آمل آمد و مجدداً " در (اجدانیه) جلسه مشورتی تشکیل داد و ضمن نطق کوتاهی تصمیم قطعی خود را با امیر اعظم اعلام کرد و با دو روز توقف نظامیان لارجانی را حاضر و مجهز کرد و روز سوم بسا احتیاط کامل به راه هراز حرکت نمودند و با نقشه ای که امیر موید طرح نموده بود در (گلو بند) متمرکز شدند . مهدی سلطان امیری لارجانی با چند نفر از سربازان ورزیده از راه (چلاوه) پیاده بطرف لارجان حرکت کرد امیر اعظم پس از فرار امیر اکرم در (پلور) توقف کرد و از غذای گرمی که برای سرکردگان لارجانی تهیه دیده بودند تناول کرد و پس از صرف غذا امام قلیخان پیشنهاد نمود که باید بدنبال امیر مکرم تا آمل بشتافت که اگر دوباره بر گردد و از این سنگرهای کوهستانی استفاده کند خطرات جانی ما مسلم میشود ، امیر اعظم پاسخ داد که خان داهی حال جنگ ندارد مردی است ترسو که جرات برگشت نمیکند ، امیر اعظم از آنجا به اسک رفت و پیش از اینکه احمد سلطان دلارستانی بانجا برسد



در این روش، ابتدا باید مشخص شود که آیا بنا مورد نظر، واقعاً تاریخی است یا خیر. برای این منظور، باید به اسناد و مدارک موجود مراجعه کرد و سعی کرد که تاریخچه بنا را به دست آورد. اگر بنا واقعاً تاریخی است، باید به روش‌های مناسبی برای تعمیر و مرمت آن پرداخت.

یکی از مهم‌ترین اصول در تعمیر و مرمت بناهای تاریخی، استفاده از مصالح و روش‌های سنتی است. این امر به حفظ اصالت بنا و جلوگیری از آسیب‌های ناشی از استفاده از مصالح نادرست کمک می‌کند.

همچنین، در فرآیند تعمیر و مرمت، باید به حفظ سازه بنا و جلوگیری از تغییرات اساسی در آن توجه ویژه داشت. هرگونه تغییر در سازه بنا، می‌تواند به آسیب‌های جدی منجر شود و ارزش تاریخی بنا را کاهش دهد.

در نهایت، باید به این نکته توجه داشت که تعمیر و مرمت بناهای تاریخی، یک فرآیند زمان‌بر و پرهزینه است. بنابراین، باید بودجه و زمان کافی برای انجام این کارها در نظر گرفته شود.

در ادامه، به روش‌های مختلف تعمیر و مرمت بناهای تاریخی پرداخته می‌شود. این روش‌ها شامل:

- تعمیرات جزئی: شامل تعمیرات ساده‌ای مانند جرم‌گیری، سفیدکاری و رنگ‌آمیزی است.
- تعمیرات اساسی: شامل تعمیرات اساسی در سازه بنا، مانند تعمیرات سقف، دیوارها و کف است.
- مرمت: شامل فرآیندهای پیچیده‌تری است که به بازسازی بنا به حالت اولیه آن می‌پردازد.

در هر یک از این روش‌ها، رعایت اصول و استانداردهای تعیین شده، امری حیاتی است.

در پایان، به اهمیت حفاظت از بناهای تاریخی و لزوم توجه به این موضوع در برنامه‌های توسعه شهری و فرهنگی اشاره می‌شود.



و دو عراده توپ هم داشتند ایشان از نقاط دره‌های پر پیچ و خم گذشته به حوزة وسینعی رسیدند که منتهای آن سنگر گاه لارجانی ها بود. امیر موید و امیر مکرم در شکاف بلند کوه سنگر گرفته بودند. فوج گزیده امیر اعظم با شلیک توپها سنگر لارجانی ها و دامنه آن کوه را هدف قرار دادند گلوله های توپ به کوه پشت سنگر لارجانی ها میخورد و صدای مهیب آن دره وسیع و کوهها را به لرزه در می آورد و قسمتی از آن بزمین میریخت ولی حرکتی از سپاه دشمن به گوششان نمیرسید. رشید السلطان و با یکی از پسران امیر موید که برای بازرسی سنگرها و افرادش - گردش میکرد به سنگر امیر موید و امیر مکرم رسید امیر لارجانی با دوربین - به امیر اعظم نگرست و اسب خود را زیر پایش دید و توله سگش هم به دنبالش پس دوربین را به رشید السلطان داد ، رشید پس از دیدن خواست امیر اعظم را هدف قرار دهد امیر مکرم نگذاشت که از دولت ترس انتقام داشت . پس اسب را نشانه گرفت امیر خواست مخالفت کند ولی تیرها شده اسب را غطانید و امیر اعظم هم بزمین افتاد رشید السلطان بار دوم توله را کشت امیر اعظم بر اسب دیگر سوار شد جوان رشید تیر دیگری از کنار رکاب امیر گذرانید که پای راستش زخمی شد و اسب دوم نیز بر اثر اصابت آن تیر مرد .

بختیاربها چون امیر اعظم را در گرداب بلا دیدند بر گرد او حلقه زدند امام قلی خان گفت این پیش آمد ناگوار از غرور است که آنچه گفتم نشنیدی و کار را بسه اینجا رسانیدی پس بر خاست و برابر نقشه ای که طرح کرده بود با هفده نفر گزیده بسوی مقصود روانه شد و همنیکه به سنگر اول لارجانی ها نزدیک گردید فرمان شلیک از طرف پسران امیر موید صادر گردید و امام قلیخان با بیست گلوله از اسب بزمین افتاد و در دم جان داد . و آن هفده نفر جنازه او را گرفته به عقب برگشتند . سواران دولتی به سوک نشستند امیر اعظم از آن پیشامد سخت بلرزید که هم از بختیاربها و هم از لارجانی ها بترسید سران بختیاری کم کم بخود آمده ششور کردند و بدینگونه رای گرفتند که به اجتماع مدبرانه حمله کنند و انتقام بگیرند

پس با نواختن شیپور بیورش خود را اعلام نمودند از صدای شیپور ایشان لارجانی ها نیز خود را آماده نبرد کردند از این پیکار که در گلو بند روی داد (۴۸) ساعت طول کشید بر طرفین تلفات بسیار وارد شد کشتگان بختیاری بیش از لارجانی بود ولی یکی از سنگرهای را از دشمن گرفتند و چهار نفر از لارجانی را که یکی رضا نام داشت سر بریدند و سرها را در توپره نهاده با خود به اردو بردند.

علت اصلی عقب نشینی لارجانی ها از سنگر اول صرفاً " حمله دسته جمعی بختیارها نبود بلکه سبب دیگری داشت بدین تفصیل که پیش از آنکه امام قلیخان با (۱۷) نفر به جنگ دشمن برود یکنفر قهوه چی غیر لارجانی از قهوه خانه پشت اردوگاه امیر اعظم از فراز کوه به پائین رفت تا از چادرها چیزی بریاید اما به دام سپاهیان امیر اعظم افتاد و بضررت چوب راهنمایی پانزده نفر بختیاری را پذیرفت و آنان را از راه شکارچیان بر قله کوهی که بر سنگر لارجانی ها مسلط بود برد.

شلیک این دو جناح موافق بر سپاه امیر مکرّم در يك موقع اتفاق افتاده بود اما دو پیشامد دیگر کار امیر اعظم را تباه کرد نخست اینکه خلیج چون سرهای بریده لارجانی ها را در توپره بختیاری دیدند بر آشفتنند که آن کردار زشت را دور از مرد دیدند و همان گفت و شنیدها موجب شد که خود را کنار کشیده بر کناره دیگر رود هراز چادر زدند. دیگر اینکه بنا به شرح گذشته مهدی سلطان با هفت نفر لارجانی به همراه راهنما از بیراهه به سراغ اردوی امیر اعظم روانه شد چون سه شش کیلو متری علی آباد رسید به دهکده (آفن سر) رفت و با هفت نفر همراهان در آنجا به خواب رفت و تنها یکی در بیرون اطاق پاسداری مینمود میر آخور امیر اعظم با دو نفر بختیاری برای گرفتن علوفه و آذوقه با فکری آرام بسوی همین دیسه روان گردید چشم پاسدار به يك سگ زیبای شکاری افتاد که بر گردش طوق طلالا دارد و از پیچ راه بسوی دهکده میاید و دانست که از آن اردوست و کسی همراه دارد پس به اطاق رفت و سر کرده لارجانی را بیدار کرد از قضا میر آخور هم با دو سرباز بر کنار حیاط همین خانه آمد و صاحب خانه را آواز داد، مهدی سلطان بجای

روستائی از اطاق بیرون دوید و پیشانی میر آخور را با تیری جانسوز نشانسه گرفت . سربازان با سرعت عجیبی بدن بیجان میر آخور را به اردو رسانیدند و چگونگی را به امیر اعظم گزارش دادند . مهدی سلطان بیدرنگ روستائیان را نزد خویش برد و فرمان داد که پیش از رسیدن سپاه دشمن پراکنده شوند و در جنگلهای پیرامون پنهان گردند و خودش نیز از آن سامان گریخت و خود را به قلعه کوهسی که بر اردوی امیر اعظم مسلط بود رسانید . حدس مهدی سلطان درست بود زیرا چیزی نگذشت که پنجاه نفر بختیاری به دهکده رفتند و چون کسی را نیافتند اثاث خانه‌ها را تپاه کردند .

امیر اعظم بختیاریها را پس از برگشت از جنگ گلو بند به حضور خواست و آنان را برای انتقام خون اسلام قلیخان تشویق کرد قرار دادند که شب را بخوابند و صبح را به سنگر لارجانی ها حمله نمایند . مهدی سلطان و یارانش شب را بر قلعه کوه بسر برده و پیش از آنکه بامداد بدمد و هوا روشن شود هر يك در فاصله های معین دور از چشم دشمن سنگر گرفتند و افراد نالغ به انتظار تیراندازی مهدی سلطان نشستند همینکه نخستین رشته صبح نمایان گشت غریب گلوله مهدی سلطان غرش نمود و سربازی که در بیرون چادر بخون آغشته شد باران گلوله چندین سر باز را کشت و فوج خلج هم که در زیر کوه شمالی ، آنطرف رود هراز اردوگاه داشتند به نشانی گلوله‌ها تیراندازی کردند . بختیاریها تا ساعتی مهیوس بودند و تلفات میدادند ، سربازان دولنی گمان کردند که چون بختیاریها رئیس خود را از دست دادند و به شرکت در پیکار مردد بودند بر اثر اختلاف خودیها بیهوده تیراندازی میکنند .

ایل بختیاری پس از مدتی که به چگونگی پی بردند آماده نبرد شدند يك دسته از سواره و پیاده ایشان بسوی هدف شناختند اما همینکه نیمی از راه را پیمودند به تیر لارجانی ها به دره افتادند ، دسته دوم بختیاریها هم به سنگرها نزدیک شدند ولی یکبار به ته کوه در غلطیدند چون در این دو حمله افواج خلج سربازان

دولتی شرکت نکردند ، بختیاربها سخت خشمناك شده عقب نشینی کردند امیر اعظم پیشاپیش سپاه به راه افتاد و از ترس فرمان داد که سپاهیان از راه نمارستاق نور به تهران بروند نه از راه لاریجان . بیشتر چادرها و اثاث اردوها را جا گذاشته بودند زیرا پیش از آنکه اثاث جمع آوری شود ، مهدی سلطان با سه تن از یاران شلیك كنان از فراز كوه پائین آمده سربازان را به گلوله بستند وهم چنین آجودان امیر اعظم چنان سراسیمه شد كه كيف پول و نامه های دوستانه امیر از دستش افتاد و زهره بر داشتن نداشت .

اثاثیه نفیس و عكسهای پسران و دختران كه با امیر اعظم ارتباط فساد داشتنند در كيف و دو لنگه مفرش گرگانی بود كه مهدی سلطان همه را جمع کرده تصرف نمود . اردوی شكست خورده در اول ظهر به دهكده نمار رسیدند و در سه كيلو متری آن آبادی چادر زدند . لارجانی ها و دسته های امیر موید و رشیدالسلطان نمیخواستند امیر اعظم را بكشند و گرنه همان روزهای اول به كارش پایان میدادند .

روستائیان نمار در گرامیداشت امیر اعظم كوشیدند و به پیشواز او رفته بودند بختیاربها میخواستند به انتقام و قصاص خون امام قلیخان سه اسیر لارجانی را دار- بزند ولی امیر اعظم نگذاشت چون امام قلیخان در علی آباد مدفون شد و بختیاربها از آن میترسیدند كه مردم لاریجان به تلافی سر بریدن چهار تن آن جسد را نبشش قبر کرده بسوزانند و یا بی احترامی كنند . پس بدستیاری شش تن از دهقانان نماري و یکی از ایشان كه به لباس محلی در آمده بود شبانه به علی آباد آمده جنازه امام قلیخان را از قبر بیرون آورده به نمار بردند امیر اعظم آن جنازه را با تشریفات نظامی بخاك سپرد آن گاه با سپاه دولتی به تهران رفت و اسیران لارجانی را بدون محاكمه به زندان انبار فرستاد .

حاج اسمعیل سلطان و آقا غلامحسین ارباب كه معروفتر بودند زودتر و فضل الله بیرتر از زندان آزاد شدند .

( این اطلاعات تاریخی جمع آوری شده فقیه محترم آقای هبه اله بیانی دبیر ادبیات دبیرستانهای آمل است و ایشان از آقایان حاج اسمعیل سلطان و آقا غلامحسین ارباب و چند تن دیگر که در آن پیشامد ملازم امیر مکرّم و سر دستنه سپاه بودند کسب اطلاع نمود آقای بیانی پائیز سال ۱۳۴۴ خورشیدی از این جهان رخت بر بستند ) • ( ۸۸ )

امیر اعظم پس از برگشت به تهران مورد تعقیب قرار گرفتند و در مجلس و روزنامه رسمی علیه او مطالبی گفته و نوشته شد و نامبرده در روزنامه برق از خود دفاع کرد تقصیر را برگردن سپاهیان و محمد ولیخان سپهسالار که در آن روزها نخست وزیر بود انداخت • در صورتیکه مرحوم سپهسالار در این باره هیچگونه مداخله و گناهی نداشت • مخالفان سپهسالار هم که با او موافق بودند آن مغلطه را پذیرفتند و گناه او را به گردن دیگران انداختند • دفاعیه مزبور که به انشاء خود اوست در شماره ۲۶ مورخ ۲۳ ذی حجه سال ۱۳۲۸ قمری روزنامه جیل المتین به نقل از روز- برق بدین شرح منعکس شده است •

قابل توجه عموم ، خدمت جریده فریده برق زید غزه ، در روزنامه مجلس عبارت سوء تدبیر و جلافتی در طی مقاله راجع به ارتجاع اردو بیرحمانه نسبت به این خادم ملت نوشته شده بود که به حکم ضرورت خود را دفاع میکنم •

اولاً " شخص شخیص جنابعالی بنده را خوب میشناسید که در صراط حریت پرستی وقتی مشی میکردم و فقط به مأموریت وجدان خود بعد از شرح زیادی پس از استعفاء و انفصال از حوزه خدمت محمّم شدم به فرنگستان و بروکسل رفته و در انستینو اعاده به تحصیلات خود بکنم و به همین خیال از شاهرود به تهران آمدم و بطوری در این مسافرت تصمیم داشتم که بخانه شخص خود هم رحل اقامت نینداختم و منسزل حضرت علاء الدوله بسر میبردتم تا موجبات حرکتی فراهم شود •

در این ضمن داستان نهب و غارت اموال و املاک آقای علاءالدوله و حضرتتین شیر الدوله و موتین الملک و صغار مرحوم سپهسالار در مازندران و حرکت رشید السطان و احمد خان میر شکار و حمید خان برادر کرّمخان و مراد خان ایلچی

و غیره به تهران به قول خودشان برای تصفیه امور و ۰۰۰۰ طلوع کرد و با وجود آنکه این مسئله بسیار لازم و خیال مبارکی بود نمیدانم بچه ملاحظه هیبت وزراء و وکلا از این خیر خواهی و معاونت حضرات احتراز کردند و اصرار فرمودند بنده بروم و مشارالیه را از این حرکت به ای نحوکان منصرف دارم .

و بنده چون امروز خود را به رای العین میدیدم از قبول این خدمت بسیار تحاشی کردم و محذورات خود را کاملاً " در هیئت وزراء و منزل حضرت سردار اسعد مکرر در مکرر اظهار داشتم ولی از آنجا تا ساعتی ایاس نوکری به براسست انسان حکم کارد مطبخ را دارد هم باید پیاز خورد کندو هم سر ببرد ، خواهی نخواهی قبول این خدمت را کردم ولی بیشتر به امید اصلاح بوده بلکه مصادمسه نشود ، و اینکار بخوبی و خوشی بگذرد و بهمین جهت هم در موجبات صحبت اردو چندان دقتی نکردم و با اینکه میدانستم این عده قشون هم غیر مستوفی و هم از نظر مقنضیات سر بازی به کلی بی بهره اند ، بطرف لاریجان رهسپار شدم .

از تهران سرخ حصار حیدر خان سر کرده سوار هداوند را که جزء امنیه و از طفولیت با رشید السلطان آشنا است برای دعوت به مصالحت و مسالمت نزد آنها فرستادم و چون در سرعت حرکت از مرکز تأکید میشد و مجبور به پیشرفت بودم ، سید احمد خان کرد بچه را هم هنوز حیدر خان مراجعت نکرده با مشروحه دیگری که مفصلاً " داعی صلح و رافع خرافات بوده به اردوی حضرات اعزام داشتم به پیشنهاد حضرت سپهدار و چهار نفر ۰۰۰ تعلق کردند .

این کاغذ روزی رسید که اردو آب انجیرک بطرف دماوند حرکت میکرد و ورود سه ماهه به پیشقراول اردو تفنگ انداخته و تقدیم در محاصمه کردند و جنگ مشاء شروع شد و بدون اینکه تفصیلات جز آن را متعرض شوم مختصراً " عرض میکنم که از دماوند تا یک فرسخی (پراسب) آنها را پنج بار شکست دادیم سه مجلس نهار گرم آنها که در سر بار بود نصیب شد ، عده مقتول ، جماعتی مجروح معین و معین

است از اسب و تفنگ و کارهای اردوشان همچون به فرار میرفتند در هر مصادمه مقداری بدست آمد تا در جنگ علی آباد که با سنگرهای محکم مخالفه و پیسش بینی های چند روزه و داشتن هزار نفر جمعیت شکست به آن فاحشی را خوردند و يك سر به آمل فرار کردند . شب را در علی آباد ماندیم و صبح که برای سهولت راه و توسعه آذوقه از راه نمارستاق اردو را حرکت دادیم ، دیگر نشد جلو سوار و سر باز را بگیریم تا به تهران رسیدند -

بنده و چراغعلی خان بختیاری و معدودی از صاحبمنزبان که باقی بودیم بهر ترتیب بود توپ و قور خانه دولت را تا به اینجا رسانیدیم و تصور میکردیم که حرکت این سوار و سرباز تکیه به يك نقشه محرمانه دارد که از مرکز کشیده شده است . والا اگر از سرما فرار کردند اولاً " فصل سرمائی نیست که کسی را فرار دهد سید راس قاطر هم که برای قشون لحاف و نوشک و اثاثیه تجهیز شده بود که ابرادی نتوانند بکنند اگر از گرسنگی هزیمت کردند اولاً " بنده ذات خدا دروغ میگویند همان شبی که صبحش از علی آباد کوچ کردیم دو خروار نان پخته و سه فرد گاو بزرگ در اردو کشته شد بعلاوه بیست من برنج خود بندسده پلو پختم و برای قراولان بتوسط صاحب منصب های آنها فرستادم اگر چه قابلمسه های پلو را صبح دستخورده یافتند و معلوم شد صلاح ندانسته اند برای آنها بفرستند ولی بنده از وظیفه سر بازی خود قصور نکردم . سلمنا در علی آباد آذوقه نبود ، در نمارستاق که محل اقامت اردو و بلوک به آن معظمی بود چرا توقف نکرده و این سرباز گرسنه ، سرما زده چطور رمق داشت که يك سر به تهران بیاید و آنگهی اگر در فراهم داشتن آذوقه سرباز هم قصور شد بنده که رئیس اردویا - زار و تحویل دار اردو نبودم ، شاهد این مقال عده تلفات طبقات اردوست ازبختیاری که یکصد و کسری بودند چهار نفر مقتولین ، شش نفر مجروح ، ده اسب سقسط شد ، از اجزای شخصی بنده علی اکبر بیک و مراد مقتول ، صفر و شعبان و حسین مجروح و سه اسب سقسط شد ، از این هشتصد ، نهمصد نفر مقتول کدام و اسم مجروح



چيست تا بتوان احتمال داد که ایشان هم داخل خط جنگ شده‌اند و اگر اراضی و قلال و جبال و طرق را بنده برای حرکت اردو خوب انتخاب نکرده بودم بایستد از آنها پرسید که تا بحال يك نقشه از داخل مصلکت خودشان رسم نکرده‌اند و هادی و راهنمای اردوی دولتی باید مشهدی عبدالغنی و آقا سید مجتبی چاروا - دار باشند حالا واقعا " جناب مدیر جز آنکه جماعت طالب اقتضاح دولست در هر انحراف ظاهری و سکتہ حاصله از عدم معرفت قشون به شرافت سربازی را - صورت شکست اردوی دولت جلوہ داده کایناترا مقصر میکنند ، چشم زخم اردو کدام و جلافت و سوء تدبیر بنده چه بوده است و لزوما " عرض میکنم مگر چه بنوسط حضرت علاء الدوله چه شفاهاً " از حضرت وزارت جنگ و هیات وزراء استدعا کرده‌ام که بنده را با این اردو محاکمه کنند و این مطلب به این بزرگی را که بسبب حیثیات دولت و ملت بر میخورد به مدافعه نگذارند ، مقصر را مجازات فرمایند ابدا " اثر نکرده است از مبداء تا انتہاء احساسات مردم در باره بنده و ایسین ماموریت به غلط رفته است که اگر رسماً " محاکمه و استیضاح نشود بنسبتده مجبورم توضیحات لازمه را به بیگناهی خدمتگزاری خود باطن امر از طرفی که میدانم داده رفع اشتباه کنم .

مطالبی که در مورد لارجان در کتب تاریخ نوشته شده است .

### سلطان طغرل در لارجان

سلطان بزرگ طغرل بن ارسلان از عراق بعد وفات اتابک محمد بن ایلدکز نجلاقی که با برادر او قزل ارسلان افتاده بود پیش ملک سعید نبشت و از او پناه طلبید . (۸۹) شاه اردشیر فخیم و معسکر بدیه فلول لارجان ساخته بود ، جمله اصقبدان از امراء و معارف را تابری به استقبال او فرستاد و او به آهنگ لار پیش باز شد و به جهت او از اسب بریز آمد و او را بافلو آورد و نخل و تاج با جمله آلات شاهنشاهی از خزانه و فراشخانه و شرابخانه و اصطبل و کله های سفر بدو باز سپرد .

### والی ری در لارجان

حسن بن زید لشکر با احمد بن عیسی به لارجان فرستاد که صاحب لارجان پرویز مدد خواست و نوشت .  
لیث بن فقه به ری رفت و والی ری را بر آن داشت که به لارجان آید . ترک کسه والی ری بود بقول او عزیمت لارجان کرد چون بدیه نور رسید ، احمد بن عیسی و مصمغان هر دو آنجا بودند ، راهها فرو گرفتند و از سر کوهها بانگد برایشان زدند لیث بن فقه اسب در جوی راند نتوانست گذشت . ترک سخت بترسیب و گفت مگر بخدر کرد ، بفرمود تا او را بگیرند و سرش را بر داشته پیش حسن زید فرستاده و عذرها خواست .

### حسن فیروزان در لارجان

حسن فیروزان به آمل رسید و به شعبودشت فرود آمد ، از آنجا بلارجان رفت و قلعه بستند و اسپاهی بن آخر یار را بکشت و جمله مال او بر گرفت و بدیلیمان با قلعه خویش شد (۹۰)

### قصر های لارجان

نامهای مواضع که ( حسام الدوله اردشیر بن الحسن ) قصرها ساخته بود درمازندران

از جمله در لاریجان ، کهرود ، فلول ، پردمه .  
ذکر ابو جعفر حسن بن ابوالحسن احمد که صاحب القلنوه لقب داشت بعد از آن میان  
ابو جعفر و ماکان در لاریجان مقابله واقع شد در موضع و لارود ابو جعفر کشته  
شد . ( ۹۱ )

کیا حسن  
شیخ علی گیلانی در تاریخ مازندران نوشته کیا حسن جاندار که کوتوال قلعه لاریجان  
بود و به خواهر داماد کیا افراسیاب چلاوی بود .  
وضع حکومت لاریجان از دوران صفویه تا پایان قاجاریه .

در دوران سلطنت شاه حسین صفوی لاریجانی ها شورش کردند . ابوالقاسم خنسان  
بهرستاقی را از سرگردگی لاریجان خلع نموده و غلامعلی بیگ اسکی را که نایب  
فوج بوده است بدرخواست لاریجانی ها به سرگردگی فوج منصوب نمودند .  
غلامعلی خان در دوره سلطنت نادرشاه افشار خدمات شایان نموده است مخصوصا "  
در جنگ هندوستان لاریجانی ها به سرداری غلامعلی خان فعالانه شرکت داشته  
و در هر میدان جنگ در هندوستان در پیشاپیش سپاه قرار داشتند . در جنگ  
حیدرآباد هفت نفر سرباز لاریجانی وارد حیاتیک نواب ( شاهزاده ) شدند .  
نواب فوری جلو آمده سربازان گفت این صندوق ها تمام لیره است مال شما  
باشد بمن کاری نداشته باشید سربازها قبول کردند . درب صندوق را باز کرده  
و با مشت از آن بر داشته در کیسه می ریخته اند ناگاه شیپورها بصدای آمد  
سربازها دست از صندوق برداشتند نواب جلو آمد پرسید چرا کیسه را پر نمیکنید  
سربازها دیباسخ دادند این شیپور امان است و به امر نادرشاه از این زمان به بعد  
مال شما بر ما حرام است . نواب گفته است با همچه قشون نمیشود جنگید از سر  
بازها خواست در صورت امکان سر کرده شما را به اینجا بیاورید که من و محمد  
شاه بوسیله سر کرده شما نزد نادر شاه رفته امان بخواهیم گفتند بلی ، فسورا "  
به غلامعلی خان سردار اطلاع دادند در منزل نواب مذاکرات بین نواب و سردار

لاریجانی انجام شد ، سردار لاریجانی پس از کسب تکلیف از نادر شاه ، روز بعد غلامعلی خان سردار و نواب و محمد شاه هندی در شهر خیدر آباد به خدمت نادر شاه افشار مشرف شدند .

بعد از فتح هندوستان نادرشاه مجدداً " تاج و تخت را به محمد شاه بخشید و به غلامعلی خان سردار امر فرمودند بسمت نماینده ایران با فوج لاریجان در هندوستان و با سمت فرمانفرمای ایران در هندوستان نزد محمد شاه باشند . مدت هفت سال غلامعلی خان با فوج لاریجان در هندوستان بودند ، بعد از کشته شدن نادر شاه و رسیدن خبر آن به هندوستان ، سردار فکر حرکت به ایران بر آمده محمد شاه پانصد نفر سوار هندی با کمال عزت و احترام در معیت فوج لاریجان قرار داده تا سر حد افغانستان آنان همراهی کردند و از آنجا غلامعلی خان بسا فوج خود به لاریجان آمد ، بعد از فوت غلامعلی خان پسرش محمد قلی خان به سر کردگی فوج لاریجان منصوب شد در جنگ محمد حسن خان و کریم خان زند ، محمد قلی خان دستگیر و پس از کور کردن چشمش وی را به قتل رساندند و برادرش رضا قلی سلطان را نیز سر بریدند . در این زمان قلی خان امیری اهل قریه آخا به امر کریم خان زند سر کرده فوج لاریجان شد محمد قلی خان امیری در جنگ آغا محمد خان با لاریجانی دستگیر و بقتل رسید . و حکومت لاریجان را به محمد خان سردار که اهل اسک بود دادند و طهماسب قلی خان سردار پسر محمد خان سر کرده فوج لاریجان شده بود .

طهماسب قلی خان در سی سالگی هنگامی که از طهران به لاریجان می آمد در قریه آه بیمار در پلور فوت نموده است و عباسقلی خان جنازه برادر را به قم برده دفن نمود . عباسقلی خان مرد شجاع و با کفایت بوده در جنگ قفقاز همسراه عباس میرزا و لایعهد بوده است . در جنگ هرات شرکت داشته و در جنگ آقاخان محلاتی که قوای دولت در رشت شکست خوردند به امر محمد شاه عباسقلی خان سردار لاریجانی با قوای لاریجانی بسمت رشت حرکت کرده آقا خان محلاتی

را شکست دانه وی را دستگیر و به طهران فرستاد.

بعد از عباسقلی خان سردار پسرش غلامعلی خان سردار سر کرده فوج لاریجانان گردید غلامعلی خان هم در جنگ شیراز و گرگان شرکت داشته و در جنگ بهائی ها نیز باتفاق پسر عمویش محمد سلطان یاور و فوج لاریجان در قلعه شیخ طبسرسی که قره العین و سید علی محمد باب ه ششصد نفر بهائی را دستگیر و به اوجی آباد آورده سپس به طهران اعزام داشتند.

غلامعلی خان سردار دارای یک پسر بوده بنام محمد خان، زمانی که محمد خان چهارده ساله بود پدرش فوت کرد. محمد خان مدت دو سال به امر ناصرالدین شاه در دارالفنون تحصیل میکرد و غلامحسین خان سردار و سیف اله خان هر یک دو سال سر کرده فوج لاریجان بودند محمد خان در سن ۱۸ سالگی به فرمان ناصرالدین شاه سر کرده فوج لاریجان گردید و امیر مکرم لاریجانی مشهور است. امیر مکرم لاریجانی در سال فوت نموده و در امامزاده ابراهیم آمل مدفون است.

- ۱- رابینو در سفر نامه خود یکی از روستاهای دهستان دلارستاق را (ورکا) نام برده که فریدون در آنجا تولد یافته ولی اکنون در دهستان دلارستاق لارجسان روستایی به این نام وجود ندارد. (مولف)
- ۲- خیال قارن که نام خاندان معروفی بوده این ناحیه شامل بر لاریجان کنونی و سواد کوه و هزار جریب بوده و نداد امید کوه در جوار جنوبی آمل امیدوار کوه که بعد ها امیر کوه شده، ص ۲۲ سفر نامه مازندران استرآباد - رابینو
- ۳- کتاب تاریخ تبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین بن سینا نصرالدین مرعشی
- ۴- لقب ضحاک
- ۵- پیک تند رو
- ۶- قوچ کوهی (فرهنگ عمید)
- ۷- تاریخ تبرستان پس از اسلام تألیف اردشیر بزرگر
- ۸- معجم البلدان - فرهنگ دهخدا
- ۹- رابینو سال ۱۲۸۸ - ۱۲۸۹
- ۱۰- بن اسفندیار در تاریخ تبرستان نام روستای ورکا را در لارجان ذکر میکند که فریدون در آنجا متولد شده و رابینو روستای ورکا را محل تولد فریدون میدانند امروز چنین روستایی در دلارستاق وجود ندارد.
- ۱۱- از آستارا تا استرآباد - جلد سوم - دکتر ستوده
- ۱۲- ظاهرا " پلور در این وقت آبادی نداشته است.
- ۱۳- ما موریت علمی در ایران چاپ پاریس ۱۸۹۱ - مازندران تألیف عباس شاپان
- ۱۴- آدمها و آئین ها در ایران ۱۸۷۷ (مطابق ۱۲۹۴ هـ) ترجمه علی اصغر وحیدی
- ۱۵- سه سال در برابر ایران از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ دکتر فوریه طبیب مخصوص ناصر الدین شاه قاجار ترجمه عباس اقبال

- ۱۶ - بن اسفندیار ۶۱۳ هجری
- ۱۷ - سفر نامه مازندران و استرآباد تالیف ه. ل. رایبنو ترجمه وحید مازندرانی
- ۱۸ - در حال حاضر پل معلق دیگری علاوه بر پل دوازده پله در شهر آمل و روی رود هراز ساخته شد (۱۳۱۶) مولف .
- ۱۹ - جغرافیای استان مازندران مخصوص دانش آموزان سال دوم ۱۳۶۵
- ۲۰ - از آستارا تا استرآباد دکتر ستوده
- ۲۱ - منظور روستای اسک است
- ۲۲ - رباط نام قدیم کهرود است .
- ۲۳ - از آستارا تا استرآباد دکتر ستوده
- ۲۴ - دکتر ستوده
- ۲۵ - هیات علمی فرانسه در ایران ترجمه کاظم ودیعی
- ۲۶ - دکتر ایلیچ ستوده از آستارا تا استرآباد ص ۴۶۱
- ۲۷ - تاریخ تبرستان رویان مازندران
- ۲۸ - محل این قلعه در لاریجان مشخص نیست
- ۲۹ - تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قارچاریه تالیف حسن پیر نیا - عباس اقبال  
۴۲۹
- ۳۰ - محل این قلعه در لاریجان مشخص نیست
- ۳۱ - کتاب مازندران عباس شایان ص ۱۰۴
- ۳۲ - از آستارا تا استرآباد دکتر منوچهر ستوده
- ۳۳ - این کوه اکنون کاردون نامیده میشود .
- ۳۴ - کافر کلی غیر دسترس اسک را که بعضی از اهالی رفته‌اند در آنجا استخوانی پیدا نکردند بلکه آثار زندگی از قبیل حوض داشته است . مجاور کافر کلی هسای فوق را فعلا " اهالی زاغه های متعددی برای گوسفند کننده‌اند .

- ۳۵- فعلا" آینه بندان
- ۳۶- مجله خواندنیها سال دوازدهم شماره ۴۳ - پنجشنبه ۵ بهمن ۱۳۳۰
- ۳۷- دکتر ستوده
- ۳۸- مازندران نوشته عباس شایان
- ۳۹- برای اطلاعات بیشتر به کتاب آستارا تا استرآباد دکتر ستوده مراجعه شود.
- ۴۰- سفر نامه مادام کارلاسرنا (آدمها و امینها در ایران ۱۸۷۷ میلادی ۱۲۹۴ هـ . ق ترجمه علی اصغر وحیدی)
- ۴۱- برای اطلاع در مورد ترکیببات آبها به کتاب چشمه های معدنی ایران تالیف دکتر محمد جنیدی مراجعه شود.
- ۴۲- در حوالی شهرستان دماوند اشیا و سکه های زمان اشکانیان یافت شده است (باستان شناسی ایران و اندنبرگ)
- ۴۳- دهل محله و باعث محله فعلا" در روستای اسک وجود ندارد.
- ۴۴- این مسجد را تعمیر نموده و تغییرات زیادی در آن داده اند.
- ۴۵- بنایی که دکتر ستوده در کتاب آستارا تا استرآباد شرح داده است فعلا" خراب و ساختمانی جدید بر مرقد امامزاده علی بنا نموده اند.
- ۴۶- دکتر ستوده
- ۴۷- خانقاه را معلوم نیست سید ظهیرالدین ، چه معنی استعمال کرده است شاید به معنی کاروانسرا باشد دکتر ستوده
- ۴۸- تصویر خط لوح در صفحه ۴۲۰ کتاب از آستارا تا استرآباد
- ۴۹- بکسر گاف و فتح میم و گاف دوم
- ۵۰- تا جائیکه مورخین نوشته اند امیر علیشیر نوائی را با این دهکده ارتباطی نبوده است . (۱؛ آستارا تا استرآباد جلد چهارم ص ۴۲۵ دکتر ستوده)
- ۵۱- دکتر ستوده
- ۵۲- روضه الصغای ناصری جلد ۹ صفحه ۳۴۲



- ۵۳- رابینو در سفر نامه خود (آزو) را جزء روستاهای بالا لاریجان ذکر کرده است .
- ۵۴- گلرد به فتح (کاف و لام) قسمتی از کوه که سنگهای بزرگ در آن فرو ریخته یا غلتیده باشد
- ۵۵- دکتر ستوده
- ۵۶- صفحه ۴۲۲ آستارا تا استرآباد
- ۵۷- بضم گاف لوله سفالی بلند و باریک که برای لوله کشی از راه دور بکار میرفت .
- ۵۸- صفحه ۱۷۷ سفر نامه رابینو و ص ۱۶۸ تاریخ تبرستان سید ظهیرالدین مرعشی .
- ۵۹- مون از روستاهای بالا لاریجان ۴ کیلو متری جنوب گزنک
- ۶۰- صالحان ده از دهستان کجور ۶ کیلو متری شرقی کجور نوشهر
- ۶۱- ظاهرا " مونی بوده دکتر ستوده
- ۶۲- دکتر ستوده
- ۶۳- مازندران عباس شایان ، صفحه ۲۹۱
- ۶۴- به فتح سین و سکون را و کسر دال و فتح و او
- ۶۵- به فتح سین و سکونها و فتح را ، و و او و سکون را و دال
- ۶۶- تاریخ تبرستان سید ظهیر الدین مرعشی
- ۶۷- بکسر الف و ضم جیم
- ۶۸- دکتر ستوده
- ۶۹- بضم میم و فتح تا و سکون نون
- ۷۰- عباس نامه
- ۷۱- شماره ۶۳۹ کتاب خطی کتاب خانه ملی ایران (دکتر ستوده)
- ۷۲- سفر نامه فریزر ، ترجمه دکتر منوچهر امیری
- ۷۳- ۷۴- دکتر ستوده

- ۷۵- کلمه‌ای ترکی به معنی زیبا و قشنگ است .
- ۷۶- مرآت البدان ۵ سال قبل ظاهرا " سال ۱۲۹۱ هـ . ق است ( دکتر ستوده )
- ۷۷- تاریخ تبرستان اردشیر بزرگد ۱۳۴۴ ، ص ۲۰۳
- ۷۸- التدوین محمد حسن خان اعتماد السطنه ، ص ۱۳۴
- ۷۹- ترجمه سفر نامه رابینو
- ۸۰- مازندران عباس شایان
- ۸۱- بن اسفندیار تصحیح عباس اقبال
- ۸۲- منظور سید فخرالدین پسر سید قوام الدین مرعشی است
- ۸۳- سال ۷۸۵ هـ
- ۸۴- در پاوک دریاچه اشکوهستانی در بالای دهکده نمار آخرین دهکدن در نمارستاق
- ۸۵- قلعه دشمن کور ظاهرا " قلعه ملک بهمن است که تا امروز بنام این سلطان خوانده میشود و خرابه های آن بر بالای شاهاندشت لارجان بر جای است ( روضه الصفا جلد سوم ص ۱۲۳ )
- قلعه دشمن کور ظاهرا " نمیتواند قلعه ملک بهمن باشد زیرا ملک بهمن خود در قلعه ملک بهمن بود که فرود آمد پس خانواده او در قلعه دیگری بوده‌اند ( مولف )
- ۸۶- خواجه ناجدار - ژان گور فرانسوی ترجمه ذبیح الله منصوری
- ۸۷- وجود کارخانه اسلحه سازی در لارجان مورد تأیید مورخین است .
- ۸۸- کتاب تاریخ مازندران تالیف اسمعیل مهجوری ، جلد دوم ، ص ۲۵۸
- ۸۹- اردشیر بن الحسن اصفهید مازندران
- ۹۰- تاریخ تبرستان بن اسفندیار ، عباس اقبال
- ۹۱- حبیب السیر ، جلد دوم ، صفحه ۱۴۵



ردیف	نام کتاب	تالیف و ترجمه
۱	التدویر فی احوال جبال شروین	
۲	از آستارا تا استرآباد	دکتر منوچهر سنوده
۳	تاریخ رویان	اولیاء الله آملی
۴	تاریخ ایران	علی اقبال آشتیانی
۵	تاریخ و جغرافیای سوادکوه	
۶	تاریخ مختصر طبرستان و مازندران	شیخ علی گیلانی
۷	تاریخ بن اسفندیار	پرفسور برون
۸	تاریخ تبرستان پیش از اسلام	اردشیر برزگر
۹	تاریخ تبرستان پس از اسلام	اردشیر برزگر
۱۰	تاریخ مازندران (۱) و (۲)	اسماعیل مهجوری
۱۱	تاریخ الامم و الملوك	طبری
۱۲	تاریخ	محمد اسفندیاری
۱۳	تاریخ ایران باستان	پیر نیا
۱۴	تاریخ دودمان علوی	
۱۵	تاریخ سید ظهیر الدین	
۱۶	تاریخ تبرستان ، رویان ، مازندران	
۱۷	تاریخ مازندران از ابتدای مهاجرت سادات	
۱۸	تاریخ گیلان و دیلمان	
۱۹	تاریخ رویان وقایع مازندران بعد از اسلام	
۲۰	تاریخ تبرستان ابتدای بنیاد طبرستان تا آل زیار	

ردیف	نام کتاب	تالیف و ترجمه
۲۱	تاریخ تبرستان ، رویان ، مازندران انقراض سلسله مازندران	
۲۲	تاریخ مفصل ایران	عباس اقبال آشتیانی
۲۳	تاریخ ۲۰ ساله	عباس مکی
۲۴	تاریخ خاندان مرعشی تالیف میر تیمور مرعشی	دکتر منوچهر ستوده ۱۳۴۶
۲۵	جغرافیای تاریخی مازندران	بارتولد
۲۶	جغرافیای مفصل ایران جلد سوم	
۲۷	جغرافیای استان مازندران مخصوص دانش آموزان سال دوم	۱۳۶۵
۲۸	چشمه های معدنی ایران	دکتر محمد جواد جنیدی ۱۳۴۳
۲۹	حبیب سیر	خواندمیر
۳۰	خواجه تاجدار	ذبیح اله منصوری
۳۱	روضه الصغای ناصری	
۳۲	روزنامه خاطرات اعتماد السطنه	ناصرالدین شاه ۱۲۹۲
۳۳	روزنامه سفر مازندران	دکتر جعفر شعار ۱۳۶۶
۳۴	سفر نامه بن حوقل ایسران در صوره الارض	ابوالفضل طباطبائی ۱۳۴۲
۳۵	سفر نامه ابودلف در ایران	
۳۶	سفر نامه دمورگان	ترجمه علی اصغر وحیدی
۳۷	سفرنامه مادامکار لاسرنافرانسوی	وحید مازندران ۱۳۴۳

تالیف و ترجمه	نام کتاب	ردیف
دکتر منوچهر امیری	سفر نامه مازندران و استرآباد رابینسو	۳۸
	سفر نامه فریزر	۳۹
	سفر نامه مادام دیولافوا	۴۰
نظام الملک	سیاستنامه	۴۱
	سیر فرهنگدر ایران	۴۲
عباس اقبال	سه سال در دربار ایران	۴۳
	دکتر فوریـــــــــــــــــه	
	شاهنامه فردوسی	۴۴
	فرهنگ جغرافیای ایران استان دوم	۴۵
	فرهنگ دهخدا	۴۶
	فرهنگ عمید	۴۷
اسکندر	عالم آرای عباسی	۴۸
عباس بیسک	مازندران (تاریخی ، اقتصادی )	۴۹
یاقوت حموی	معجم البلدان	۵۰
	مجله خواندنی های سال	۵۱
مرکز آمار ایران	نام و جمعیت آبادی های	۵۲
	استان مازندران	
حمداله مستوفی	نزهة القلوب	۵۳

۱۰۰	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۰۱	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۰۲	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۰۳	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۰۴	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۰۵	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۰۶	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۰۷	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۰۸	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۰۹	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۱۰	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۱۱	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۱۲	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۱۳	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۱۴	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۱۵	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۱۶	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۱۷	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۱۸	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه
۱۱۹	روش‌های مختلف	روش‌های مختلف
۱۲۰	تاریخچه و پیشینه	تاریخچه و پیشینه

تبرستان  
www.tabarestan.info